

لازم دارد. این معنی به است. **رئیس** - رای می گیریم آقابانی که پیشنهاد آقای شوشتری را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (دوسه نفر قیام نمودند) **رئیس** - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (بشرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم بجای سه تومان بهمان دو تومان اولی رای گرفته شود. **آقای سید یعقوب** - آن نظامنامه که آقای وزیر اشاره کردند اصلا ربطی به مجلس ندارد. آن فقط يك نظامنامه است. در لایحه دولت هم که به کمیسیون بودجه و کمیسیون فوائده عامه آمده خرج سفر همان دو تومان بوده حالا نیتانم چطور آقای وزیر در مجلس میفرمایند روزی سه تومان باید داده شود. بنده نظر بلایحه دولت این پیشنهاد را کردم. در آنجا هم همان دو تومان است حالا دیگر حکمیت با مجلس شورای ملی است. **مخبر** - استدعا دارم ماده هفت را بفرمائید مطرح کنند تا ایرت از کمیسیون بیاید **رئیس** - راپرت کمیسیون اینجا است همان دو تومان است **رئیس** - رای می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقابانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام کردند) **رئیس** - تصویب شد. ماده هفتم قرائت می شود (باین مضمون خوانده شد) ماده هفتم - دولت ایران مبلغ چهار صد تومان برای متخارج مسافرت مسیو فن دما کن از آلمان بطهران خواهد داد و همین مبلغ در موقع معاودت مشارالیه به آلمان تأدیبه خواهد شد مسیو فن دما کن مکلف است که در ماه پس از تصویب این کنترات در تهران حاضر شود **رئیس** - آقای کلزونی (اجازه) **کازرونی** - موافقم **رئیس** - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) **آقا سید یعقوب** - بنده خواستم از آقای مخبر سؤال کنم که مقصود از غیره چیست؟ چون مینویسد؟ آلات و ادوات علمی وغیره. و مقصود از این وغیره معلوم نیست. چون کلمه میهم در قانون نباید باشد و کلمه وغیره مجمل است لذا بنده مخالفم باید معین شود که چه آلات و ادواتی لازم است و در قانون نوشته شود. **مخبر** - ما که نمایانیم چه آلتی برای جنگل لازم است و چطور می توانیم در قانون بتوسیم؟ او خودش میدانند و هر چه را که لازم میدانند میگرد و میآورد **رئیس** - آقای شریعت زاده (اجازه) **شریعت زاده** - بنده چون این بانصد تومان را زیاد میدانیم خواستم بدانم این ۵۰۰ تومان برای چیست و مقصود از این آلات و ادواتی که میخواهند بیاورند چیست؟ **مخبر** - این امر در نتیجه مذاکره است که واقع شده يك آلات و ادواتی این شخص برای اجراء وظائف و پیشرفت

از آلمان که تا سرحد با راه آهن می آید و از سرحد تا طهران هم که راه خوب و اتوبیل زیاد و ارزانست از این جهت بنده چهار صد تومان را زیاد میدانم - خوبست يك توضیحی داده شود تا بنده قانع شوم. **مخبر** - در این موضوع مذاکرات مفصل شده است. علاوه بر اینکه خودش می آید ممکن است خانواده هم همراه داشته باشد و این کمتر مخارجی است که می توان تصور کرد و با خانواده شاید از این هم بیشتر بشود ولی ما این قدر تعیین کرده ایم و ضرری ندارد **رئیس** - آقای شریعت زاده (اجازه) **شریعت زاده** - موافقم **رئیس** - رای می گیریم ماده هفتم آقابانی که ماده هفتم را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند) **رئیس** - تصویب شد. ماده ششم قرائت می شود (بمضمون ذیل قرائت شد) ماده ۸ - برای تهیه اسباب و ادوات علمی وغیره که برای اجراء وظیفه مسیو فن دما کن لازم است مبلغ بانصد تومان پس از تصویب این کنترات در آلمان به مشارالیه تأدیبه خواهد شد **رئیس** - آقای کلزونی (اجازه) **کازرونی** - موافقم **رئیس** - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) **آقا سید یعقوب** - بنده خواستم از آقای مخبر سؤال کنم که مقصود از غیره چیست؟ چون مینویسد؟ آلات و ادوات علمی وغیره. و مقصود از این وغیره معلوم نیست. چون کلمه میهم در قانون نباید باشد و کلمه وغیره مجمل است لذا بنده مخالفم باید معین شود که چه آلات و ادواتی لازم است و در قانون نوشته شود. **مخبر** - ما که نمایانیم چه آلتی برای جنگل لازم است و چطور می توانیم در قانون بتوسیم؟ او خودش میدانند و هر چه را که لازم میدانند میگرد و میآورد **رئیس** - آقای شریعت زاده (اجازه) **شریعت زاده** - بنده چون این بانصد تومان را زیاد میدانیم خواستم بدانم این ۵۰۰ تومان برای چیست و مقصود از این آلات و ادواتی که میخواهند بیاورند چیست؟ **مخبر** - این امر در نتیجه مذاکره است که واقع شده يك آلات و ادواتی این شخص برای اجراء وظائف و پیشرفت

کار خودش لازم دارد که باید بیاورد. از این جهت این مبلغ با اعتبار داده شده که هر چه را لازم میدانند بگرد و با خود بیاورد. **جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است **رئیس** - پیشنهادی از طرف آقای اسفندیاری رسیده قرائت میشود (باین مضمون خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم پس از ختم کنترات آلات و ادوات علمی ابتدایی که متعلق بدوات ایرانست به دولت تسلیم شود **رئیس** - آقای اسفندیاری - توضیحی ندارم مطلب معلوم است **مخبر** - این پیشنهاد موردتدارد دولتی که این شخص اینجا می آید گذشته از این آلات ممکن است يك چیزهای دیگری هم برای اجراء وظیفه در اختیار او گذشته شود و در حال این اثنایه سال دولت است و بکسی ربطی ندارد و لازم نیست در اینجا توضیحی داده شود. زیرا آن وقت مفهوم مخالفش این است که دیگران میتوانند اثنایه دولت که در اختیار آنها است تصرف کنند. **اسفندیاری** - بنده هم می خواستم همین توضیح داده شود. لذا پیشنهادم را پس می گیرم **رئیس** - رای می گیریم ماده هشتم آقابانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند) **رئیس** - تصویب شد. ماده نهم (بشرح ذیل قرائت شد) ماده ۹ - برای تهیه اثاث الیهت پس از ورود بطهران مواجب سه ماه مسیو فن دما کن يك جا مساعده بمشارالیه تأدیبه خواهد شد. **رئیس** - آقای دکترا آقابان (اجازه) **دکترا آقابان** - بنده يك اصلاح عبارتی دارم. اینکه نوشته برای تهیه اثاث الیهت پس از ورود بطهران مواجب سه ماهه مسیو فن دما کن يك جا مساعده بمشارالیه خواهد شد لنت مساعده در اینجا چه معنی دارد؟ آیا بعد از مواجب او کسر خواهد گذاشت؟ بنابر این بقیه بنده مساعده در اینجا مورد ندارد **رئیس** - آقای کلزونی (اجازه) **کازرونی** - گمان میکنم عبارت خیلی روشن است می گوید پس از ورود مواجب سه ماه يك جا مساعده بمشارالیه تأدیبه خواهد شد. این برای این است که بتواند وسیله معاش خود را مرتب سازد. سه ماه حقوق يك جا با داده میشود و بفرمایند این مساعدت نیست؟

عبارت خیلی واضح و روشن است و گمان نمی کنم نقص داشته باشد. **رئیس** - رای گرفته می شود. ماده نهم آقابانی که تصویب میکنند قیام فرمایند. (جمع کثیری قیام نمودند) **رئیس** - تصویب شد. ماده دهم قرائت می شود (بشرح ذیل خوانده شد) ماده دهم - در صورتی که در مدت این کنترات مسیو فن دما کن هر مدتی بیش از سه ماه قادر با اجراء وظائف خودش نباشد دولت ایران حق دارد این کنترات را ملغی نماید و در صورت الغای کنترات دولت مکلف است که معادل حقوق سه ماه مسیو فن دما کن را علاوه بر مخارج مراجعت به مشارالیه که در ماه هفتم ذکر شده است بپردازد. **رئیس** - آقای دکترا آقابان (اجازه) **دکترا آقابان** - تصور میکنم در قرارداد هائی که با مستخدمین خارج بسته میشود هر چه عبارت سلیس تر باشد بهتر است و کمتر اسباب زحمت خواهد شد بنده مقصود دولت و کمیسیون را از این جمله (که قادر با اجراء وظائف خودش نباشد) اصلا نمی فهمم چیست و این يك جمله کشادریست. اگر مقصود اینست پس از اینکه آمد معلوم شد او متخصص نیست و از این لحاظ قادر با اجراء وظائف خودش نخواهد بود اینكه غلطت برای اینکه بتدارد دولت باید سمس که لسی را که استخدام می کند حقیقتا متخصص باشد. اگر يك دلیل دیگری دارد و مقصود اینست که دولت يك روزی بتواند کنترات او را لغو کند خوبست توضیح بدهند تا مطلب کامل روشن و معلوم شود و الا این جمله کشادریست و اسباب زحمت خواهد بود. **مخبر** - اولاً باید عرض کنم که مواد این کنترات با رضایت طرفین نوشته شده و این ماده هم یکی از مواد خوب این کنترات است برای اینکه مفهوم مخالفش راهم خوبست در نظر بگیرید که اگر پس از ورود بطهران پس از دو ماه با سه ماه هائی ملغی شود همان ملغی که خودتان فرمودید یا هلال دیگری (بنده عرض نمی کنم متخصص نیست ولی شاید آنطور که ما در نظر داریم از او استفاده شود) قادر نشد که اجراء وظیفه نماید. آن وقت چه باید کرد؟ در این صورت دولت بموجب این ماده مواجب سه ماه حقوق او را فرسخ نموده و معادل سه ماه حقوق با داده میشود که برود **رئیس** - آقای رضوی (اجازه) **رضوی** - متأسفانه دهامی که آقای مخبر

کلمه به ما نوشته شود بواسطه مرخص شدن قادر با اجراء هائی آخر **رئیس** بفرمائید دامغانی - لفظ قادر که در اینجا نوشته شده است؛ پیش از سه ماه قادر با انجام وظیفه نباشد اگر به معنی لایق باشد که البته باید سعی کرد از ابتدا يك شخص لایق را استخدام کرد اگر هم عدم قدرت او را فرض کنیم که از طرف دولت درین صورت مسئولیتی بر او تلگراف کند که از اول گوشان را باز و متخصصین صحیح استخدام کند که بعد دچار زحمت و مشورت شوند والا اگر بنا شود ما چهار صد تومان با آخر خرج مسافرت بدهیم سه ماه هم حقوق بدهیم و امتحان کنیم بعد معلوم شود که مثل بنده بوده و از هیچ کاری ربط ندارد آن وقت سه ماه دیگر هم که روزی هم شش ماه میشود باز حقوق بدهیم که تقریباً چهار هزار تومان میشود و روانه اش کنیم. این بقیه بنده چیز خوبی نیست و بنده ابراً صحیح نمیانم دولت باید متخصص بیاورد زیرا مایول زیادی نداریم که متصل امتحان کنیم و چهار هزار تومان برای امتحان بدهیم مخبر - متأسفانه مدافعات بنده در خارج هم آقا قانع نکرد و حالا هم انتظار ندارم که آقا قانع شوند آنچه عرض میکنم میخواهم سایر آقابان قانع شوند ممکنست پس از سه ماه که این شخص آمد با اینکه نماینده دولت متخصص درجه اول راهم استخدام کرد ولی آیا ممکن نیست فرض شود که آب و هوای خوب ایران باو سازگار نبود و پس از ورود با اینجا مرخص شد و خواست برود؟ این چه ضرری برای ما دارد؟ این که بضرراوست! اگر هم هم از طرف او مدافعه بفرمائید که خودش قبول کرده است اگر هم برای دولت این فرمایش را بفرمائید که این شخص را بفرستند و بفرستند. **رئیس** - رای میگیریم آقابانی که پیشنهاد آقای دامغانی را تصویب میکنند قیام فرمایند. (چند نفری قیام کردند) **رئیس** - تصویب نشد. پیشنهاد آقای دکترا آقابان. (بمضمون ذیل خوانده شد) ماده دهم - در اینطور پیشنهاد میکنم در تمام مدت این کنترات دولت حق دارد این کنترات را ملغی نماید و درین صورت دولت مکلفست حقوق سه ماه فن دما کن را علاوه بر مخارج معاودت مشارالیه که در ماده هفت ذکر شده است بپردازد. **رئیس** - آقای دکترا آقابان (اجازه) **دکترا آقابان** - از توضیح آقای تدین و آقای فاطمی مخبر محترم کمیسیون

معلوم شد که مراد دولت از این ماده اینست که در تمام مدت کنترات بتواند آنرا لغو نماید. اگر مقصود اینست باید ساده نوشته شود که در تمام مدت کنترات هر وقت که دولت بیکي از دلایل فهمید که این آدم قادر نیست که خدمت خود را انجام دهد ملغی داشته باشد کنترات او را ملغی نماید والا هر وقت که دولت ابوابی که دولت توفیق دادیل قادر با اجراء وظائف خودش نیستی جواب می دهد که من قادرم این همیشه يك مذاکراتی بین او دولت ایجاد کرده و اسباب زحمت خواهد بود. **وزیر فوائده عامه** - آقای دکترا آقابان باید خودشان تصدیق کنند که هیچ کس حاضر نخواهد شد مقدرات خودش را با این محول کند که هر دقیقه که دولت بخواهد سه ماه حقوق باو بدهد و این کنترات او را لغو نماید. علاوه فراموش نباید کرد که کنترات دو طرف دارد و اگر این پیشنهاد آقابان توجه بشود بنده یقین میکنم که این استخدام وجود خارجی نخواهد داشت اما در اصل ماده گویا سوء تعبیر و تفسیری شده است مقصود تعیین اختیار برای دولت نیست که هر وقت بخواهد قادر باشد کنترات او را فسخ کند. تمام اطراف را باید ملاحظه کرد. اگر يك مستخدمی آمد و آب و هوای ایران بوجودش ناساخت و ناخوش شد و شش ماه در خانه اش افتاد و قادر با انجام وظائف نشد تا وقتی که يك ماده نباشد که بانگای آن تکلیف دولت معلوم باشد او حق دارد حقوق تمام مدت خدمت خود را بگیرد و کار نکند حتی هم برای دولت نیست که کنترات او را لغو کند پس يك ماده باید باشد که وقتی بفرستد از انحاء او قادر با انجام وظیفه نشد دولت اختیار داشته باشد کنترات او را ملغی کند و این بقدری ساده است که هیچ حرفی در اطرافش ندارد والا فرض این نیست که در هر مرحله از مراحل دولت حق داشته باشد کنترات او را لغو کند و اصلاً این ترتیب هیچ مستخدمی قبول خدمت نمیکند. **رئیس** - رای میگیریم آقابانی که پیشنهاد آقای دکترا آقابان را تصویب میکنند قیام فرمایند. (دوسه نفری قیام کردند) **رئیس** - تصویب نشد. پیشنهاد آقای کلزونی. (باین عبارت خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که در ماده دهم این عبارت ضمیمه شود: مدتی پیش از سه ماه از انجام وظائف محوله خود استتکاف ورزید دولت ایران حق دارد ۰۰۰ الی آخر. **کازرونی** - مکرر کنتراتهای مستخدمین خارجی به مجلس آمده و

آقایان تصویب کرده اند و يك همچو ماده در آنها نبود است. این يك ماده نازه است که به مجلس آمده و اگر بنده در سایر کنتراتها يك همچو ماده میدهم نه تنها مخالفت نداشتم بلکه موافق هم بودم بنده نمیدانم يك نفر آلمانی علاوه بر تخصص جنگل دیگر چه تخصص باید داشته باشد که در مدت کنترات هر وقت قادر با اجراء خدمت نشد باید با دادن سه ماه حقوق کنتراتش لغو شود؟ می فرمایند در تحت هر عنوانی میخواهد باشد (بهر نحوی از انحاء که باشد) ممکن است این جهت با این تجویک جهتی داشته باشد که ما بآن رضای نباشیم و میل نداشته باشیم که آن جهت این اندازه مؤثر باشد که يك متخصص که بوجودش برای ما ناست بدون دلیل ما او را خواب بدهیم که برود باین معنی که دایل در باطن چیز دیگری باشد و در ظاهر چیز دیگری گفته شود. بنده می خواستم با این ماده مخالفت کنم فرصت نشد پیشنهاد کردم که در ضمن تصدیق پیشنهاد عقاید خود را عرض میکنم. حقیقتا خیلی جای تأسف است که ما در قانون يك نظریاتی اتخاذ کنیم که يك کسیکه بوجودش برای ما در حال لازمست همیشه متزلزل باشد و اطراف و جوانب خودش را مجبور باشد ملاحظه کند که يك جهتی از جهات و بفرمائید آقا بيك نحوی از انحاء او را جواب نگویند. **وزیر فوائده عامه** - بنده خیال نمیکنم که يك ماده خوبی که ممکنست برای آتی هم سابقه شود اینقدر مورد مذاکره شود. بنده نمیدانم این عرض را که کردم چه عنوان میشود تعبیر و تفسیر کرد بنده وقتی عرض خود را عرض کردم هیچ پردر و لغافه در نظر نداشتم که اسباب تکراری آقا باشد بلکه خیلی ساده عرض کردم بهر نحوی از انحاء مثلا از اسب زمین خورد یا بش شکست یا دچار مالاریا شد آن علت باطنی که منظور آقا است امیدوارم در این مسکت هیچوقت وجود خارجی پیدا نکند همیشه مستخدمین خارجی ما قادر با انجام وظیفه باشند این عرض بنده فقط از نقطه نظر علل مزاجی است که ممکن است برای آن ها مارض شود والا از نقطه نظر دیگری نخواهد بود. علاوه نباید توهمین کرد يك مستخدمی زیرا خود اینکه گفته بود اگر استتکاف کرد از اجراء وظیفه ای که عهده دار است این توهمین است زیرا مستخدمی که استخدام شد نباید از اجراء وظائف خودش استتکاف



نماید و باید گفت قادر نباشد زیرا استکفاف کردن یعنی کسی بتواند ولی میل نداشته باشد وظیفه خودش را اجرا کند و بالاخره اگر نتواند آن وظیفه ای که بر عهده او محول شده است انجام بدهد آنوقت دولت این حق را دارد.

**رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای کازرونی را قابل توجه می دانند قیام فرمایند**

(چند نفری برخاستند)

**رئیس -** قابل توجه نشد پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (اینطور خوانده شد)

بنده تصور ذیل را پیشنهاد می کنم در صورتیکه مستخدم از عهده خدمت بر نیاید هیچ حقی ندارد.

**آقا سید یعقوب -** بنده گمان می کنم

عقاید نسبت به مستخدمین فرق نکرده باشد و اینک تبعه هر دولتی باشد چون بنده مستخدم برای دولت ایران می خواهم و البته نظر سایر آقایان رفقای بنده هم همینست چون نصیب العین من و تمام رفقای من من (نه اینکه بخوام کتابه و استعاره در کلماتم اد کنم) این است که این مسئله را در هر مقامی بود در هر عبارتی بر عرض مجلس می رسانم.

از عبارات و بیاناتی که آقای مخبر محترم و همین طور آقای وزیر فواید عامه بیان کردند چندین استفاده شد که منوع شدن از کار از دو قسمت میشود اول قسمت این است که از عهده کار بر نیاید و وقتی که از عهده بر نیاید بر نیاید چرا ما بی خود شمامه حقوق باور بدیم؟ برای اینکه نتوانسته کار کند و یک قسمتش هم این است که از طرف دولت البته در این صورت باید این حقوق باور داده شود ولی وقتی که او نتواند کار کند چرا شمامه با حقوق بدیم؟

بنده می خواهم توجه بدم آقایان نمایندگان را که در نظر داشته باشند که ما همیشه باید صرفه ملاحظه دولت و ملت را از دست ندهیم نه اینکه اگر یک مستخدمی وقتی از عهده کار بر نیاید حقوق شمامه ما باور بدیم

آیا همچو کاری در سایر کتراتها کرده ایم که بیایم در اینجا هم بکنیم؟

ابداً تا حالا ما این کار را نکرده ایم که از عهده کار بر نیامه بدیم.

این است که بنده این تصور را پیش نهاد کردم که اگر از عهده انجام وظیفه بر نیاید هیچ حقی ندارد

نه اینکه سهام بیکار مانده و سهام حقوق دیگر هم باور بدیم و بگویم آقا برو سلامت

مخبر - آقا جناب عالی یک طرف را می بینید در صورتی که این فرض یکی از شقوق مطلب بود که جناب عالی فرمودید و راجع باین قسمت هم همانطور که آقای وزیر فرمودند در موضوع این شخص تحقیقاتی شده و مسلم است که یکی از متخصمین آنجا است.

و این فرض هم وارد نیست به علاوه می فرمائید چرا شمامه حقوق باور داده میشود شمامه حقوق کجا داده میشود؟ نوشته ایم سهام و مخارج معاودت را هم که خودتان تصویب کرده اید چهار صد تومان است و روی هم رفته هزار و نه صد تومان می شود و این اندازه ها که فرمودید نیست.

**رئیس -** رأی می گیرم باین تصور آقایان موافقین قیام فرمایند (دو سه نفری قیام نمودند)

**رئیس -** قابل توجه نشد پیشنهاد آقای شریعتی (اینطور قرائت شد)

اصلاح ماده در صورتی که مستخدم مزبور بواسطه مرض با علیل دیگری که مربوط بخود مشارالیه باشد در مدت این کترات در مدتی بیش از سه ماه قادر با جراء وظائف خود نباشد دولت ایران حق دارد این کترات را ملغی نماید الی آخر ماده

**رئیس** بفرمائید شریعتی را در علت این پیشنهاد و مخالفت بنده با این قسمت از این جهت است که بنده یک جمله شنیدم که با آن جمله بکلی مخالفم و آن جمله این بود که شنیدم گفته شد (دست دولت باز باشد) بنده مقدم که دولت ماه پیش در قرارداد هائی که با مستخدمین می بندد با حسن عقیده می بندد و هیچ وقت نباید جملتها که متضمن اجمال باشد مقصود باز شدن دست دولت باشد در قانون ذکر کنیم بلکه باید روی مناسبات طرفین مبین باشد که منشا هیچگونه اختلاف نباشد در این جا آقای وزیر فواید عامه توضیح دادند که هیچ نظری جز چیز هائی که مربوط بخود مستخدم باشد که نتواند انجام وظیفه کند نیست

بنابر این بیچ هلنی در بین نیست که این مسئله در اینجا تصریح شود.

از این نقطه نظر است که بنده این پیش نهاد را تقدیم کردم

**رئیس -** آقایان تدین (اجازه)

تدین بنده عرض کردم که باید اختیارات دولت نسبت باین کترات زیاد باشد و موافقتی حاصل شد خیال کردند که بنده عرض کردم دولت بهتر شکلی که بنظرش رسید بنظر او آمد آزاد باشد که کترات ابناء کند.

این طور نیست دولت پس از آنکه این شخص قادر بانجام وظیفه اش شد بتواند کترات این شخص را بدون یک لامل و

اعتراض قوی الفاه کند و این عدم قدرت متوجه بخود این شخص مستخدم است که اجیر می شود

حالا ممکن است عدم قدرت او از قبیل مرض یا چیزهای دیگر باشد.

علی ای حال اختصاص نباید داد به مرض یا بر این تصور می کنم عبارت ماده ده کافی باشد و محتاج نباشد که یک اضافاتی الحاق شود.

**رئیس -** آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده قلیلی برخاستند)

**رئیس -** قابل توجه نشد پیشنهاد آقای سکا زرونی (بترتیب ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم مستخدمین که در وقت ادوار خراج بدهند پس لافاقل خوب اخت اصلا این ماده را حذف ننیدند ملاحظه بفرمایید این پنج مکتوب در صورتی که مسیو فن دوما کن قبل از انقضای مدت سه سال مد دوره در ماده یک این کترات و بدون دلیل کافی بخواند خانه یا کترات خود بدهد (یعنی هر وقت دلش خواست) فقط حقوق مدت وادامی

بمشارالیه تأذیه خواهد شد و از خراج سفر مد دور در ماده هفت استفاده نخواهد نمود

معنی این ماده اینست که هر وقت دلش خواست کارس را می کند از زمین ویت تخفیف شافی بدولت می کند دولت اگر قبول کرد که هیچ والا کار می ندارد زمین و پرورد اهورت دولت باید بقیتمد بعضی و بعضی زمین مستخدم دیگری پیدا کند

پس خوبست اصلا این ماده را حذف کنند که هر وقت دولت خواست از امر محسوس گد و هر وقت خواست او را ندهاند و این بود اشکال بنده با بنده

**وزیر فواید عامه -** بالاخره برای متخصمین خارجه ما حقوقی را که برای مستخدمین داخلی خودمان قبول می کنیم باید برای آنها هم قبول کنیم

این حق مال دولت نیست زیرا وقتی که یک مستخدمی خدمت می کند حقوق مدت خواهد شد و از حق مال او است و مال دولت نیست چنانچه در قانون استفاده هم این حق بدولت داده نشده است که هر وقت خواست گوش مساعدم را بگیرد و از اداره بپندارد بیرون

ولی این حق مشروع هر مستخدمی است که هر وقت خواست خدمت کند میتواند خدمت نکند و اگر در این جا این ماده نبود ممکن بود بگویند که من نمی خواهم خدمت کنم و همینطوری که مرا آورده اید و من تبه خرج مسافرت مرا بدهید بروم به وطن خودم

شرایطی که منظور است تا آخر مدت و همانطوری که آقای وزیر فواید عامه در دفاع خودشان راجع بپیشنهاد آقای دکتر آقاییان بیان کردند و گفتند هیچ مستخدمی نمی آید دست و پویای خودش را بندد و بدهد دست دولت که هر وقت خواست کترات او را لغو کند و راه خودش را بگیرد و برود

در اینجا یک اختیار غیر معدودی میدهند باین مستخدم که هر وقت خواست کار کند و هر وقت خواست خدا حافظ بگوید و برود

فرضاً اگر به ملاحظاتی یک اقداماتی درباره او منظور نکنید که مثلا هر وقت خواست برود خرج بفرماید

پس لافاقل خوب اخت اصلا این ماده را حذف ننیدند ملاحظه بفرمایید این پنج مکتوب در صورتی که مسیو فن دوما کن قبل از انقضای مدت سه سال مد دوره در ماده یک این کترات و بدون دلیل کافی بخواند خانه یا کترات خود بدهد (یعنی هر وقت دلش خواست) فقط حقوق مدت وادامی

بمشارالیه تأذیه خواهد شد و از خراج سفر مد دور در ماده هفت استفاده نخواهد نمود

معنی این ماده اینست که هر وقت دلش خواست کارس را می کند از زمین ویت تخفیف شافی بدولت می کند دولت اگر قبول کرد که هیچ والا کار می ندارد زمین و پرورد اهورت دولت باید بقیتمد بعضی و بعضی زمین مستخدم دیگری پیدا کند

پس خوبست اصلا این ماده را حذف کنند که هر وقت دولت خواست از امر محسوس گد و هر وقت خواست او را ندهاند و این بود اشکال بنده با بنده

**وزیر فواید عامه -** بالاخره برای متخصمین خارجه ما حقوقی را که برای مستخدمین داخلی خودمان قبول می کنیم باید برای آنها هم قبول کنیم

این حق مال دولت نیست زیرا وقتی که یک مستخدمی خدمت می کند حقوق مدت خواهد شد و از حق مال او است و مال دولت نیست چنانچه در قانون استفاده هم این حق بدولت داده نشده است که هر وقت خواست گوش مساعدم را بگیرد و از اداره بپندارد بیرون

ولی این حق مشروع هر مستخدمی است که هر وقت خواست خدمت کند میتواند خدمت نکند و اگر در این جا این ماده نبود ممکن بود بگویند که من نمی خواهم خدمت کنم و همینطوری که مرا آورده اید و من تبه خرج مسافرت مرا بدهید بروم به وطن خودم

فقط در ماده یازده یک مستخدم تر بودی دارم و آن این است که کترات دو طرفه است

یعنی ملزم می کند طرفین را با جرای

قابل شده ایم برای اینست که دیدیم نباید بکلی این حق را از او گرفت

**رئیس -** پیشنهادی رسیده است قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای نظامی - در ماده یازده بنده پیشنهاد می کنم و او بعد از گذر کترات در سطح دوم ماده یازده حذف شود

مخبر - صحیحست و او را نداشت **رئیس -** رأی می گیرم ماده یازده با حذف و او آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** تصویب شد ماده ۱۲ (با این مضامین قرائت شد)

ماده ۱۲ - مستخدم مزبور در هر حالی یکماه حق مرخصی با استفاده از حقوق خواهد داشت

**رئیس -** مخالفی ندارد؟ (گفته شد خیر)

**رئیس -** آقایان موافقین با این ماده قیام فرمایند (عده گنبری قیام نمودند)

**رئیس** تصویب شد ماده الحاقیه پیشنهاد آقای شریعتی (بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه - اگر مستخدم مزبور در حین اجرای وظائف خود متهم بارتکاب تقصیرات اداری شود موافق مقررات قانون استخدامی کشوری در محکمه اداری محاکمه خواهد شد

شکایت تشکیل شود برای انتخاب کمیسیون خاصی که رأی داده شده است (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نسیاست مجدداً تشکیل گردید)

**رئیس -** خبر ششم ۶ راجع بنمایندگی آقای امیر حسینخان حاضر است قرائت میشود

(خبر مذکور را آقای اتحاد بشرح ذیل قرائت نمودند)

شعبه ششم بدوسیه و صورت مجلس انتخابات بختیاری رسیدگی کرده و در این باره آن را ذیلا بر عرض مجلس شورای ملی می رسانم

بتاریخ ۱۳ شهریور ماه انجمن مرکزی نظارت انتخابات بختیاری در مال امیر تشکیل و اعلان انتخابات منتشر از روز ۲۳ شعبان شروع بتوزیع نمره نموده و در دوم ماه رمضان دادن نمره خانه پیدا کرد و از سوم شهر مذکور تا ۱۷ اخذ رأی نموده بکلیت و در چهارم نمره نمره فرعی از قبیل مسجد سلیمان ۱۰ قلمه زراس ۱ ده هزاره جانگی نمایندگی که از طرف انجمن مرکزی مأمور شده بودند با رعایت مواد قانون انتخابات را جریان داده و صندوقهای آراء را بر کروزه انتخاب مال امیر آورده و در نتیجه استخراج آراء آقای حسین خان قرزند آقای خسروخان بختیاری به اکثریت سه هزار و چهار صد و پنجاه رأی نمایندگی مجلس شورای ملی از طرف ایل بختیاری انتخاب شده اند

انجمن نظارت مرکزی در تمام مدت قانونی برای استماع رسیدگی بشکایات دائر بوده و هیچگونه شکایاتی نسبت به انتخابات نرسیده است ششم پس از رسیدگی بدوسیه و صورت مجلس و تطبیق اعتبارنامه با آن با اتفاق نمایندگی آقای حسین خان بختیاری را تصویب مینمایند

**رئیس -** آقای حاج حسن آقا (اجازه)

حاج حسن آقا بنده مخالفم **رئیس** پس می ماند برای جلسه بعد

خبر کمیسیون فواید عامه راجع با امتیاز راه بندرج از ماده شش مطرح است آقای رضوی (جمعی از نمایندگان گفتند)

مذاکرات کافی است؟ **رئیس** - کافی است؟ بعضی از نمایندگان - بلی کافی است

آن صورت شرکت مزبور در حدود مسئولیت و اختیارات صاحب امتیاز قائم مقام مشارالیه بوده و تمام حقوق او را دارا خواهد شد و تمهیداتی که بر طبق این امتیاز بر عهده صاحب این امتیاز وارد نیاید بر عهده شرکت مزبور خواهد بود

مرکز شرکت نیز در ایران بوده و از هر حیث تابع قوانین مملکتی باشد

**رئیس -** آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده موافقم **رئیس -** آقای رهنما (اجازه)

رهنما - بنده هم موافقم **رئیس** آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بفرماید بنده خواستم تذکر بدم و یادآوری کنم که این لایحه قبل از آنکه قانون شرکت بگذرد این لایحه از طرف وزارت خانه مربوطه به مجلس تقدیم شده بود شور اول آن هم قبل از گذاشتن آن قانون شرکت که رسمیت پیدا کرد و بموقع عمل هم آمده است با وجود این بنده مخالفم که نوشته شود اطلاع وزارت فواید عامه

باید فوایدی که راجع باین قبیل چیزها است و تصویب میشود مطابق آن قانون شرکت باشد دیگر اطلاع وزارت فواید عامه یا وزارت داخله را نبخورد از این جهت بنده خواستم تذکر بدم که اطلاع وزارت فواید عامه قبل از قانون بوده و بعد از آن قانون بنده این کلامه مخالفم

**کازرونی** مخبر کمیسیون - بنده گمان نمیکنم این ماده هیچ مخالفتی با نظریات آقا داشته باشد مسلم است وزارت فواید عامه مکلف است کارها را طوری انجام بدهد که مطابق با قانون داشته باشد این جا می گوید اسامی شرکت گاه و نظایمانه شرکت را باید بوزارت فواید عامه اطلاع بدهد و البته وزارت فواید عامه هم بر طبق وظیفه که دارد مطابق میکند آن را یا قانون اگر مطابق بود با قانون قبول میکند و اگر نبود اخطار میکند که این مخالف با قانون است و هیچ تناتی ندارد

(جمعی از نمایندگان گفتند)

مذاکرات کافی است؟ **رئیس** - کافی است؟ بعضی از نمایندگان - بلی کافی است

ماده ۷ - این امتیاز بهیچ نحوی از انحاء قابل انتقال با تابع خارجه نیست و انتقال آن با تابع خارجه و معاملات رهنی و شرطی با آنها در حدود این امتیاز علاوه بر بطلان چنانچه خسارتی متوجه دولت شود بعهده صاحب امتیاز خواهد بود

**رئیس -** آقای دادگر (اجازه)

دادگر - موافقم **رئیس -** آقای میرزا شهاب (اجازه)

میرزا شهاب - بنده خواستم عرض کنم که (علاوه بر بطلان) آیا بطلان آن دعاوی مقصود است یا بطلان این امتیاز؟ اگر مقصود از بطلان دعاوی است ممکن است این امتیاز بحال خودش باقی باشد و دعاوی هم قبول نشود پس بهتر این است نوشته شود موجب فسخ و الفاه این امتیاز می شود و بقیه بنده باید عبارت اصلاح شود

مخبر - گمان می کنم نماینده محترم خیلی وقت در کلماتش تفرموده اند اینجا می گوید این امتیاز بهیچ نحوی از انحاء قابل انتقال با تابع خارجه نیست و انتقال آن با تابع خارجه و معاملات رهنی و شرطی با آنها در حدود این امتیاز علاوه بر بطلان یعنی این معاملات باطل است و علاوه بر آن اگر خسارتی هم متوجه بدولت شود بعهده صاحب امتیاز خواهد شد که باید صاحب امتیاز آن خسارت را هم بدهد و گمان می کنم عبارت خیلی واضح تر روشن باشد

**رئیس -** آقای عراقی (اجازه)

عراقی - موافقم **رئیس -** آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده هم موافقم **رئیس** - پیشنهادی شده است قرائت می شود

(پیشنهاد آقای میرزا شهاب بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعد از اذعان علاوه بر بطلان موجب فسخ این امتیاز می شود علاوه شود

آقا میرزا شهاب - همانطوری که عرض کردم در اینجا نوشته شده است معاملات رهنی و شرطی و غیره و آن معاملات را انتقال ولی هیچ قید ندارد که اگر این را انتقال داد با تابع خارجه یا رهن گذاشت موجب بطلان این امتیاز هم می شود

بنده می خواستم این قید علاوه بر آن معاملات را باطل است معاملات رهنی و شرطی و غیره و آن معاملات را انتقال ولی هیچ قید ندارد که اگر این را انتقال داد با تابع خارجه یا رهن گذاشت موجب بطلان این امتیاز هم می شود

مخبر - بنده گمان می کنم این قید در اینجا چندان لزومی ندارد بواسطه خاطر اینکه اینجا ابتدا انتقال را میگوید و بعد آقا برو سلامت

مخبر - بنده گمان می کنم نماینده محترم خیلی وقت در کلماتش تفرموده اند اینجا می گوید این امتیاز بهیچ نحوی از انحاء قابل انتقال با تابع خارجه و معاملات رهنی و شرطی با آنها در حدود این امتیاز علاوه بر بطلان یعنی این معاملات باطل است و علاوه بر آن اگر خسارتی هم متوجه بدولت شود بعهده صاحب امتیاز خواهد شد که باید صاحب امتیاز آن خسارت را هم بدهد و گمان می کنم عبارت خیلی واضح تر روشن باشد

**رئیس -** آقای عراقی (اجازه)

عراقی - موافقم **رئیس -** آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده هم موافقم **رئیس** - پیشنهادی شده است قرائت می شود

(پیشنهاد آقای میرزا شهاب بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعد از اذعان علاوه بر بطلان موجب فسخ این امتیاز می شود علاوه شود

مخبر - بنده گمان می کنم این قید در اینجا چندان لزومی ندارد بواسطه خاطر اینکه اینجا ابتدا انتقال را میگوید و بعد آقا برو سلامت



هم راجع به املاک می گوید که اگر معامله کرد معامله باطل است و علاوه بر آن که معامله باطل است اگر هم خسارتی متوجه دولت شد باید از عهده آن خسارت بر آید و بنده هیچ اشکالی در ماده نمی بینم رئیس - رأی می گیریم قابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقامیرزا شهاب آقابان موافقتی قیام فرمایند .

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی می گیریم بماده ۷ آقابانیکه ماده ۷ را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده هشتم (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۸ - صاحب امتیاز مجاز است در طرفین راه در نقاطی که مقتضی باشد آئینه لازمه را بنامد و از اراضی که برای آئینه مزبوره یا برای خطاره لازم باشد هر گاه اراضی باین خالصه باشد از طرف دولت مجاناً و اراضی دایر خالصه هم در صورت ضرورت برای خط راه تا بقای امتیاز و گذار خواهد شد ولی اراضی دایر خالصه که برای آئینه راه لازم باشد همچنین باین دایر غیر خالصه را صاحب امتیاز بقیمت عادلانه خریداری خواهد کرد و هر گاه صاحبان اراضی مزبوره حاضر و فروش نشوند صاحب امتیاز بوزارت فوائد عامه مراجعه خواهد کرد برای حفظ منافع عمومی مداخله نموده قرار عادلانه بدهد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - مخالفی ندارم؟

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - آقایان موافقتین باماده ۸ قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۹ (بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۹ - صاحب امتیاز در روی کلیه رودخانه ها و مجاری میاه که راه را قطع مینماید بملایم بعمک خواهد ساخت و مجاری نهر هائی را که عمق آنها هیکل زرع یا کمتر است سنگ فرش خواهد کرد - اگر مالکین اطراف جاده علاوه بر نهر های موجود بخواهند در وسط جاده نهر جدیدی حفری احداث نمایند بایستی در ظرف یک هفته این کار را انجام دهند در صورت تخلف صاحب امتیاز حق خواهد داشت نهر مزبور را ساخته و مخارج آن را از مالکین اراضی دریافت دارد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده موافقم

رئیس - مخالفی ندارد

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - رأی می گیریم آقایانی که ماده ۹ را تصویب میکنند قیام فرمایند .

رئیس - تصویب شد ماده ۱۰ (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۰ - صاحب امتیاز در آن قسمت از راه که از کوهها عبور میکند از طرف دره باید دیوار احتیاطی و پناهگاه محکمی از سنگ و آهک بسازد این دیوار باید لااقل ۱۲ متر عرض و ۱۲ متر ارتفاع داشته باشد .

مغیر عرض میکنم ۱۲ متر در هر دو جا باید تبدیل شود ۸ متر عرضی مغیر این است نظر باینکه ۱۲ متر که نوشته ۳ ربع ذرع سابق است و ذرع هم تغییر کرده گز شده لذا باید نوشته شود ۸ گز اعشاری

رئیس - آقای عراقی (اجازه)

عراقی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - رأی گرفته می شود بماده ۱۰ باتبدیل ۱۲ متر به ۸ متر اعشاری آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۱ (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۱ - صاحب امتیاز مجاز است که پس از ساخته شدن نصف هر یک از راههای بطوری که وزارت فوائد عامه تصدیق نماید حق عبور متناسب بانام تعمیرات راه و اداری آن مطابق تعرفه که باموافقت وزارت فوائد عامه تنظیم خواهد شد برای میزان حق عبور بهر جهت از حق عبور طرق شوسه دولتی تجاوز نخواهد کرد .

رئیس - آقای دادگر (اجازه)

دادگر - موافقم

عراقی - موافقم

رئیس - آقای اتحاد (اجازه)

اتحاد - بنده تصور میکنم هر چه در قانون ابهام کمتر باشد بهتر است در قسمت احداث نمایند بایستی در ظرف یک هفته این کار را انجام دهند در صورت تخلف صاحب امتیاز حق خواهد داشت نهر مزبور را ساخته و مخارج آن را از مالکین اراضی دریافت دارد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده موافقم

رئیس - مخالفی ندارد

چنانچه وزیر فوائد عامه ملاحظه کرد دید مخارج خیلی زیادی کرده باید متناسب مخارجی که کرده حق عبوری بگیرد و حق هم باید متجاوز باشد از حق عبوری که از راههای شوسه دولتی بگیرند آن وقت در آن صورت تجاوز نتایج بکنند اما کمتر ممکن است این باب که میگوید باموافقت وزیر فوائد عامه باشد و بقیه بنده مطلب خیلی روشن است .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای رضوی

رضوی - بنده موافقم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - آقای آقامیرزا شهاب (اجازه)

آقامیرزا شهاب - عرض میکنم این عبارت خوانده شد و هیچکدام از آقایان هم اعتراضی نفرمودند در آن ماده هم که بنده پیشنهاد کردم قابل توجه نشد بیک جمله بدون متباد و خبر تصویب شد آقایان هیچکدام ایرادی نفرمودند .

این عبارت را از آقای مغیر می پرسیم معنیاش چیست؟ اگر صدق دارد بفرمایند اینجاست بگوید

حق عبور متناسب بانام تعمیرات راه و اداری آن این عبارت معنیاش چیست؟ خوبست آقای مغیر توضیح بدهند

مغیر - چشم . اینجا میگوید حق عبور میبایستی متناسب باشد با مخارجی که برای تمام راه شده و همچنین مخارجی که برای اداره کردن داده میشود و در اینجا کلمه مخارج افتاده و بنده قبول میکنم که این کلمه اضافه شود .

رئیس - غیر از این ایرادی نیست؟

طهرانی - بنده پیشنهاد دارم پیشنهادی که در آتی خوانده شد

این بنده پیشنهاد مینمایم از اولی الی آخره حذف شود .

رئیس - پیشنهاد دیگری هست که مقدم است

بشرح ذیل خوانده شد

پیشنهاد آقای میرزا ابوالقاسم خان نظامی بنده پیشنهاد میکنم بصره ذیل بماده ۱۱ علاوه شود .

تبصره برای عبور اهالی محلی از خط شوسه در صورتیکه چهار فرسخ خط سیر آنها بیشتر نشود از تادیبه حق عبور معاف خواهند بود .

رئیس - آقای نظامی (اجازه)

نظامی - عرض میکنم خط شوسه راه قزوین وقتی که احداث شد همه روزه اسباب زحمت برای اشخاصیکه در قراء

یانه سیم تلگراف و تلفن دولتی اعزام میشوند و حکم رسمی در دست دارند از تاریخ حق عبور معاف خواهند بود و همین تاریخ تا سی و دو روز بعد از تاریخ وزارت مأمورین سیاسی دول خواجه بان شخیص وزارت فوائد عامه بایست دولتی بهر وسیله که حمل شود نصف حق عبور را خواهد پرداخت

مغیر - اینجا یک اشتباهی شده است و یا بایستی ولی بنویسند ولی بستان دولتی بهر وسیله که حمل میشود نصف حق عبور خواهد داد؟

رئیس - مخالفی ندارد؟

جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - رأی می گیریم بماده دوازده باتبدیل (وبا) به (ولی) آقایان موافقتین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سیزده (بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۱۳ - صاحب امتیاز متعهد است که دفتر منظمی از قبیل دفتر روزانه و دفتر مخارج و عایدات و دفتر دارائی راه و صورت حساب سالانه (بیلان) و غیره ترتیب داده و در موقع تقشش بمأمورین مخصوص دولت ارائه دهند مأمورین دولت در هر موقع حق دارند دفتر را سانسداد و راه تقشش نمایند .

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی و این يك ماده از قانون تجارت است که از کمیسیون هدیه گذشته و نام اینها را (که باید دارای دفترار به باشد و فلان کیفیت را بناید دارا باشد) هر تجارتخانه مکلف است بلا استثناء داشته باشد و با رعایت آن شرایطی که در اصل قانون تجارت ملحوظ است و اینکه بایستی صاحب امتیاز هم بصورت يك تجارتخانه کار کند و يك شرکتی تشکیل بدهد باید تمام آن شرایط را بلا استثناء دارا باشد و با وجود آن قانون و گذشتن این ماده بنظر بنده در اینجا مورد رموضعی ندارد

وزیر فوائد عامه - نظر باینکه صاحب امتیاز تجارتخانه نیست لهذا بهتر این است که تکالیف او همین شود

رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - بنده هم میخواستم نظر آقای طهرانی را عرض کنم و به قضیه هم بخود خود اهمیت نمیدهم

ولی از نقطه نظر اینکه قوانین مملکتی باید با هم دیگر ارتباط داشته باشد این است که عرض میکنم قانون تجارت مامرای هر یک از امور تجارتهای تکالیفی مدین کرده و یکی از کارهای ناچر همین کاری است که صاحب امتیاز میکند و در اینصورت مجبور است دفتر داشته باشد ولی ممکن است در این جایند بشود که هر وقت دفتر دارا دولت خواست نشان بدهد و

بنا بر این از نقطه نظر تربیت چون این قسمت در آن قانون تکلیفش مدین شده دیگر در اینجا تکلیفش از روی ندارد

وزیر فوائد عامه - ملاحظه که عرض کردم ناچر نیست اگر چه عملیاتی تجارتهای میکند ولی باسم تاجر ممکن نیست موسوم بشود

چون صاحب امتیاز است و ممکن است بگوید چون در قانون تجارت برای صاحبان امتیاز همچو تکالیفی نیست لغامین میتوانم این کار را بکنم

اصل قه طلب اهمیت ندارد ولی همین طوری که اینجا قید شده است بهتر این است در امتیاز نامه قید شود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - مذاکرات کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بلی کافی است

رئیس - رأی گرفته میشود بماده سیزده آقایان موافقتین قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده چهارده (بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۱۴ - از تاریخ شروع حق عبور صاحب امتیاز صدی چهار از کلیه عایدات را از قبیل وضع مخارج بصندوق دولت خواهد نمود و این سهم دولت برای هر سال شمسی تا آخر برج فروردین سال بعد باید پرداخته شود .

رئیس - آقای دادگر (اجازه)

دادگر - گمان میکنم در اینجا يك اصلاحی لازم داشته باشم از تاریخ شروع حق عبور بصورت يك تجارتخانه میهمی است .

بترتیب نوشته شده از تاریخ شروع باید حق عبور به يك کلمه احذف میخواستم اینجا نوشته شود

رئیس - لفظ برج هم باید حذف شود

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - بنده هم خواستم عرض کنم فروردین برج ندارد .

رئیس - رأی می گیریم بماده چهارده با اضافه کلمه اخذ قبل از حق عبور

دامغانی - گرفتن بهتر است

رئیس - با اضافه گرفته و حذف برج آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده پانزده (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۵ - پس از انقضای مدت امتیاز

خواهد بود که باموافقت نظروارزات فوائد عامه و بر طبق دستور متخصصین تعیین خواهد شد

رهنما - موافقم

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

وزیر فوائد عامه - در این قسمت باید يك اصلاحی بشود زیرا سابقاً که این لایحه تنظیم میشد هفت گز نیم بود و ذرع هم از متر قدری بیشتر میشود و حالا بعد از گذشتن این قانون اگر هفت گز و نیم نوشته شود قدری عرض راه کمتر میشود و مقرون با احتیاط است که گز نوشته شود که همان هفت ذرع و نیم سابق باشد .

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - يك قسمت عرض بنده را آقای وزیر فوائد عامه خردشان اصلاح فرمودند ولی قسمت دوم این است بنده وقتی که در کمیسیون فوائد عامه بودم با این قسمت مخالف بودم و حالا هم هنوز نظرم هست که آن قسمت تأمین شده در اینجا میگوید مگر در جاهائی که موانع طبیعی غیر قابل رفع موجود باشد و آثار مشخص فنی وزارت فوائد عامه تصدیق کند آن وقت دیگر تعیین نکرده است همینقدر نوشته هفت گز و نیم باشد مگر جاهائی را که متخصص بگوید نمی شود اما چقدر باشد معلوم نیست چهار گز باشد دو گز باشد؟ دیگر حداقلش را تعیین نکرده و بالاخره عرض راه باید يك حدی محدود باشد که افلا دوتا چرخ یعنی دو گازی بتواند در جاده حرکت کند که یکی از آن طرف و یکی از این طرف بتواند حرکت کند و بهم بر نخورد که بقیه توی دره این است که بنده تصور میکنم خوبست اینجا يك حداقلی برای این مسئله معلوم شود .

وزیر فوائد عامه - بنده تصور میکنم مختصر اشتباهی حاصل شده است حد طبیعی جاده همان سمت خود جاده است زیرا وقتی که میگوئیم بر میخورد بدانم طبیعی است غیر قابل رفع مقصود این است که اگر يك جایی کوه باشد سنگ را بشرد گانند و جاده را وسیع کند اما يك جایی که موانع طبیعی هست و رفع آن ممکن نیست فاصله آن راه را طبیعت معین کرده و عرض راه طبیعت بقدر همان فاصله است که طبیعت ایجاد کرده و بیش از آن ممکن نیست در این صورت اینجا دیگر نمیشود حدی برای معین کرد

زیرا حد همان است که طبیعت معین کرده و کم و زیاد نمیشود و حقیقتاً غیر ممکن است آن وقت میفرمائید عرض این راه چقدر باشد؟

رئیس - رأی می گیریم بماده ۱۰ (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۰ - صاحب امتیاز در آن قسمت از راه که از کوهها عبور میکند از طرف دره باید دیوار احتیاطی و پناهگاه محکمی از سنگ و آهک بسازد این دیوار باید لااقل ۱۲ متر عرض و ۱۲ متر ارتفاع داشته باشد .

مغیر عرض میکنم ۱۲ متر در هر دو جا باید تبدیل شود ۸ متر عرضی مغیر این است نظر باینکه ۱۲ متر که نوشته ۳ ربع ذرع سابق است و ذرع هم تغییر کرده گز شده لذا باید نوشته شود ۸ گز اعشاری

رئیس - آقای عراقی (اجازه)

عراقی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - رأی گرفته می شود بماده ۱۰ باتبدیل ۱۲ متر به ۸ متر اعشاری آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۱ (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۱ - صاحب امتیاز مجاز است که پس از ساخته شدن نصف هر یک از راههای بطوری که وزارت فوائد عامه تصدیق نماید حق عبور متناسب بانام تعمیرات راه و اداری آن مطابق تعرفه که باموافقت وزارت فوائد عامه تنظیم خواهد شد برای میزان حق عبور بهر جهت از حق عبور طرق شوسه دولتی تجاوز نخواهد کرد .

رئیس - آقای دادگر (اجازه)

دادگر - موافقم

عراقی - موافقم

رئیس - آقای اتحاد (اجازه)

اتحاد - بنده تصور میکنم هر چه در قانون ابهام کمتر باشد بهتر است در قسمت احداث نمایند بایستی در ظرف یک هفته این کار را انجام دهند در صورت تخلف صاحب امتیاز حق خواهد داشت نهر مزبور را ساخته و مخارج آن را از مالکین اراضی دریافت دارد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده موافقم

رئیس - مخالفی ندارد

رئیس - رأی می گیریم آقایانی که ماده ۹ را تصویب میکنند قیام فرمایند .

رئیس - تصویب شد ماده ۱۰ (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۰ - صاحب امتیاز در آن قسمت از راه که از کوهها عبور میکند از طرف دره باید دیوار احتیاطی و پناهگاه محکمی از سنگ و آهک بسازد این دیوار باید لااقل ۱۲ متر عرض و ۱۲ متر ارتفاع داشته باشد .

مغیر عرض میکنم ۱۲ متر در هر دو جا باید تبدیل شود ۸ متر عرضی مغیر این است نظر باینکه ۱۲ متر که نوشته ۳ ربع ذرع سابق است و ذرع هم تغییر کرده گز شده لذا باید نوشته شود ۸ گز اعشاری

رئیس - آقای عراقی (اجازه)

عراقی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - رأی گرفته می شود بماده ۱۰ باتبدیل ۱۲ متر به ۸ متر اعشاری آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۱ (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۱ - صاحب امتیاز مجاز است که پس از ساخته شدن نصف هر یک از راههای بطوری که وزارت فوائد عامه تصدیق نماید حق عبور متناسب بانام تعمیرات راه و اداری آن مطابق تعرفه که باموافقت وزارت فوائد عامه تنظیم خواهد شد برای میزان حق عبور بهر جهت از حق عبور طرق شوسه دولتی تجاوز نخواهد کرد .

رئیس - آقای دادگر (اجازه)

دادگر - موافقم

عراقی - موافقم

رئیس - آقای اتحاد (اجازه)

اتحاد - بنده تصور میکنم هر چه در قانون ابهام کمتر باشد بهتر است در قسمت احداث نمایند بایستی در ظرف یک هفته این کار را انجام دهند در صورت تخلف صاحب امتیاز حق خواهد داشت نهر مزبور را ساخته و مخارج آن را از مالکین اراضی دریافت دارد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده موافقم

رئیس - مخالفی ندارد



بملاوه هیچ آدم عاقلی نمیرود بکراه شوره سازد که بیک جانی مرسد که عرض دزدع راه نیم دزدع باشد زیرا باید راه را طوری باشد که چهارچرخه بتواند به سولت عبور کند و اگر بخواد عرض راه را یک دزدع در دزدع قرار بدهد اسباب زحمت میشود و فخر آ این امتیاز انومی شود و صاحب امتیاز می رود بی کارش

**رئیس - آقای رهنما (اجازه)**

**رئیس - آقای رضوی** - بنده یک شوالی داشتم خواستم به بیتم این هشت گز عرض راه با دوجوی دو طرفش است یا نه؟ اگر بدون چوی باشد کفایت میکند ولی اگر با چوی باشد که اسباب زحمت عا برین نباشد . میگوید باید هشت دزدع باشد . دیگر کلمه جوی ندارد و الا پشت سر جوی هم باز زمین هست مقصود این است که عرض راه هشت دزدع باشد جوی مربوط به عرض راه نیست .

**رئیس - آقای آقاسید یعقوب** - موافق **جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است .

**رئیس** - رای می گیریم . باده شانزده باید بدیل هفت گز کنیم به هشت گز آقایان موافقین قیام فرمایند .

**رئیس** - تصویب شده هفتده (بشرح ذیل خوانده شد) ماده ۱۷ دولت ایران برای تسهیل اجرای مواد این امتیازنامه با صاحب امتیاز مساعدت خواهد کرد .

**رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه)**

دکتر آقایان - بنده تصویب میکنم دولت ایران در اینجا ازومی نداشته باشد در ایران غیر از دولت ایران دولت دیگری وجود خارجی ندارد و بنا بر این این کلمه ایران معنائی ندارد وزیر فوئده عامه - راست است کلمه ایران باید حذف شود فقط مغرب بنده هم قبول میکنم که بهداز دولت کلمه ایران حذف شود

**رئیس** - رای گرفته میشود باده با حذف کلمه ایران که آقای مغرب قبول نکردند آقایان موافقین قیام فرمایند .

**رئیس** - تصویب شده هجده (بشرح آتی خوانده شد) ماده ۱۸ صاحب امتیاز مجاز است برای حسن جریان امور راه بندرج شهر دامغان و استرآباد تلفنی دائر نمایند شروط

**رئیس مغلفی ندارد - جمعی از نمایندگان** - خبر آقایان موافقین با ماده نوزده قیام فرمایند

**رئیس** - تصویب شده ماده بیست (بشرح آتی خوانده شد) ماده ۲۰ هرگاه دولت بخواهد امتیاز احداث راه آهن بدهد که خط عبور آن از بندر جزبهر دامغان و از بندر جزبهر استرآباد و از بندر جزبهر قزوین و از بندر جزبهر تبریز باشد صاحب امتیاز با تساوی شرایط حق تقدم خواهد داشت و در صورتیکه مشارالیه آنرا بشروط دیگر آن قبول ننماید و امتیاز بشرکت یا شخص دیگری داده شود و یا خود دولت به این کار اقدام کند بطوری که راه آهن درووی شوره مزبور قرار داده شود باید دولت یا صاحب امتیاز راه آهن موافقت خالص متوسط صاحب امتیاز را تا آخر مدت امتیاز سالانه تاو نماید .

**رئیس - آقای رهنما (اجازه)**

**رئیس** - آقای طهرانی .

**رئیس** - آقای آقاسید یعقوب موافق

**رئیس** - آقای اتحاد

انعام - بنده یک اصلاح عبارتی دارم بنظر بنده بنده بهداز جمله روی خط شوره باشد یک کلمه این لازم است که هرگاه دولت بخواهد امتیاز احداث راه آهن بدهد که خط عبور آن از بندر جزبهر دامغان و از بندر جزبهر استرآباد و از بندر جزبهر قزوین و از بندر جزبهر تبریز باشد این خط شوره باشد یک کلمه این قبیل از خط شوره لازم است

**رئیس - آقای رهنما**

رهنما در این جا خط شوره دیگری نیست و البته وقتی گفته میشود خط شوره معلوم است مقصود خط شوره است که دولت امتیازش را به این شخص داده است و هم تا بجای مدجو امتیاز خط شوره بکسی نداده است و البته در آیه هم سعی خواهد کرد که امتیاز یک خط شوره که اسباب ورشکستگی این شخص شود دیگری بدهد .

بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است .

**رئیس** - مذاکرات کافی است جمعی از نمایندگان - بلی کافی است

**رئیس** - رای می گیریم باده بیست آقایان که تصویب می کنند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد .

**آقا میرزا سید احمد بهبهانی** - بنده پیشنهاد میکنم جلگه ختم شود

**رئیس** - پیشنهاد ختم جلگه شد اما بعضی از نمایندگان - صحیح است .

وزیر مالیه خاطر معترم آقایان مسبوق است که وزارت بست و تلگراف یک مخارج ضروری دارد که بعضی از آنها باید در موافق معینی بشود از قبیل تهیه عتیق و وجنس و بن قبیل چیزها و چون البته مطالعه بودجه هم در کمیسیون و در مجلس شورای ملی یک مدتی وقت لازم خواهد داشت و ممکن است از این جهت یک ضرورتی متوجه است و تلگراف بشود این است که یک ماده پیشنهاد مجلس شورای ملی میکنم که آن مخارج ضروری را تصویب فرمایند که در موقع پرداخت شود لایحه دیگری هم هست که راجع بوظیفه برای ورته یک فقره مستخدم دولت است که آنهم تقدیم می شود .

**رئیس** - دستور جلسه یکشنبه .

**وزیر فوئده عامه** - اجا . میفرمایند .

خواسته استماع کنیم اگر ممکن است دو ماه کثرات متعصب جنگل را جزو دستور جلسه آتی مقرر فرمایند

**رئیس** - دستور اول لایحه راجع بندر جزبهر بخیر کمیسیون بودجه راجع مستخدم آلمانی بعد هم چون آقایان می دانند که در کمیسیون هدلیه یک قوانین لازمی است و ذوق هم از اعضاء آن استعفا کرده اند که یکی آقای طباطبائی دیبا است و یکی هم آقای حاج شیخ عبدالرحمن

**آقا شیخ فرج الله** - آقای آشتیانی هم استعفا داده اند

**رئیس** - آقای آشتیانی هم استعفا کرده اند ؟ بسیار خوب سه نفر باید روز یک شنبه معین بشود .

رایرت شبه (۶) راجع بشاید کمی آقای ابرحسین خان هم مطرح خواهم شد آقای بهار

**بهار** - جمعی از آقایان نمایندگان پیشنهادی تقدیم می کنند بمجلس مقدس راجع با اجازه طبع یک جلد فرهنگ از عربی بقارسی که در مطبوعه مجلس چاپ شود مطابق موادی که ملاحظه می فرمایند .

**رئیس** ارسال می شود بکمیسیون جمعی از آقایان هم مطلبی نوشته اند عرض مجلس میرسد .

(بشرح ذیل قرائت شد)

نظر باینکه در موقع وضع مالیات جدید قند و قندچای و شکر بطوریکه در آخر ماده هفتم قانون مذکور هم تصریح شده است مقصودمان بوده که هر وقت قندوچای و شکر و آنچه از قند و شکر ساخته میشود مشخصاً تا قبل از روز ۲۲ اردیبهشت ۱۳۰۴ وارد هریک از سه عداات ایران گردیده ام از اینکه تا تاریخ مزبور گمرک شده

باشد بانه از پرداخت مالیات مقرر معاف باشد و بموجب شکایات واصله مأمورین دولت در موقع اجرا برخلاف عمل کرده و اسباب زحمت تجار را فراهم نموده اند تمدن نمایند مأمورین بدون هیچ گونه تخلف مطابقاً اجرا کنند .

**کیخسرو شاهرخ** - رضا افتخار عراقی - سید حسن زهمیم - شکرالله قوام صدیری - آشتیانی - مطبوعی - تقی بهار - بهبهانی - حسن الحسینی - اسماعیل قشقائی - رضوی - ناصر نندارمانی - سلیمان محسن - مصطفی بهبهانی از مدلول قانون نباید تجار و زو شود مدرس .

**رئیس** - آقای رضوی

بنده این تقاضا را امضا کرده بودم ولی بعد کنتل ماک گمرک ارت و رفت و رفیع نگرانی تجار را کرد و تلگراف رضایتی هم از تجار رسید و از این جهت بنده اعضاء خود را پس میکیم

**رئیس** - لایحه راجع بکارخانه سانلوانین - از می معلوم نشد بکدام کمیسیون باید برود ؟

**وزیر فوئده عامه** - بکمیسیون فوئده عامه **بعضی از نمایندگان** - بلی (مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

**رئیس** - مجلس شورای ملی **حسین پیرنیا** - منشی **مقش** - دکتر احتشام طباطبائی **جلسه یکصد و هشتاد و ششم صورت مشروح مجلس یکشنبه هفتم تیر ماه ۱۳۰۴ مطابق ششم ذیحجه سنه ۱۳۴۳**

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای حسینخان پیرنیا تشکیل و صورت مجلس سه شبه دوم تیر ماه را آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند

**رئیس** - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - علی العجابه عرضی ندارم **رئیس** آقای دست غیب .

دست غیب بنده هم جو شیندم که آقای مساوات را باز قاضی با اجازه ثبت کرده اند بعضی از نمایندگان - با اجازه

دست غیب - بنده انتم شاید بر من مشتبه شده باشم ولی اگر غائب بی اجازه ثبت شده باشد بنده مغالقم .

آنروز هم که بنده مخالفت کردم برای این بود که آقای مساوات ناخوش است و اصلاً رای در ناخوشی دادن غلط است و نباید در مجلس رای گرفته شود .

**رئیس** یک اجازه خواسته بودند باید تجدید اجازه شود .

**آقا میرزا جواد خان امامی** تقریباً در هشت نامه قبل یک طرحی راجع به معافیت سلباس و قسمتی از خوی بمجلس تقدیم شد و از طرف کمیسیون مبتکرات رایرت آن به مجلس آمد و مقابل توجه شد و بنده بکمیسیون قوانین مالیه

دست غیب محتاج با اجازه نیست

**رئیس** بکمیسیون هم مراجعه شده است در جلسه به مطرح میشود اگر اجازه داده شد اصلاح خواهد شد

**آقای امامی خونی (اجازه)**

آقا میرزا جواد خان امامی - قبل از دستور عرضی دارم

**رئیس** آقای شوشتری

شوشتری - قبل از دستور **رئیس** - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - در صورت جلسه نوشته است اعضاء کمیسیون هدلیه سه نفرند خواستم تذکر بدهم که دو نفر آنها مستعفی هستند و یک نفر آنها که آقای مصدق السلطنه باشند تشریف نمی آورند ولی هنوز استعفا نداده اند

خواستم برای اطلاع عرض کنم یکی آقای آشتیانی بوده است و یکی هم آقای حاج سیدالمحققین یکی هم آقای مصدق السلطنه که تشریف نیاورده اند اما هنوز کمیسیون هدلیه ایشان را قبول نکرده است .

**رئیس** - این ایرادیکه فرمودید راجع بصورت مجلس نبود

آقاسید یعقوب - چرا سه نفر نوشته شده **رئیس** - در جلسه گذشته اشتباه سه نفر گفته شد

**آقای آقا شیخ فرج الله (اجازه)**

آقا شیخ فرج الله - عرض من هم همین بود و در غیر است .

**رئیس** آقای رضوی (اجازه)

رضوی - در لایحه قند بنده آنروز عرض کردم و آن طرح را هم اعضاء کرده بودم ولیکن عرض کردم مخالفت بنده بمناسبت شکایت تجار بود و چون رفع شکایت آنها شده دیگر مخالفتی ندارم این را در صورت مجلس درج نکرده اند و باید درج شود

**رئیس** آقای دکتر محمدخان مصدق - دکتر محمدخان مصدق - بنده عرضی ندارم می خواستم عرض کنم استعفا نکرده ام بواسطه گرمای وقتاً بیا مدام بعد خواهم آمد

**رئیس** - صورت مجلس دیگر ایرادی ندارد ؟

(گفته شد : خیر)

**رئیس** آقای امامی (اجازه)

آقا میرزا جواد خان امامی تقریباً در هشت نامه قبل یک طرحی راجع به معافیت سلباس و قسمتی از خوی بمجلس تقدیم شد و از طرف کمیسیون مبتکرات رایرت آن به مجلس آمد و مقابل توجه شد و بنده بکمیسیون قوانین مالیه

دست غیب بنده وقت بکمیسیون قوانین مالیه مراجعه شده و تا کنون نتیجه رایرت آن بمجلس نیامده از مقام محترم ریاست خواستم تقاضا کنم بکمیسیون تذکر بدهند که زودتر رایرت آن را بمجلس تقدیم کنند

**رئیس** - آقای شوشتری (اجازه)

**شوشتری** - خواستم عرض کنم عراضی در آن جلسه کردم راجع بتسریع امور و تحکیم قانون بوده اعتراضی باصل قانون نبود

دو اثر مرئیات و مشهودات خودم که دوازده سال در هدلیه عمل کرده ام خواسته عرض کنم از طرف مجلس شورای ملی بوزیر هدلیه یا معاون او تذکر داده شود محاکمات را تسریع کنند که مردم بی چاره که میروند زودتر بجوانج خود برسند و زودتر تر موفق بشوند بیکسوم بودن بانه بودن یا هلیه بودن عرض دیگری ندارم

**رئیس** - چند فقره خیر از کمیسیون مرخصی رسیده است اجازه میفرمایند قرائت شود

(بشرح آتی قرائت شد)

آقای میرزائی نماینده محترم بواسطه پیش آمدهای فوق العاده در مشهد مجبور بحرکت شده تقاضا نموده اند از زمان بحرکت تا سه ماه غائب با اجازه محسوب شوند کمیسیون هدلیه ایشان را موافق دانسته تصویب می نمایند

آقای میرزائی نماینده محترم بواسطه پیش آمدهای فوق العاده در مشهد مجبور بحرکت شده تقاضا نموده اند از زمان بحرکت تا سه ماه غائب با اجازه محسوب شوند کمیسیون هدلیه ایشان را موافق دانسته تصویب می نمایند

**رئیس** - آقایان که مرخصی سه ماهه سابق خود هم بیش از ۳۶ روز استعفا ندهند تقاضا نموده اند بقیه مدت مرخصی سابق را که سه روز است مجلس مجدداً اجازه دهد که غائب با اجازه محسوب شوند .

کمیسیون تقاضای ایشان را مشرح دانسته پنجاه و چهار روز قیامت آقای حائری زاده را از تاریخ ۳۰ خرداد تصویب می نمایند .

**رئیس** - آقایان که مرخصی سه ماهه سابق خود هم بیش از ۳۶ روز استعفا ندهند تقاضا نموده اند بقیه مدت مرخصی سابق را که سه روز است مجلس مجدداً اجازه دهد که غائب با اجازه محسوب شوند .

کمیسیون تقاضای ایشان را مشرح دانسته پنجاه و چهار روز قیامت آقای حائری زاده را از تاریخ ۳۰ خرداد تصویب می نمایند .

مراجعه بشود از آن وقت بکمیسیون کتم مانعی که ندارد بعد در بزیند این اصل را بمجلس نیاوردی بد هدر زار بمجلس رای بدهد ناخوشی می آید بمجلس رای ندهد ناخوشی می آید اگر بنا شود ناخوشی را بمجلس اجازه بدهد این رای منطبق ندارد کما اینکه بنده در آن جلسه هم باین عنوان مخالفت کردم والا تا وقتی که آقای مساوات ناخوش است نباید غائب با اجازه ثبت شود ناخوشی علیرضه است .

**رئیس** - در نظامنامه نوشته شده است بدون اذن و اجازه مجلس کسی نمی تواند غیبت کند و عذرش هم باید موجه باشد

تشخیص عذر موجه هم بمجلس است آقایانی که مرخصی یک ماهه آقای مساوات را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان کان قیام نمودند)

(خبر دیگر راجع بمرخصی آقای حائری زاده بشرح ذیل خوانده شد)

آقای حائری زاده نماینده محترم بواسطه فوت یکی از بستگانش در مشهد مقدس مجبور بحرکت بارض اقدس شده اند برای آوردن خانواده و از مرخصی سه ماهه سابق خود هم بیش از ۳۶ روز استعفا ندهند تقاضا نموده اند بقیه مدت مرخصی سابق را که سه روز است مجلس مجدداً اجازه دهد که غائب با اجازه محسوب شوند .

کمیسیون تقاضای ایشان را مشرح دانسته پنجاه و چهار روز قیامت آقای حائری زاده را از تاریخ ۳۰ خرداد تصویب می نمایند .

**رئیس** - آقایان که مرخصی سه ماهه سابق خود هم بیش از ۳۶ روز استعفا ندهند تقاضا نموده اند بقیه مدت مرخصی سابق را که سه روز است مجلس مجدداً اجازه دهد که غائب با اجازه محسوب شوند .

کمیسیون تقاضای ایشان را مشرح دانسته پنجاه و چهار روز قیامت آقای حائری زاده را از تاریخ ۳۰ خرداد تصویب می نمایند .

**رئیس** - تصویب شده هفتده (بشرح ذیل خوانده شد) ماده ۱۷ دولت ایران برای تسهیل اجرای مواد این امتیازنامه با صاحب امتیاز مساعدت خواهد کرد .

**رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه)**

دکتر آقایان - بنده تصویب میکنم دولت ایران در اینجا ازومی نداشته باشد در ایران غیر از دولت ایران دولت دیگری وجود خارجی ندارد و بنا بر این این کلمه ایران معنائی ندارد وزیر فوئده عامه - راست است کلمه ایران باید حذف شود فقط مغرب بنده هم قبول میکنم که بهداز دولت کلمه ایران حذف شود

**رئیس** - رای گرفته میشود باده با حذف کلمه ایران که آقای مغرب قبول نکردند آقایان موافقین قیام فرمایند .

**رئیس** - تصویب شده هجده (بشرح آتی خوانده شد) ماده ۱۸ صاحب امتیاز مجاز است برای حسن جریان امور راه بندرج شهر دامغان و استرآباد تلفنی دائر نمایند شروط خواهد بود .

دست غیب - اجازه بدهید عرض کنم مانعی که ندارد بعد در بزیند این اصل را بمجلس نیاوردی بد هدر زار بمجلس رای بدهد ناخوشی می آید بمجلس رای ندهد ناخوشی می آید اگر بنا شود ناخوشی را بمجلس اجازه بدهد این رای منطبق ندارد کما اینکه بنده در آن جلسه هم باین عنوان مخالفت کردم والا تا وقتی که آقای مساوات ناخوش است نباید غائب با اجازه ثبت شود ناخوشی علیرضه است .

**رئیس** - در نظامنامه نوشته شده است بدون اذن و اجازه مجلس کسی نمی تواند غیبت کند و عذرش هم باید موجه باشد

تشخیص عذر موجه هم بمجلس است آقایانی که مرخصی یک ماهه آقای مساوات را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب نمایندگان کان قیام نمودند)

(خبر دیگر راجع بمرخصی آقای حائری زاده بشرح ذیل خوانده شد)

آقای حائری زاده نماینده محترم بواسطه فوت یکی از بستگانش در مشهد مقدس مجبور بحرکت بارض اقدس شده اند برای آوردن خانواده و از مرخصی سه ماهه سابق خود هم بیش از ۳۶ روز استعفا ندهند تقاضا نموده اند بقیه مدت مرخصی سابق را که سه روز است مجلس مجدداً اجازه دهد که غائب با اجازه محسوب شوند .

کمیسیون تقاضای ایشان را مشرح دانسته پنجاه و چهار روز قیامت آقای حائری زاده را از تاریخ ۳۰ خرداد تصویب می نمایند .

**رئیس** - آقایان که مرخصی سه ماهه سابق خود هم بیش از ۳۶ روز استعفا ندهند تقاضا نموده اند بقیه مدت مرخصی سابق را که سه روز است مجلس مجدداً اجازه دهد که غائب با اجازه محسوب شوند .

کمیسیون تقاضای ایشان را مشرح دانسته پنجاه و چهار روز قیامت آقای حائری زاده را از تاریخ ۳۰ خرداد تصویب می نمایند .

**رئیس** - تصویب شده هفتده (بشرح ذیل خوانده شد) ماده ۱۷ دولت ایران برای تسهیل اجرای مواد این امتیازنامه با صاحب امتیاز مساعدت خواهد کرد .

**رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه)**

دکتر آقایان - بنده تصویب میکنم دولت ایران در اینجا ازومی نداشته باشد در ایران غیر از دولت ایران دولت دیگری وجود خارجی ندارد و بنا بر این این کلمه ایران معنائی ندارد وزیر فوئده عامه - راست است کلمه ایران باید حذف شود فقط مغرب بنده هم قبول میکنم که بهداز دولت کلمه ایران حذف شود

**رئیس** - رای گرفته میشود باده با حذف کلمه ایران که آقای مغرب قبول نکردند آقایان موافقین قیام فرمایند .

**رئیس** - تصویب شده هجده (بشرح آتی خوانده شد) ماده ۱۸ صاحب امتیاز مجاز است برای حسن جریان امور راه بندرج شهر دامغان و استرآباد تلفنی دائر نمایند شروط خواهد بود .



فلسفه است؟  
والا آقای تجدد از اول تا بحال آمده در کیمسوها و مجلس حاضر بوده گرفتارم بوده سه ماه اجازه خواسته آمدند سه ماه را در ماه کرده اند لیکن بدیگران شش ماه اجازه داده اند خواستم عرض کنم مجلس باید نظر بدالت داشته باشد رأی که می دهد از روی عدالت باشد این است که بنده موافق با همان سه ماه هستم شاید ملاحظه گرفتار را نکرده باشند

**همرزانی (مخبر) -** بنده مخبرم می کنم

**رئیس -** آقایانی که مرخصی دو ماهه آقای تجدد را تصویب میکنند قیام فرمایند

**(اغلب برخاستند)**

**رئیس -** تصویب شد خبر ششم ششم راجع بنمایند کی آقای امیر حسین خان مطرح است آقای ملک التجار مخالف بودند

**یک نفر از نمایندگان -** نیستند

**رئیس -** رأی گرفته میشود آقایانی که وکالت آقای امیر حسین خان بختیاری تصویب می کنند قیام فرمایند

**(عده کثیری قیام نمودند)**

**رئیس -** تصویب شد - خبر کیسیون فواید عامه راجع بامتیاز راه بندر جز از ماده بیست و یکم مطرح است

**وزیر فواید عامه -** دو ماده راجع به متعین چنگها نام شده و راجع به متعین از کیسیون داده شده است اگر ممکن باشد آنرا تمام بفرمایند شروع بکار بپردازند بفرمایند

**رئیس -** مخالفی ندارد

**کازرونی -** بنده مخالفم

**رئیس -** بفرمایند

**کازرونی -** دستور مجلس معین کرده است که بقیه قانون امتیاز راه بندر جز است و بعد لایحه راجع به متعین چنگها و حضرت وزیر هم خودشان تصدیق می فرمایند که این لایحه مدتهاست در مجلس معطل شده و آنقدر هم وقت لازم ندارد یکی دو ماده مانده است که تمام شود بعد آن دو ماده راجع به متعین چنگها مطرح شود بنابراین این تقیر دستور چندان از روی ندارد

**وزیر فواید عامه -** آقای کازرونی خودشان تکذیب فرمایش خودشان را کردند و فرمودند این یکی هم جز دستور است بنابراین مقدم و مؤخر داشتن آن چندان اهمیتی ندارد

بعقیده بنده مقدم داشتن یک چیزی که آنهم جز دستور است اشکالی ندارد و از طرف دیگر استفاده

یک نفر متعین اهمیتش خیلی بیشتر از امتیاز یک راه است زیرا بعد از اینکه از مجلس

گذشت تازه باید موجبات استفاده او فراهم شود و مدتی وقت لازم دارد در صورتی که این شخص در اینجاست و بعضی این که امتیاز تصویب میشود می رود مشغول کارش میشود

بعلاوه مطلب تمام شده فقط یک اصلاحی در یک ماده پیشنهاد شده بود و یک ماده الحاقیه که هر دو در کیسیون بود و تمام شده و بعد در وقت لازم دارد که مطلب تمام شود دیگر بسته بنظر آقایان است

**رئیس -** آقایانی که تقاضای آقای وزیر فواید عامه را تصویب می کنند قیام فرمایند

**(اکثر نمایندگان قیام نمودند)**

**رئیس -** تصویب شد - ماده ششم مراجع شده بود کیسیون خبر ششم است قرائت میشود

**(شرح آتی قرائت شد)**

پیشنهاد آقای آفاسید مقبول راجع بماده شش کثرت فن دم ها گن متعین جنک در کیسیون مطرح و بطریقی که در مجلس شورای ملی قابل توجه نشده کیسیون موافقت می نماید که فوق ماده مغارج هنگام مسافرت روزی دو تومان پرداخته شود

ماده ششم در موقع مسافرت های شغلی مسیوفن دم ها گن در ایران علاوه بر حقوقی که در ماده معین شده است روزی مبلغ دو تومان مغارج مسافرت بشمارایه داده خواهد شد

بنده وادوات کار از طرف وزارت فوائد عامه تادیه خواهد شد و همچنین پس از ورود مسیوفن دم ها گن بطهران یک اسب سواری باعرب آن بخرج دولت مشارایه داده خواهد شد و اسب مزبور در مدت خدمت مسیوفن دم ها گن در اختیار مشارایه خواهد بود

**رئیس -** مخالفی ندارد؟

**(گفته شد خیر)**

**رئیس -** رأی میگیریم بماده ششم بترتیب که قرائت شد آقایان موافقت قیام فرمایند

**رئیس -** تصویب شد - ماده الحاقیه قرائت میشود

**(شرح ذیل قرائت شد)**

ماده الحاقیه پیشنهادی آقای شریعت زاده نماینده محترم بطریق ذیل تنظیم برای تصویب تقدیم می شود:

مستخدم مزبور تابع نظامات و مقررات اداری بوده و در صورت نبود تخلف مورد مسؤلیت واقع و موافق مقررات اداری یا اوره تار خواهد شد

**رئیس -** رأی گرفته میشود باین الحاقیه که ماده سیزدهم خواهد بود آقایان موافقت قیام فرمایند

**رئیس -** تصویب شد - تصویب شد - ماده ششم مراجع شده بود کیسیون خبر ششم است قرائت میشود

**(شرح آتی قرائت شد)**

پیشنهاد آقای آفاسید مقبول راجع بماده شش کثرت فن دم ها گن متعین جنک در کیسیون مطرح و بطریقی که در مجلس شورای ملی قابل توجه نشده کیسیون موافقت می نماید که فوق ماده مغارج هنگام مسافرت روزی دو تومان پرداخته شود

ماده ششم در موقع مسافرت های شغلی مسیوفن دم ها گن در ایران علاوه بر حقوقی که در ماده معین شده است روزی مبلغ دو تومان مغارج مسافرت بشمارایه داده خواهد شد

بنده وادوات کار از طرف وزارت فوائد عامه تادیه خواهد شد و همچنین پس از ورود مسیوفن دم ها گن بطهران یک اسب سواری باعرب آن بخرج دولت مشارایه داده خواهد شد و اسب مزبور در مدت خدمت مسیوفن دم ها گن در اختیار مشارایه خواهد بود

**رئیس -** مخالفی ندارد؟

**(گفته شد خیر)**

**رئیس -** رأی میگیریم بماده ششم بترتیب که قرائت شد آقایان موافقت قیام فرمایند

**رئیس -** تصویب شد - ماده الحاقیه قرائت میشود

**(شرح ذیل قرائت شد)**

ماده الحاقیه پیشنهادی آقای شریعت زاده نماینده محترم بطریق ذیل تنظیم برای تصویب تقدیم می شود:

مستخدم مزبور تابع نظامات و مقررات اداری بوده و در صورت نبود تخلف مورد مسؤلیت واقع و موافق مقررات اداری یا اوره تار خواهد شد

**رئیس -** رأی گرفته میشود باین الحاقیه که ماده سیزدهم خواهد بود آقایان موافقت قیام فرمایند

**رئیس -** تصویب شد - تصویب شد - ماده ششم مراجع شده بود کیسیون خبر ششم است قرائت میشود

**(شرح آتی قرائت شد)**

پیشنهاد آقای آفاسید مقبول راجع بماده شش کثرت فن دم ها گن متعین جنک در کیسیون مطرح و بطریقی که در مجلس شورای ملی قابل توجه نشده کیسیون موافقت می نماید که فوق ماده مغارج هنگام مسافرت روزی دو تومان پرداخته شود

ماده ششم در موقع مسافرت های شغلی مسیوفن دم ها گن در ایران علاوه بر حقوقی که در ماده معین شده است روزی مبلغ دو تومان مغارج مسافرت بشمارایه داده خواهد شد

بنده وادوات کار از طرف وزارت فوائد عامه تادیه خواهد شد و همچنین پس از ورود مسیوفن دم ها گن بطهران یک اسب سواری باعرب آن بخرج دولت مشارایه داده خواهد شد و اسب مزبور در مدت خدمت مسیوفن دم ها گن در اختیار مشارایه خواهد بود

**رئیس -** مخالفی ندارد؟

**(گفته شد خیر)**

**رئیس -** رأی میگیریم بماده ششم بترتیب که قرائت شد آقایان موافقت قیام فرمایند

**رئیس -** تصویب شد - ماده الحاقیه قرائت میشود

**(شرح ذیل قرائت شد)**

ماده الحاقیه پیشنهادی آقای شریعت زاده نماینده محترم بطریق ذیل تنظیم برای تصویب تقدیم می شود:

مستخدم مزبور تابع نظامات و مقررات اداری بوده و در صورت نبود تخلف مورد مسؤلیت واقع و موافق مقررات اداری یا اوره تار خواهد شد

**رئیس -** رأی گرفته میشود باین الحاقیه که ماده سیزدهم خواهد بود آقایان موافقت قیام فرمایند

**رئیس -** تصویب شد - تصویب شد - ماده ششم مراجع شده بود کیسیون خبر ششم است قرائت میشود

**(شرح آتی قرائت شد)**

پیشنهاد آقای آفاسید مقبول راجع بماده شش کثرت فن دم ها گن متعین جنک در کیسیون مطرح و بطریقی که در مجلس شورای ملی قابل توجه نشده کیسیون موافقت می نماید که فوق ماده مغارج هنگام مسافرت روزی دو تومان پرداخته شود

ماده ششم در موقع مسافرت های شغلی مسیوفن دم ها گن در ایران علاوه بر حقوقی که در ماده معین شده است روزی مبلغ دو تومان مغارج مسافرت بشمارایه داده خواهد شد

بنده وادوات کار از طرف وزارت فوائد عامه تادیه خواهد شد و همچنین پس از ورود مسیوفن دم ها گن بطهران یک اسب سواری باعرب آن بخرج دولت مشارایه داده خواهد شد و اسب مزبور در مدت خدمت مسیوفن دم ها گن در اختیار مشارایه خواهد بود

**رئیس -** مخالفی ندارد؟

**(گفته شد خیر)**

**رئیس -** رأی میگیریم بماده ششم بترتیب که قرائت شد آقایان موافقت قیام فرمایند

**رئیس -** تصویب شد - ماده الحاقیه قرائت میشود

**(شرح ذیل قرائت شد)**

ماده الحاقیه پیشنهادی آقای شریعت زاده نماینده محترم بطریق ذیل تنظیم برای تصویب تقدیم می شود:

مستخدم مزبور تابع نظامات و مقررات اداری بوده و در صورت نبود تخلف مورد مسؤلیت واقع و موافق مقررات اداری یا اوره تار خواهد شد

**رئیس -** رأی گرفته میشود باین الحاقیه که ماده سیزدهم خواهد بود آقایان موافقت قیام فرمایند

خواستم از آقای مخبر سؤال بکنم که از این (ترتیب اثر) مقصودشان چیست؟ برای اینکه بنویسد:

اگر ترتیب اثر ندهد این امتیاز لغو خواهد شد

ممکن است از طرف وزارت فواید عامه یک اخطار بیوردی بکنند - متکلماً راهم باید ترتیب اثر بدهد؟

خواستم این توضیح را بدهند که در آتی مورد اشکالی نشود

**مخبر -** مقصود از ترتیب اثر این است که با اخطار بی اعتنائی نکنند - کانام یکن نیندازد و اما در موضوع اختلاف هم مسائلی که محل اختلاف واقع میشود تکلیفش در ماده معین است

**رئیس -** رأی گرفته میشود بماده بیست و دوم آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند

**(جمع کثیری قیام نمودند)**

**رئیس -** تصویب شد - ماده بیست و سوم

**(بتفصیل ذیل قرائت شد)**

ماده ۲۳ - هر گاه اختلافاتی راجع بمسائل مربوطه بمواد این امتیاز نامه بین دولت و صاحب امتیاز تولید گردد موضوع اختلاف بدو نفر حکم که یکی از طرف وزارت فواید عامه و دیگری از طرف صاحب امتیاز تعیین خواهد شد مراجعه می شود حکمین مزبور قبل از شروع رسیدگی حکم ثالثی را انتخاب خواهند نمود

اکثریت آراء رأی دهندگان قاطع خواهد بود و رأی مزبور بموجب حکم ریاست وزراء بموقع اجراء گذارده می شود

**رئیس -** آقای دامغانی

**(اجازه)**

**دامغانی -** عرضی ندارم

**رئیس -** آقای داور

**(اجازه)**

**داور -** بنده در اصل ماده حرفی ندارم و آن قسمتی که نوشته شده صحیح است ولی یک نصی دارد و آن این است که در مسائلی که رجوع بحکمت میشود باید پیش بینی کرد که اگر یکی از طرفین بخواست حکم معین کند تکلیف چیست؟ مخصوصاً که طرف هم دولت باشد

ممکن است صاحب امتیاز تقاضای حکمت بکند و دولت حکمش را معین نکند مدتها هم بگذرد

این مسئله را وقتی امتیاز نفذت مطرح بود بنده عرض کردم و قبول شده بود و گفتم که باید حق داد بآنکس که میخواهد حکم معین کند اخطار بکند بطرف که چون اینجا محل اختلاف است باید حکم معین شود و خوبست یک قسمی مثلا بکدام یا دو ماه معین شود که اگر در طرف آن مدت طرف حکم خود را معین نکرد آن

عدم معین حکم در حکم تصدیق حرف طرف او باشد والا مسئله را که پیش می آیداز حالا ممکن است پیش بینی کرد

یک اختلافی ممکن است بین صاحب امتیاز و دولت پیدا شود

و هر چه بنویسد بوزارت فواید عامه حرفش را گوش ندهند و هیچ وسیله نیست که اگر یکی از طرفین بخواست حکمش را معین کند چه باید بشود و بنده تصور میکنم اگر این مسئله را پیش بینی نکنند بهتر است

مخبر - این مسئله دو طرف دارد یکی دولت و یکی صاحب امتیاز فرض میکنیم مالز نقطه نظر بدینی گفتم دولت با وجود اینکه این امتیاز را داده و صاحب امتیاز هم مغارج گرفتاری را تحمل شده و مشغول عملیات هم هست خدای نخواسته خواست بدون جهت و دلیل اینراه را از دست او بگیرد در اینصورت باید یکی مراجعه شود؟

سقوط این مسئله زیاد است این جا تکلیف معین میشود از یکطرف برای دولت و از یکطرف برای صاحب امتیاز و هر یک از این دو تا مجبورند متابعت از قانون بکنند هم دولت هم ایشان دولت استنکاف کند البته خلاف قانون است اگر ایشان هم استنکاف کنند البته خلاف قانون است شما می فرمایند اگر دولت نکرد چه بشود؟ اگر در اینجا وارد شدید باید خیلی چیزها را در نظر بگیرید که اگر مثلا دولت برخلاف این امتیاز امتیازش را نقض کرد نسبت بدولت چه باید کرد؟ دولت خلاف قانون کرده است باید استیضاح کرد که آقای دولت شما چه حق داشتید یک امتیازی را که مجلس شورای ملی قانونش را تصویب کرده اند بکنی

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب

**(اجازه)**

آقا سید یعقوب - متأسفانه بنده با اینکه عضو کیسیون فواید عامه هستم این جواب آقای مخبر بنده را قانع نکرد بنده کامله موافقم با فرمایش آقای داور و این مسئله را پیش بینی کرد

خوب استیضاح هم کردیم و آقای تیمورتاش هم آمدند جواب هم دادند ولی فایده اش چیست؟

عقیده بنده این است که این مسئله را حتماً باید پیش بینی کرد

حالا ترتیبش هر طور هست یا خود آقای داور پیشنهاد میکنند که اگر طرفین اختلاف پیدا کردند رجوع بحکمت شود و اگر در مورد اختلاف دولت حکم معین نکرد کار راجع باید کرد

استیضاح از دولت اثر ندارد - این بیچاره که آمده مغارجی کرده چه کند؟ یا اینکه دولت حکم خواست معین نکنند آن طرف حکم معین نکرد دولت چکار باید بکند؟

باید قانوناً حل این مسئله بشود نه این که سؤال استیضاح حل شود بنده با نظریه آقای داور موافقم

وزیر فواید عامه - البته مسلم است استنکاف از معین حکم حاکی از عدم حق آن طرف است

اخلاقاً هم همینطور است اگر یک مطلبی باید بحکمت بین دو نفر رجوع شود هیچک از طرفین حق استنکاف ندارند و این مسئله اگر پیش بینی شود خیلی خوب است - آقای مخبر هم گمان می کنم قبول کنند

**رئیس -** آقای دست فیب موافقت؟

**دست فیب -** بنده با ماده مخالفم

**رئیس -** بفرمایند

**دست فیب -** فرمایشات آقای کازرونی که قانع کننده نبود خود آقای وزیر هم تقریباً اظهار داشتند که این ایراد وارد است ...

وزیر فواید عامه - تحقیقاً

**دست فیب** حالا بفرمایند تحقیقاً و تصریحاً وارد است

آقای کازرونی باید توجه بفرمایند عباراتی که فرمودند (خدای نخواسته) و استیضاح اینها یک عبارتی بود که اصلاً قانع کننده نبود (خدای نخواسته) رانمی شود در قانون آورد

علی ای تقدیر باید تکلیف مستنکاف را معلوم کرد و لولاینکه تکلیف این باشد که مستنکاف محکوم است - عین این را در ماده بگذارند کافی است

مخبر - آقای دست فیب گمان میکنم متوجه مذاکرات نبورند هنوز پیشنهادی نشده است که بنده موافقت یا مخالفت بکنم یک اظهاری کردند بنده هم جوابی دادم آقای وزیر هم اظهار عقیده کردند هنوز پیشنهادی نرسیده

بنده استدعا می کنم باینکه علاقه مندی بمذاکرات توجه بکنید که اگر اظهار عقیده میکنید از روی یک مدرک و مشائلی باشد

جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است

آقا شیخ محمد علی تهرانی - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

**رئیس -** آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند

**(اغلب قیام نمودند)**

**رئیس -** اکثریت است - پیش نهاد آقای داور

**(شرح ذیل خوانده شد)**

بنده تبصره ذیل را پیش نهاد می کنم

تبصره - هر یک از طرفین که تقاضای حکمت کرد تقاضای کتبی شود را برای طرف فرستاده و اگر تا شصت روز پس از تقاضای طرف حکم خود را معین ننمود

عدم تعیین حکم حاکی از تصدیق حق تقاضا کننده خواهد بود

وزیر فواید عامه - بعقیده بنده مطلبش خوبست ولی یک ماه بکنند بهتر است زیرا در ماهه صرف وقت کردن برای تعیین حکم زیاد است

داور - بنده در مدتش اهمیت نمیدهم سی روز باشد

مخبر - بنده هم قبول میکنم

**رئیس -** رأی گرفته می شود بماده بیست و سه با تبصره آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

**(اکثر برخاستند)**

**رئیس -** تصویب شد ماده بیست و چهار

مخبر - اجازه میفرمایند - چون اینجا یک عباراتی از قبل افزوده بنده عرض میکنم یادداشت بفرمایند از ابتدای ماده - دولت حق داد این امتیاز را در موقعی که مقتضی بداند از صاحب امتیاز خریداری نماید و در موقع خرید این امتیاز بایر موقعی که دولت بخواهد الی آخر

**رئیس -** یک دفعه دیگر قرائت کنید

مخبر - بنده از اول تا آخر ماده را قرائت میکنم

ماده ۲۴ - دولت حق دارد این امتیاز را در موقعی که مقتضی بداند از صاحب امتیاز خریداری نماید و در موقع خرید این امتیاز بایر موقعی که دولت بخواهد باج را در حد حذف نماید در صورتیکه نسبت براهها موضوعه این امتیاز هم مانند سایر راههای شوسه رفتار شود میتواند راههای مزبوره را خریداری نماید الی آخر

**رئیس -** آقای دامغانی

**(اجازه)**

**دامغانی -** بنده با اصل ماده موافقم

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب

**(اجازه)**

آقا سید یعقوب - اصل مسئله را که در کیسیون فواید عامه گذشت بنده عرض مجلس میرسانم نمیدانم چه شد که آقای مخبر این ماده را تمییر ندادند و چاپ و منتشر نکردند که آقایان نمایندگان مستحضرشوند اصل موضوع این است که راه چون یک مسئله است که اهمیت دارد دولت همیشه نسبت براهها مخصوصاً راههای مخصوصاً راههای سرحدی نظیر مصر صی دارد و کیسیون هم با نظر دولت موافق بود که باید دولت توجه خاصی بآنها داشته باشد موضوع ماده ۲۴ این بود که اگر دولت آمد باج را هر ا موقوف کرد یعنی از جیب خودش یا اینکه مالیاتی وضع کرد که در ازاه آن باج راه را موقوف کرد صاحب امتیاز که یک معارجی در آنجا بعنوان تجارت کرده نباید حقوق او از بین برود این بود که این ماده دولت را ملزم میکند که در صورتیکه باج راهها را حذف کند باید

عدم تعیین حکم حاکی از تصدیق حق تقاضا کننده خواهد بود

وزیر فواید عامه - بعقیده بنده مطلبش خوبست ولی یک ماه بکنند بهتر است زیرا در ماهه صرف وقت کردن برای تعیین حکم زیاد است

داور - بنده در مدتش اهمیت نمیدهم سی روز باشد

مخبر - بنده هم قبول میکنم

**رئیس -** رأی گرفته می شود بماده بیست و سه با تبصره آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

**(اکثر برخاستند)**

**رئیس -** تصویب شد ماده بیست و چهار

مخبر - اجازه میفرمایند - چون اینجا یک عباراتی از قبل افزوده بنده عرض میکنم یادداشت بفرمایند از ابتدای ماده - دولت حق داد این امتیاز را در موقعی که مقتضی بداند از صاحب امتیاز خریداری نماید و در موقع خرید این امتیاز بایر موقعی که دولت بخواهد باج را در حد حذف نماید در صورتیکه نسبت براهها موضوعه این امتیاز هم مانند سایر راههای شوسه رفتار شود میتواند راههای مزبوره را خریداری نماید الی آخر

**رئیس -** یک دفعه دیگر قرائت کنید

مخبر - بنده از اول تا آخر ماده را قرائت میکنم

ماده ۲۴ - دولت حق دارد این امتیاز را در موقعی که مقتضی بداند از صاحب امتیاز خریداری نماید و در موقع خرید این امتیاز بایر موقعی که دولت بخواهد باج را در حد حذف نماید در صورتیکه نسبت براهها موضوعه این امتیاز هم مانند سایر راههای شوسه رفتار شود میتواند راههای مزبوره را خریداری نماید الی آخر

**رئیس -** آقای دامغانی

**(اجازه)**

**دامغانی -** بنده با اصل ماده موافقم

**رئیس -** آقای آقا سید یعقوب

**(اجازه)**

آقا سید یعقوب - اصل مسئله را که در کیسیون فواید عامه گذشت بنده عرض مجلس میرسانم نمیدانم چه شد که آقای مخبر این ماده را تمییر ندادند و چاپ و منتشر نکردند که آقایان نمایندگان مستحضرشوند اصل موضوع این است که راه چون یک مسئله است که اهمیت دارد دولت همیشه نسبت براهها مخصوصاً راههای مخصوصاً راههای سرحدی نظیر مصر صی دارد و کیسیون هم با نظر دولت موافق بود که باید دولت توجه خاصی بآنها داشته باشد موضوع ماده ۲۴ این بود که اگر دولت آمد باج را هر ا موقوف کرد یعنی از جیب خودش یا اینکه مالیاتی وضع کرد که در ازاه آن باج راه را موقوف کرد صاحب امتیاز که یک معارجی در آنجا بعنوان تجارت کرده نباید حقوق او از بین برود این بود که این ماده دولت را ملزم میکند که در صورتیکه باج راهها را حذف کند باید



از همه خسارت صاحب امتیاز برآید یا اینکه هر وقت بخواهد از نظر سیاسی مناسبی که آقای وزیر فریاد عامه اظهار کردند اینرا بخودش منتقل کند منزله باشد از همه خسارت این شخص برآید لذا در این ماده پیش بینی شده که چون راه مسئله‌های استو همیشه باید در تحت نظر دولت باشد هر وقت مقتضی دید و سیاست این شد که در دست خودش باشد و در دست تبه نباشد

دولت پیشنهادی کرد و کمیسیون هم موافقت کرد که چون البته اینجا جهت عامه است باید منافع عامه را مقدم داشت دولت حق داشته باشد اینرا بخودش انتقال بدهد لکن باید آن مصادفها که باید شود با بدهد تنظیم این ماده اساساً برای این است حالاً اگر فی الجمله در عبارت سلامتی نباشد اشکالی ندارد بجهت اینکه همانطوریکه آقای مغربریان کردند مطلب را می‌رورانند یعنی دولت حق دارد که هر وقت بخواهد بخودش منتقل کند با دادن خسارتیکه باو وارد آمده است این جزء اول است جزء ثانی هم آنوقت است که دولت بخواهد احداث راه کند و باج راه را حذف کند و باید آن بخارجی که آن شخص کرده بدهد حالاً اگر عبارت سلامتی نباشد گمان نمیکنم عملی برآید باشد و اصل مطلب این است

رئیس- آقای نظامی (اجازه) نظامی - اگر چه آقای کازرونی طوری فرمودند که مطلب معلوم نشده خواستم عرض کنم که رضایت صاحب امتیاز هم باید اینجانند شود وزیر فریاد عامه - اساساً باید دانست که این یکی از صول سهامه است که راه یکی از چیزهاییست که دادن امتیازش غلط است زیرا حتماً باید راه را در مملکت دولت بسازد و حتماً هم مجانی بختیار مردم بگذارد.

پس اصولاً دادن امتیاز را غلط است چنانکه مکرر بنده مورد پیدا کردم و بهر حال آقایان نمایندگان رسیده اغلب آقایان هم تصدیق فرمودند دادن امتیاز راه غلط است علتش هم با خودش است زیرا هیچکس حاضر نیست پولی از کبسه خودش خرج کند و بعد استفاده از آنرا مجانی ببرد و اگذار کند این مجال است آنکسی که راه را بسازد البته میخواهد در مقابل خرجی که میکند فایده ببرد و از نقطه نظر مملکت و تسهیلات برای مردم ترقی تجارت و هر نظریکه ملاحظه بفرمایند راه باید برای مردم مجانی باشد ولی فعلاً ما وسائل ساختن راههای مملکت خودمان را نداریم که بگوئیم ما راههای اصلی خودمان و هم راههای فرعی خودمان را بخرج دولت خواهیم ساخت و بدهیم

مجانمی میکنند علی الخصوص که ما هنوز موفق نشده ایم که باج راهها را که دولت اخذ میکند موقوف کنیم و از آنطرف هم تا ما با پولهای باید زندگی کنیم و تا کی باید صبر کرد و هیچ راه ساختن و انتظار وقتی که قدرت استطاعت پیدا کنیم و راه خوب درست کنیم؟

بنابراین چرا مملکت را از استفاده داشتن راه در آتیه محروم کنیم؟ پس فعلاً هر کسی میخواهد خطوط فرمیرا باو امتیاز بدهم اما چون مدت امتیاز چهل سال است و البته امدواری داریم که در ظرف این مدت ترقی مالی و اقتصادی در مملکت ماطوری خواهد شد که مستثنی خواهید بود از اینکه عوائدی از راهها بگیریم لذا در امتیاز راههایی که میدهم باید این حق را برای دولت محفوظ بداریم که همیشه دولت حق داشته باشد بخرد.

پس جهت در قسمت اول این ماده بطور مطلق بدولت اختیار داده شده که هر وقت مقتضی دانست پولی را که صاحب امتیاز برای این راه خرج کرده است باو بدهد و این راه را بخرد اختصاص دهد.

این يك مورد مورد دیگری هم هست و آن این است که وقتی که دولت تصمیم بگیرد که اصلاً باجها را ملغی کند (ممکن است) شاید دولت پس از یکسال دو سال امدواری می‌رود بعد از تصویب لوایحی که پیشنهاد شده است موقوف شود با جهاتی را بگوید مطابق این اصل کلی باید در این راه هم باج موقوف شود آنوقت وضع صاحب امتیاز چیز فریبی خواهد شد

یک پولی خرج کرده و باید همینطور که دولت حکم کرده باج در تمام راهها ملغی شود این راهها هم از راههای عمومی است و البته باید باج آن ملغی شود آنوقت يك پولی از کبسه اش رفته است. لذا ما در این مورد در ضمن انشاء باجها در راهها پیش بینی کردیم که دولت مکلف است پولی را که صاحب امتیاز خرج کرده بدهد و این راه را بخرد. این مطلب هم به عقیده من لازم است پیش بینی شود و در وقت است در این لایحه پیش بینی شد

شده و در همین ماده قید شده است که اگر دولت خواست باج ها حذف کند این راه را هم حق داشته باشد بخودش انتقال بدهد

اما اینکه بطور اطلاق گفته شود که دولت هر وقت میخواهد این راه را بخودش منتقل کند بنظر بنده این مسئله یکی از ارکانی است که در هر معامله و قرارداد شرط اصلی است و آن مدت است.

آن کسانی که میبایند بیک مؤسسه و تشکیلاتی درست می کنند باید مطمئن باشند خودش که بضاعت اینک این مؤسسه را از جیب خودش اداره بکند که ندارد ناچار باید شرکتی تأسیس کند در این صورت مردم باید بدانند که این راه دوام دارد و استفاده می‌تواند بکنند.

اما اگر دولت آمد بدون این که دلایلی وجهتی داشته باشد همینطور که گویید که در هر موقعی که من بخواهم این راه را بخرد منتقل می‌کنم.

بنظر بنده این امتیاز موضوعاً لغو است و هیچ وقت هم نمی‌شود يك سرمایه برای برای آن تدارک کرد. هیچکس هم پیدا نمی‌شود که برای يك چیز هم مجهول پول بدهد بنده يك دفعه دیگر نظر آقای وزیر فواید عامه را باین نکته جلب می‌کنم. خود ایشان که نادی این بودند که باید راهها ساخته شود و بالاخره این شخص ایرانی است یعنی بنده تنها این ایرانی را دیدم که آمده است اینجا و بیکهانه هم گرفته است توی این شاه آباد و بضاعت استر آبادش را هم فروخت باین امید. حالاً امدواری او چیست؟

بنواند راه را بسازد و برای مردم واگذار کند یا آنکه امتیاز بدهد. مسلم باید گفت که چنین دولتی باید حتماً خودش راه را درست کند. زیرا راه يك موردی نیست که قابل استفاده باشد. بعضی چیزها است که برای هر دولت الزام آور است و باید برای فواید و استفاده عموم دائر شود یکی از آنها راه است. در تمام دنیا این اصل مسلم شده که راه باید بخرج و عوائد عمومی ساخته شود و مجاناً برای استفاده عمومی واگذار شود. این هیچ محل کلام نیست.

حالا ما چه مانعی داریم؟ يك مانع داریم که بی پولی است اگر ما پول پیدا کنیم که خودمان راههای شوسه خودمان را می‌سازیم آیا نمایندگان معترض هیچ تصویب نمی‌کنند که امتیاز راه سازی داده شود گمان می‌کنم تصویب نمی‌فرمودند و اینکه حالا تصویب میکنند و حاضرند که تشویق بکنند سرمایه اشخاص در این قبیل مؤسسات خرج شود برای چیست؟

بنظر بنده این امتیاز موضوعاً لغو است و هیچ وقت هم نمی‌شود يك سرمایه برای برای آن تدارک کرد. هیچکس هم پیدا نمی‌شود که برای يك چیز هم مجهول پول بدهد بنده يك دفعه دیگر نظر آقای وزیر فواید عامه را باین نکته جلب می‌کنم. خود ایشان که نادی این بودند که باید راهها ساخته شود و بالاخره این شخص ایرانی است یعنی بنده تنها این ایرانی را دیدم که آمده است اینجا و بیکهانه هم گرفته است توی این شاه آباد و بضاعت استر آبادش را هم فروخت باین امید. حالاً امدواری او چیست؟

مقتضی است که نمایندگان دولت باید در این باره با دلیلی مستندی داشته باشد بخودش منتقل کند؟ بنده تصور نمیکنم این مدت منتظر چهار ساله ایشان هم هیئت بوده امتیازش هم لغو خواهد بود.

وزیر فواید عامه - نماینده معترض بدو شق که بنده عرض کردم توجه نفرمودند و فقط مورد استناد خودشان پت شق عرض بنده را قرار دادند.

صورتی که (چنانچه عرض کردم تکرار می‌کنم) مطلب دو شق دارد دو مورد دارد. آقایان نمایندگان معترض تصدیق این را دارند که اساساً دادن امتیاز راه غلط است؟ بنده باینکه بنده دادن امتیاز راه غلط است. بکنفرانز نمایندگان - معلوم نیست. وزیر فواید عامه - اجازه بدهید آخر هر بهی یا هر خوبی نسبی است. مطلق نیست. وقتی که بنده عرض میکنم دادن امتیاز راه بدست درجه مورد است؟ ممکن است يك دولتی باشد که خودش پول داشته باشد و

آنوقت موقع دل بخواهد دولت است. و این وقت است که سرمایه دولت کافی باشد. پس این یکی از شقوقی است که حتماً باید در قانون پیش بینی شود که هر وقت دولت پول داشت که راه را بخرد مطلقاً می‌تواند از صاحب امتیاز خریداری کند.

يك مورد دیگر هم هست که آن مورد بنفع صاحب امتیاز است و باید پیش بینی شود. خوب دولت و مجلس شورای ملی تصویب کردند مطابق امتیاز نامه صاحب امتیاز باجی در راه از مسافران اخذ کند. از طرف دیگر راههایی هم هستند راههای دولتی که باج راه امروز گرفته می‌شود ولی بالاخره اگر دولت بگوئی يك وسع مالی پیدا کرد در این خط میل خواهد کرد که باج راهها را موقوف کند در این صورت باستی يك وضعیت عمومی در تمام راههای مملکت پیدا شود ولی آن وقت در قسمت مازندران مردم که می‌خواهند عبور و مرور کنند باید باج بدهند.

این چیزهایی است که بنا بر این در امتیاز نامه باجها برای اینکه از یک طرف دولت نتواند بگیرد چون من می‌خواهم باج راهها را نگاه کنم توهم که صاحب امتیاز هستی باید باج را ملغی کنی و صاحب امتیاز ضرر بخورد و از طرف دیگر برای اینکه در يك مملکت دو ترتیب نباشد باید دولت حق خرید این امتیاز را در هر موقعی که دارائی او اجازه بدهد داشته باشد و باین دودلیل این ماده تنظیم شده است و خیال میکنم این ترتیب نافع هم باشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

بعضی از نمایندگان - کافی نیست. رئیس- رأی می‌گیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

رئیس- معلوم می‌شود کافی است. پیشنهاد آقای شهاب و مواد العاقبه رسیده است اگر اجازه می‌فرمائید بماند برای بعد از تنفس.

بعضی از نمایندگان - صحیح است. ( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید) رئیس- اصلاحات راجع ب ماده بیست و چهار قرائت میشود. (بشرح آتی خوانده شد)

این امتیاز را خریداری نماید. قیمتی که برای خریداری این امتیاز بصاحب امتیاز تادیه خواهد شد عبارت خواهد بود از کلیه مخارج اساسی ساختن راه با اضافه عشر آن پس از وضع مبنی که تا آن تاریخ مستهلك شده است.

بک مورد دیگر هم هست که آن مورد بنفع صاحب امتیاز است و باید پیش بینی شود. خوب دولت و مجلس شورای ملی تصویب کردند مطابق امتیاز نامه صاحب امتیاز باجی در راه از مسافران اخذ کند. از طرف دیگر راههایی هم هستند راههای دولتی که باج راه امروز گرفته می‌شود ولی بالاخره اگر دولت بگوئی يك وسع مالی پیدا کرد در این خط میل خواهد کرد که باج راهها را موقوف کند در این صورت باستی يك وضعیت عمومی در تمام راههای مملکت پیدا شود ولی آن وقت در قسمت مازندران مردم که می‌خواهند عبور و مرور کنند باید باج بدهند.

این چیزهایی است که بنا بر این در امتیاز نامه باجها برای اینکه از یک طرف دولت نتواند بگیرد چون من می‌خواهم باج راهها را نگاه کنم توهم که صاحب امتیاز هستی باید باج را ملغی کنی و صاحب امتیاز ضرر بخورد و از طرف دیگر برای اینکه در يك مملکت دو ترتیب نباشد باید دولت حق خرید این امتیاز را در هر موقعی که دارائی او اجازه بدهد داشته باشد و باین دودلیل این ماده تنظیم شده است و خیال میکنم این ترتیب نافع هم باشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

بعضی از نمایندگان - کافی نیست. رئیس- رأی می‌گیریم آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

رئیس- معلوم می‌شود کافی است. پیشنهاد آقای شهاب و مواد العاقبه رسیده است اگر اجازه می‌فرمائید بماند برای بعد از تنفس.

بعضی از نمایندگان - صحیح است. ( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید) رئیس- اصلاحات راجع ب ماده بیست و چهار قرائت میشود. (بشرح آتی خوانده شد)

شهاب تمام این لایحه را مترادف می‌کند زیرا این حق نسبی است که برای دولت قرار داده میشود در هر آتی ممکن است ده روز دیگر دو ماه دیگر شش ماه دیگر با اینکه هنوز اقدامی نکرده است دولت حق دارد راه را پس بگیرد و گویا صاحب امتیاز این اصلاح را هم قبول کرده است

لکن بقیه بنده لازم است ماده بیست و چهار به همان شکلی که اول بود رأی گرفته شود ولی این طور که آقای وزیر میفرمایند که اگر اصراً بکنید اصل لایحه را استرداد میکنم این يك تهدیدی است برای اینکه من بترسم که مبادا اصل موضوع بهم بخورد و از این برود باین جهت بنده پیشنهاد خود را استرداد میکنم.

رئیس- پیشنهاد دیگری از آقای شریعت زاده رسیده است قرائت میشود (اینطور خوانده شد) اصلاح ماده بیست و چهار ماده ۲۴ در هر موقعی که دولت بالفاء باج و خریداری و اداره کردن کلیه راههای شوسه مملکت تصمیم کند بتواند راههای مورد این امتیاز را خریداری نماید قیمتی که برای خریداری راه بصاحب امتیاز پرداخت خواهد شد عبارت از اصل سرمایه مصروفه برای ساختمان راه با اضافه عشر آن پس از وضع مبنی که تا آن تاریخ مستهلك شده است خواهد بود

رئیس- بفرمائید شریعت زاده - بنده معتقدم که مسئله راه یعنی راههای شوسه باید مورد يك تسهیل عمومی از طرف دولت واقع شود یعنی اگر نباشد دولت راهها را خودش اداره کند و بطور کلی باجها را لغو کند البته مقتضی است که این شرط نوشته شود که صاحب این امتیاز هم مشمول آن تصمیم دولت خواهد بود

والا اگر دولت بخواهد نسبت بآن قسمت بخصوص اقدامی بکند بنده مخالفم و عقیده دارم هر وقت دولت وقت پیدا کند که تمام راههای را خودش بسازد آنوقت نسبت باینراه هم همین طور رفتار خواهد شد و هیچ عیبی هم ندارد و نباید ماده يك حاوری نوشته شود که هر وقت بخواهند بگیرند امروز ما من بخواهیم اینرا از شما مسترد کنیم در قانون مربوط براه هم يك چیزهایی را نمیشود نوشت برای اینکه ممکن است نسبت بیک فرد بخصوص تحمیلانی بشود در این باب هم بنده معتقدم که يك نظریه کلی باید در نظر گرفته شود و اگر دولت نسبت بکلیه راهها اینکار را کرد این قسمت هم مشمول آن خواهد بود والا خیر

رئیس- آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب آقای شریعت زاده اظهار کردند که دولت در صورتیکه بتواند تمام راهها را در دست بگیرد آنوقت حق دارد که اینراه را هم از صاحب امتیاز بخرد.

بعد از اینکه آقای وزیر این مسئله را عنوان کردند و بنده هم سیاست این مسئله را عرض کردم که دولت ناظر ب حفظ حقوق جامعه است و بیک راه مخصوصی را در نظر گرفته است که میخواهد از نقطه نظر سیاست خودش در دست بگیرد ما نمیتوانیم بگوئیم ناوقتیکه تمام راهها را خودش در دست نگرفته است حق ندارد اینراه را در دست بگیرد. چرا؟

برای اینکه در بعضی موارد لازم میشود که دولت يك راهی را که هیچ رابطه باجانی ندارد خودش در دست بگیرد و ما نمیتوانیم سیاست دولت را منحصر کنیم و بگوئیم این سیاست وقتی صحیح است که دولت تمام راهها را در دست بگیرد آنوقت میتواند اینرا هم خودش در دست بگیرد و پیشنهادی که آقای آقا میرزا شهاب کردند آن آقای وزیر و منخر هم قبول کردند. آن پیشنهاد هم حفظ حقوق دولت و هم حفظ حقوق صاحب امتیاز هم قبول کرده است و صاحب امتیاز هم عاقل و بالغ و کامل است و عقیده بنده این است که ما نسبت ب منافع جامعه باید بیشتر ملاحظه داشته باشیم

وزیر فواید عامه - معض اطلاع آقایان نمایندگان عرض میکنم این ماده که آقای آقا میرزا شهاب پیشنهاد فرمودند و تبصره که اضافه شده است با مشورت صاحب امتیاز رضایت خود او بود. است که آقای دادگر تهیه کرده بودند و آقای آقا میرزا شهاب اصلاح عبارتی کردند تا بر این خود صاحب امتیاز باین ترتیب رضایت و مصالح او هم کاملاً تأمین شده و از طرف دیگر حق هم برای دولت هست و در حقیقت جامع است و اشکالی ندارد.

رئیس - رأی گرفته می‌شود مقابل توجه بودن پیشنهاد آقای شریعت زاده. آقایان موافقین قیام فرمایند رئیس - قابل توجه نشد. آقای سهراب زاده (بطریق ذیل خوانده شد) بنده ماده بیست و چهار را بطریق ذیل اصلاح میکنم. هر گاه دولت بخواهد راه را اداره نموده و حق العبور را موقوف نماید باید از صاحب امتیاز خریداری نموده و جبران خسارت او را بشاید. رئیس- بفرمائید سهراب زاده - اساساً بنده معتقدم که خود دولت باید راهها را اداره کند و بسازد ولی متأسفانه تا کنون نشده و راه







تخصیص وقوع تخلف بجه ترتیب باید بعمل آید .  
 اگر بگوئیم وزارت مالیه ماه است کاخاطر کرده این صحیح نیست بعقیده بنده موردی که وزارت فوائد عامه بتواند باستناد تخلف ازمواد امتیاز در مقام التاء امتیاز بر آید موردی است که یا صاحب امتیاز از همین حکم استتکاف نماید یا اینکه در نتیجه رسیدگی و صدور حکم از طرف حکما معلوم شد که تخلف وارد شده است و استناد وزارت فوائد عامه بآن تخلف موقوف قانونی دارد از این نقطه نظر است که بنده این ماده الحاقیه را پیشنهاد کردم و تصور میکنم قابل موافقت باشد  
 وزیر فوائد عامه - این پیشنهاد آقای شریعت زاده يك عیبی دارد در صورتیکه مقصودشان تأمین شده است و عیبش این است که اگر بای نخواند مطالب را بحکمیت موکول کنند حتی آن دو ماه یا یکماه موقیمه برای حکمیت مقرر شده است - باب تأخیر اینکار میشود  
 در صورتیکه اصل مقصود ایشان اینست که نسبت بصاحب امتیاز يك تجاوزی نشود قصد دیگری که ندارند ؟ ماده ۲۲ و ۲۳ توأم این مقصود ایشان را کاملاً تأمین کند و هیچ احتیاج باین پیشنهاد نیست . ماده بیست و دوم جزای عدم اجرای مواد این امتیازنامه است چه جزائی دارد عدم اجرای مواد این امتیازنامه بطالان با وجود این بطور قطع نیست میگوید باید فلاحاً اظهار شود و بازم مهلتی برای جبران گذاشته است بگناه هم مهلت گذاشته اند که اگر صاحب امتیاز تخلفی را جبران کرد باز آن مورد استعمال جزا قوت میشود . آری در مواردی که خود صاحب امتیاز هم اذعان کرد که تخلفی از امتیازنامه کرده آقایان هم باید بحکمیت مراجعه شود ؟ از دو حال خارج نیست یا اخطاری را که دولت کرد صاحب امتیاز قبول میکند یا اینکه اگر قبول کرد که محتاج بحکمیت نیست زیرا خود طرف قبول دارد اختلافی در بین نیست که مراجعه بحکمیت شود و اگر قبول نکرد مراجعه بماده ۲۳ میشود ماده ۲۳ چه میگوید ؟ میگوید : هرگونه اختلافاتی راجع بمسائل مربوطه بمواد این امتیازنامه بین دولت و صاحب امتیاز تولید گردد موضوع اختلاف بدو نفر حکم که یکی از طرف امتیاز تعیین خواهد شد مراجعه میشود و تخلفی از امتیازنامه کرده اید صاحب امتیازی گوید غیر من تخلف نکرده ام اینطور اختلاف میشود آنوقت طرفین باید فوراً بحکم مراجعه کنند و هر يك از طرفین که در تعیین حکم استتکاف کرد فوراً حق خودش را از دست داده و باطل کرده است این دو ماده دیگر این پیشنهادها مورد

نماد جز اینکه دائره را محدود تر میکند یعنی اگر هم قبول کند که تجاوز و تخلفی کرده است باز مطابق پیشنهاد سرکار مجبور است قضیه بحکمیت رجوع شود در صورتی که لازم نیست  
 رئیس - آقایانیکه ماده الحاقیه پیش نهادی آقای شریعت زاده را قایل توجه میدانند قیام فرمایند  
 (چند نفر قیام نمودند)  
 رئیس - قابل توجه نشد ماده الحاقیه آقای تقی زاده  
 (بشرح آتی خوانده شد)  
 پیشنهاد میکنم بشکل ماده الحاقیه علاوه شود  
 انتقال این امتیاز بیک دولت خارجی نیز در حکم انتقال و سایر معاملات مذکور در ماده ۷ خواهد بود  
 رئیس - آقای تقی زاده  
 (اجازه)  
 تقی زاده - توضیح مفصل لازم ندارد وقتیکه در ماده ۷ مقرر میشود بنده خواستم این پیشنهاد را بکنم موقع قوت شعبه یعنی رای دادند و گذشت  
 چون فقط لفظ اتباع خارجه نوشته شده بود و شاید مشکوک باشد که بدولت خارجه هم شامل میشود لهذا برای توضیح این مطلب را پیشنهاد کردم  
 وزیر فوائد عامه این مطلب صحیح است و گمان میکنم از طرف کمیسیون هم قبول شود طبیعی است وقتی صاحب امتیاز حق نداشته باشد اتباع دولت خارجه انتقال بدهد بدول خارجه بطریق اولی حق نخواهد داشت  
 مخیر - صحیح است قبول میکنم .  
 رئیس خوب رای گرفته میشود (رای قطعی)  
 آقایانیکه این ماده الحاقیه را تصویب می کنند قیام فرمایند  
 (اغلب قیام نمودند)  
 رئیس تصویب شد  
 بقیه مذاکرات بمیانند . برای جلسه بعد .  
 شبر شمه اول راجع بنایندگی آقای آفاسید علاءالدین قرائت میشود  
 آقای روحی مخیر شعبه احضار و ریاست منزه بود را بشرح ذیل قرائت نمودند  
 خبر از شعبه اول بمجلس شورای ملی .  
 انتهابات ایوانکی - خواهر و برادر در تاریخ نهم شوال ۱۳۴۱ بامر وزارت داخله شروع و نسبت ایوانکی در غرضی قنده ۱۳۴۱ بانتهای رسید .  
 سپس انتهابات خواهر در روز نهم ربیع الثانی ۱۳۴۱ آغاز در غرض جمادی ایثانی همان سال انجام یافت  
 بعداً انتهابات ورامین از ششم رمضان ۱۳۴۲ شروع و جریانات قانونی خود را تا

بیست و نهم شوال ۱۳۴۲ ادامه داده در این بین انتهابات قسمت اخیراً ذکر مصادف با استقرار حکومت نظامی گردیده و بقیه انتهابات آنجا را قهراً دچار وقفه و تعطیل گشته  
 بنا بر این وزیر وزارت داخله از اعطاء اختتام باین ماده انتهابات ورامین حکومت نظامی را در آن صغحه از چهاردهم رمضان ۱۳۴۳ بکلی ملغی و جریانات قانونی انتهابی آن حدوداً در تانی امر شروع داده و در چهارم ذی قنده ۱۳۴۳ کایه انتهابات ورامین کلیه آراء خود را برای امر شروع داده و در چهارم (اعتدال اسلام) با اکثریت چهار هزار و شصده و شانزده رای نمایندگان ایوانکی و خواهر ورامین انتخاب و معیت شده اند .  
 شعبه اول بامراجعه بدوسیه انتهابات قسمت و نمایندگان آقای آقا سید علاءالدین را تصدیق نموده از نظر صلاحیت شخصی و سابق خدمات مهمه اجتماعی و آزادی خواهی معظمه را با بوکالت آن حوزه بمجلس شورای ملی معرفی مینماید .  
 رئیس - آقایانیکه نمایندگان آقای آفاسید علاءالدین را تصویب می کنند قیام فرمایند .  
 (اغلب برخاستند)  
 رئیس - تصویب شد .  
 دو فقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است آنهم باید تکلیفش معلوم شود  
 (باین مضمون قرائت شد)  
 آقای شیروانی نماینده محترم مشروحه بمجلس شورای ملی عرض اظهار نموده اند که چندین سال است از اصفهان و مان خود دور هستم و نظر بلزوم سرکشی ببلایه جات و بستگان خود و نظر باینکه این اوقات مضاف با ایام تابستان و ماه معرم میباشد و غالباً مجلس تعطیل و کارهای مهمی در جریان نیست استادهای ۲ ماه مرخصی نموده اند که در ظرف دو ماه امورات موقوعه خویش را انجام داده مراجعت نمایند کمیسیون عذر ایشان را بمورد نداشته از پنجم تیر ماه لغایت شهریور ماه تصویب می نماید .  
 رئیس - آقای شیروانی  
 (اجازه)  
 شیروانی - چون موقع تصویب بتأخیر انتاده است بنده استدعا میکنم ۱۰ تیر ماه رای گرفته شود .  
 رئیس - آقایانیکه مرخصی آقای شیروانی را تصویب می کنند قیام فرمایند  
 (اغلب قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد .  
 آقای میرزا سلیم خان ایزدی نماینده محترم بواسطه گسالت مزاج برای معالجه از مجلس شورای ملی درخواست ۴ روز

مرخصی نموده اند که از پنجم تیر ماه ابتدای مرخصی شان محسوب بشود کمیسیون تقاضای ایشان را مشروع دانسته تصویب می نماید .  
 رئیس آقایانی که مرخصی چهار روز را از آقای ایزدی را تصویب میکنند قیام فرمایند .  
 (اغلب قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد . دستور روز سه شنبه اولاً .  
 راجع برآمدن رزمندگان که بکمیسیون مراجعه شده است اگر راپریش حاضر شده باشد .  
 تانیا شور دوم کمیسیون فوائد عامه راجع بانغاء منع صدور پوست بره  
 تانیا شور اول خبر کمیسیون فوائد عامه بفرمایند : مدت  
 وزیر مالیه - يك لایحه از طرف دولت تقدیم مجلس شورای ملی می کنیم راجع بتصویه مطالبات متفرقه والا حضرت ولایت مهد که يك ترتیبی برای آن اتخاذ شود و همچنین لایحه اعتبار لک و دوازدهم راجع به خرداد و تیرماه تقدیم میشود  
 رئیس - آقایانیکه خرداد و تیرماه تقدیم میشود قیام فرمایند .  
 (اغلب برخاستند)  
 اصلاح ماده ۳۶ نظامنامه داخلی را کمیسیون مبتکرات پیشنهاد فوریت کرده است تقاضا میکنم جزء دستور جلسه آید شود  
 رئیس - راجع بقابل توجه بودنش می فرمایند ؟  
 اشکر - بلی  
 رئیس - مخالفی ندارد ؟  
 گفته شد خبر  
 آقای رضوی .  
 اجازه  
 رضوی - لایحه پوست بره که از طبع درآمد تقاضا میکنم جزو دستور جلسه آید  
 بعضی از نمایندگان - جزو دستور شد .  
 رئیس - آقای روحی  
 اجازه  
 روحی - بنده میخواستم از کمیسیون فواین مالیه راجع بقانون میزبانی ایران کرده باشم در این موقع نمایندگان از مجلس خارج میشدند  
 روحی - اجازه می فرمایند جلسه دیگر عرض کنم  
 مجلس در دقیقه قبل از ظهر ختم شد  
 رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا منشی  
 د کتر احتشام طباطبائی منشی

**جلسه یکصد و هشتاد و هشتم صورت مشروح مجلس سه شنبه نهم تیر ماه مطابق هشتم ذیحجه سنه ۱۳۴۴**  
 مجلس ۳ ساعت قبل از ظهر برپاست آقای حسین خان پیرنیا تشکیل گردید . صورت مجلس یکشنبه هفتم تیرماه را آقای آقامیرزا شهاب قرائت نمودند  
 رئیس - آقای تقی زاده  
 (اجازه)  
 تقی زاده - قبل از دستور عرض دارم  
 رئیس - آقای دکتر محمدخان مصدق د کتر محمدخان مصدق - قبل از دستور عرض دارم  
 رئیس - آقای شوشتری  
 (اجازه)  
 شوشتری - قبل از دستور  
 رئیس - آقای آفاسید یعقوب  
 آفاسید یعقوب - بنده جلوتر از همه اجازه خواستم ولی در تیر از همه بنده را نوشته اند مندرک قبل از دستور عرض دارم .  
 رئیس - آقای شیروانی  
 (اجازه)  
 شیروانی - قبل از دستور  
 رئیس - آقای نظامی  
 (اجازه)  
 آقای میرزا زاید الله خان نظامی - بنده هم قبل از دستور  
 رئیس - آقای رضوی  
 (اجازه)  
 رضوی - بنده هم قبل از همه اجازه خواسته بودم آخر همه بنده را نوشته اند . بنده هم قبل از دستور عرض دارم  
 رئیس - در صورت مجلس اعتراضی نیست .  
 آقای شیخ عبدالرحمن - بنده عرض دارم .  
 رئیس - بفرمایند  
 آقای شیخ عبدالرحمن - بنده در جلسه قبل برای تکرار کسب اجازه کرده بودم و پس از آنکه آن کار صورت گرفت در آخر جلسه بمجلس حاضر شدم مندرک بنده راجع غائبان نوشته اند .  
 رئیس - از کمیسیون کسب تکلیف برآمد اصلاح میشود  
 آقای تقی زاده  
 (اجازه)  
 تقی زاده - عرضی که بنده خواستم بکنم راجع بانتهای انتهابی است که تقریباً از ۱۰ روز قبل باین طرف در جرائد منتشر شده است در خصوص تلگرافاتی که راجع بمعاملات اسلحه که در زانو واقع شده است رسیده است .  
 این تلگرافات که بطور اختصار بود از آنها این طور استنباط میشود که مطالبی

که در آنجا حل شده است کاملاً مطابق مقصود نمایندگان ایران واقع نشده و نمایندگان ایران را ضعیف نموده اند . حتی تلگرافاتی که است که نمایندگان ایران عهدنامه بین المللی را امضاء نکرده و از مجلس خارج شده اند . اگر چه اطراف مسئله برای بنده شخصاً روشن نیست و بیش از آنچه که در جرائد منتشر شده است چیزی مسیوق نیست ولی چون راجع باین مسئله در افکار عامه يك تلگرافی موجود شده است  
 نمایندگان - صحیح است  
 وشکی هم ندارم که نگرانی آقایان نمایندگان در مجلس کمتر از نگرانی مردم در خارج مجلس نیست  
 نمایندگان - صحیح است  
 تقی زاده - ما با وجود اینکه اطراف مسئله روشن نیست ولی این نکته که نمایندگان ایران از مجلس خارج شده و عهدنامه را امضاء نکرده اند (چون مایک نمایندگان معتقد علیحدت در آنجا داریم) ثابت میکنند که مسئله قابل جدیت مخصوصی است و لازم است نمایندگان ملت در این باب توجه مخصوصی داشته باشند  
 (صحیح است) بنده یقین دارم اگر مجلس در این مدت قلیل سکوت کرده در این خصوص اظهار نگرانی کرده است برای این بوده است که می خواسته اند اخبار بیشتری برسد و اطراف مسئله روشن شود نه اینکه نگرانی که در خارج هست در این جانیده بلکه در اینجا بیشتر بوده است حالا که ان میکنم وقت آن رسیده باشد که اگر مجلس صلاح بداند از آقای وزیر امور خارجه تقاضا شود که تشریف بیارند و توضیحات مقتضی در این باب در مجلس بادر کمیسیون خارجه بدهد . اگر در این باب بنده اظهار می کنم فقط برای این است که آلت اظهار احساسات نمایندگان مجلس واقع شود و مکتوبات قلبی عموم آقایان را بزبان بیارم و وشکی ندارم که فرد فرد آقایان همین مکتوبات و همین تقاضا را دارند  
 نمایندگان - صحیح است  
 رئیس - برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم که از طرف جمعی از نمایندگان سئوالی از آقای وزیر امور خارجه شده . بنده هم به ایشان ابلاغ کرده ام البته برای دادن جواب حاضر خواهد شد  
 آقای دکتر محمدخان مصدق  
 (اجازه)  
 دکتر محمدخان مصدق - بنده هم میخواستم در همین زمینه که نماینده محترم آقای تقی زاده بیان فرمودند عرض بنمایم و لازم می دانم نسبت بفرمایشیکه ایشان فرمودند قدری توضیح بدهم در روزیکه شنبه سوریکم خرداد که مطابق بود با درج اخباریکه در جرائد راجع بمذاکرات

کنفرانس منتشر شده بود بنده در مجلس آمدم در خارج مجلس تمام آقایان نمایندگان را بحالت تأثر و غم و اندوه دیدم بعد يك تفراز آقایان محترم اظهار کرد که از پاریس تلگراف تبریکی برای موقیبت اعضاء کنفرانس بیکی از نمایندگان محترم رسیده است . این خبر تاحدی در بعضی از آقایان نمایندگان محترم اثر خوشی کرد و بنده لازم دانستم که خودم آن تلگراف را ملاحظه کنم و از نماینده محترم تقاضا کردم و تلگراف را گرفته و قرائت کردم ولی درست بر بنده معلوم نشد که این تلگراف مربوط بموقیبت هائی است که نمایندگان دولت در قرارداد سن زرمین تحصیل کرده اند یا مربوط بموقیبت هائی است که بعد از این قضایای اخیر در جرائد شده حاصل شده است روز سه شنبه گذشته هم بنده خواستم در این باب عرضی بکنم چون نوبت بنده نرسید عرض نکردم .  
 ظن قوی دارم که اگر شخص محترم رئیس دولت در طهران تشریف داشتند تا کنون این عمل هم متفرضه سن زرمین که بنفع دولت ایران تمام شد تمام می شد امروز این جا تشریف ندارند ولی با انتظاری که همیشه ما جدیت ایشان داریم امید داریم وقتی که تشریف آورده شخصاً اقدامات لازم بفرمایند و با اعتمادی که ما بدولت نمایندگان دولت داریم لازم میدانم که کمیسیون خارجه بانمایندگان دولت طرف مذاکره شده و نمایندگان کان را (که جز اخباری که در جرائد منتشر شده اطلاع نداریم) کاملاً از حقیقت مطلب مطلع فرمایند .  
 ما همه وطن خودمان را دوست داریم و همه در مصالح مملکت کوشش داریم و هر وقت که واقعه واقع شده و فی الجمله خدشه نسبت بمصالح مملکت واقع شده همیشه بایک جدیتی در مصالح مملکت اقدام کرده ایم و امیدوارم در هر قضیه که واقع شود اقدامات خودمان را بکنیم و خداوند هم با ما کمک کند .  
 جمعی از نمایندگان - دستور .  
 رئیس - وارد دستور شویم ؟  
 آقا سید یعقوب - اگر کسی بخواهد حرف دیگری بزند نباید بگوید .  
 رئیس - خبر کمیسیون فوائد عامه راجع برآمدن رزمندگان است .  
 قرائت میشود .  
 (بشرح ذیل قرائت میشود)  
 ماده سوم - صاحب امتیاز متعهد میشود که از تاریخ مبادله این قرارداد در ظرف سال اول شروع بعملیات راه سازی نموده و منتهی تا مدت سه سال بعد از تاریخ مبادله قرارداد راه مزبور را با تمام پیمانها و سایر

وزارت فوائد عامه بیش از دو ماه تصویب نقشه مذکور در ماده دوم را بتأخیر بیندازد مدت اضافی بر سه سال محسوب خواهد شد .  
 رئیس - مخالفی ندارد ؟  
 بعضی از نمایندگان - خیر .  
 رئیس - رای گرفته میشود . ماده دوم آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند .  
 (اغلب قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد .  
 ماده پنجم .  
 (بشرح ذیل خوانده شد)  
 ماده ۵ - هر گاه قبل از شروع بعمل یا در ضمن اشتغال بان صاحب امتیاز تصور نماید که بواسطه وجود فورس مازور شروع بساختن راه مزبور با ادامه آن ممکن نیست باید کتباً مراتب را بوزارت فوائد عامه با ذکر دلائل کافی اطلاع دهد .  
 وزارت خانه مزبور منتهی در ظرف يك ماه بعد از وصول مراتب صاحب امتیاز وجود فورس مازور را کتباً تصدیق یا تکذیب می نماید .  
 در صورت اول بنسبت مدتی که فورس مازور برقرار است بر مهلت شروع بکار یا اختتام آن افزوده خواهد شد .  
 چنانچه در مجموع مدت امتیاز قوه قهراً (فورس مازور) بیش از یکسال مانع استفاده صاحب امتیاز شود و مورد تصدیق دولت نیز واقع گردد مدت اضافه بر یکسال بر مدت امتیاز افزوده خواهد شد .  
 رئیس - ماده پنج مغالط دارد یا نه ؟  
 يك نفر از نمایندگان - خیر .  
 رئیس - رای گرفته می شود آقایانی که ماده پنج را تصویب می کنند قیام فرمایند .  
 (اغلب قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد . ماده یازده قرائت می شود .  
 (اینطور خوانده شد)  
 ماده ۱۱ - صاحب امتیاز مجاز است که پس از ساخته شدن نصف هر يك از راهها بطوری که وزارت فوائد عامه تصدیق نماید حق العبوری متناسب با تمام تمییرات راه و اداری آن مطابق تهره که با موافقت وزارت فوائد عامه تنظیم خواهد شد برای عبور از قسمت ساخته شده در باب داردولی میزان حق العبور بجهت از حق العبور طرق شوسه دولتی تجاوز نخواهد کرد .  
 تبصره - ساکنین دهات اطراف راه برای سپردن فرسخ در راه مزبور تأدیبه حق العبور معاف خواهند بود .  
 رئیس - آقای نظامی  
 (اجازه)  
 آقای میرزا زاید الله خان نظامی - بنده در ماده یازده يك پیشنهادی تقدیم کرده بودم



ومخالف هم نیستم فقط يك اصلاح عبارتی دارم .  
 دراول ماده مینویسد : « ساکنین دهات البته آقایان تصدیق میفرمایند که ساکنین دهات حق العبور نخواهند داد و هیچ مانعی ندارد که اضافه شود .  
 دواب ساکنین دهات اطراف راه .  
 در قسمت دوم هم که نوشته شده است برای سیر دوفرسخ در راه مزبور از نادیه حق - العبور معاف خواهند بود .  
 خوبست علاوه شود در هر راه در خانه که اسباب زحمت برای ساکنین فراهم نشود و پیشنهائی هم تقدیم کرده ام که بعضی آقایان میگرد .  
 رئیس - آقای دامغانی (اجازه)  
 دامغانی - اصلاح عبارتی که آقای نظامی در نظر داشتند گمان میکنم مورد نداشته باشد  
 زیرا حق العبور را ساکنین میدهند برای دواب خود . دواب که حق العبور نمی دهند .  
 علاوه این مسئله واضح است و از قبیل واسطو القریه است یعنی اهل قریه .  
 ساکنین دهات حق العبور میدهند برای دواب والا خود دواب که حق العبور بدیده نیستند  
 ولی نظری که بنده در این تبصره دارم اینست که از بندرجز تا دامغان یا تا ستر آباد یکی هفت فرسخ و یکی هجده فرسخ راه است و بنده هم تصدیق میکنم که ساکنین اطراف این راه برای حوایج شخصی در هر موقع عبور از این راه باید از پرداخت حق العبور معاف باشد  
 ولی در موقع حمل و نقل مال التجاره باید حق العبور را بدهند زیرا اگر دو فرسخ دوفرسخ معاف باشند طول راه که هفت فرسخ است ممکن است دوفرتراول کنند یکی بیاید مال التجاره را دو فرسخ بیاید و بپردازد و دیگری ببرد منزل و این باعث خسارت برای صاحب امتیاز میشود بلی اگر ساکنین اطراف راه برای حوایج شخصی تا دوفرسخ در این راه عبور کنند باید معاف باشند  
 ولی اگر بخواهد مال التجاره وارد و صادر کند باید حق العبور را بپردازد و اگر معاف باشند تصور میکنم لطمه باین راه وارد آید و حق العبوری هم در بین نخواهد بود پیشنهادی هم عرض کرده ام  
 مخبر - بنده گمان میکنم آقای دامغانی موافقت و بستی هم بعد از یک مخالف اظهار عقیده میکنند  
 لیکن ایشان مخالف بودند بلکه مخالفتر .  
 این احتمالاً تیکه آقای دامغانی دادند البته صحیحست و طریق احتمالی را نیشود مسعود کرد

اگر ایشان یکی از طرق احتمالات را بیان کردند ممکن بود مثلا اگر بنده میشدم چندین احتمال دیگر هم اظهار دارم .  
 اینجاما بطور کلی سائل شده ام که ساکنین دهات اطراف این راه اگر زیك دهی بده دیگر برود با دو فرسخ معاف باشند .  
 شما میفرمائید ممکن است جمیع اهالی دهات اطراف را بترانی کنند برای عبور دادن چند باره  
 البته تصدیق میفرمائید برای این تباری سابقه فصلی لازمست که از این ده ببرد بده دیگر و از آنجا دیگری بیاید ببرد بده دیگر تا بقصد برساند  
 این کار طبیعی نیست و هاد تا هیچوقت چنین اتفاقی نخواهد افتاد و مطالب خیلی مکشوف و واضح است و مقصود اینست که اهالی بین راه آزادانه بتوانند عبور و مرور کنند .  
 رئیس - آقای دستغیب (اجازه)  
 دستغیب - بنده عقیده ام این است که عبارت قانون هر چه صراحتش بیشتر باشد بهتر است آقای دامغانی و آقای کلزونی فرمودند مخالف بودند در قسمت آخر شاید مخالف بودن بولی در قسمت اول بتوان موافق حرف زدند و داخل کردند مطالب را در ادبیات و بنده عقیده ام اینست که عبارت قانون نباید ادبی باشد یعنی چیزی درش مخفی و مستتر باشد  
 البته در ادبیات و در عبارات برای فصاحت و بلاغه ممکن است یکی کلمه مخفی و مستتر باشد  
 ولی عبارت قانون را عقیده دارم که باید بصراحت نوشته بهترین دلیل هم فرمایش خود آقای دامغانی است  
 برای اینکه در تبصره يك عبارتی فرمودند که ساکنین اطراف راه معینش اینست که دواب ساکنین اطراف راه گمان میخواستند بفرمانند که دواب در اینجاما مستتر است و بعد در تبصری که فرمودند اینطور فرمودند که عبارت طوری اداء شود که معینش این است که در دواب چیزهایی که میخواهند حمل و نقل کنند آنها معاف باشند و از آن حق العبور نگیرند و همین فرمایش حاکی است که از این عبارت بالصراحت چیزی فهمیده نمیشود .  
 بنده با آن فرمایش اولشان مخالفم زیرا عبارت باید بالصراحت نوشته شود که در موقع عبور دواب ساکنین اطراف راه باید ازدادن حق العبور معاف باشند یعنی همان عبارتی که آقای نظامی فرمودند همان طرز نوشته شود .  
 اما در فرمایش بعدشان که فرمودند اگر چنانچه ساکنین اطراف راه نادو فرسخ معاف باشند کسیکه امتیاز گرفته است استفاده نمیرد بده بعد عقیده بنده اولاً دو فرسخ هم کم است و باید سه فرسخ باشد و تقریباً این اندازه حریم خانه اهالی اطراف می شود و اگر بنا باشد از آن استفاده نکنند چیزی غیر بی می شود  
 با اینکه خود آقای اهل آنجا هستند میکنم و از حقیر هم ذینفع ترند عقیده دارم ایشان مخالفت نکنند و دوفرسخ هم کم است باید سه فرسخ باشد و بالصراحت هم نوشته شود دواب ساکنین راه  
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)  
 آقا سید یعقوب - در این ماده عرضی ندارم .  
 مذاکرات هم گفتمی است  
 رئیس - آقای عراقی (اجازه)  
 عراقی - عرضی ندارم  
 بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .  
 رئیس - پیش نهاد آقای نظامی قرائت میشود .  
 (بشرح ذیل قرائت شد)  
 بنده - پیشنهاد میکنم تبصره ماده یازدهم بترتیب ذیل اصلاح شود  
 تبصره - دواب و احشام ساکنین دهات اطراف راه برای سردر در راه دارخانه دوفرسخ از نادیه حق العبور معاف خواهند بود .  
 مخبر - بنده فقط می توانم يك قسمت پیش نهاد ایشان را قبول کنم دواب ساکنین دهات اطراف را قبول می کنم ولی بقیه را نمی توانم بپذیرم .  
 رئیس - آقای نظامی (اجازه)  
 آقا میرزا یزدان خان نظامی عرض کرد که در این دو فرسخ در راه دارخانه باشد در خارج هم به ایشان عرض کرد که اگر اینطور باشد مستلزم این است که شش فرسخ معاف باشد ملاحظه بفرمائید سه راه دارخانه در نظر بگیرند يك فرسخ دروازه دارخانه اول حرکت کرده آمد از راه دارخانه دوم هم گذشت و تا يك فرسخ راه دارخانه سوم مانده رفت اگر يك قدری دقت بفرمائید چنانچه در خارج هم خودتان تصدیق فرمودید باین ترتیب شش فرسخ راه از نادیه حق العبور معاف بوده است در صورتی که این راه هفت یا هشت فرسخ بیشتر نبوده  
 بلی بنده هم خیلی میل دارم در هم راه ها از نادیه حق العبور معاف باشند ولی این می شود این جمع بین الضمین است .  
 اگر طرف صاحب امتیاز اسباب زحمت ساکنین اطراف راه فراهم شود .  
 اغلب دهات اطراف بزرگاری دارند وقتی که می خواهند از این طرف برود آن طرف زراعت کند چوب کدائی که آقایان ملاحظه فرموده اند جلو آن میل را می گیرند آنجا حاضر است جلوس را می گیرد هر چه داد و فریاد میزند که می خواهم بروم فرسخ باشد گوش بصرف اونمی دهند .  
 بنده مخالف با صاحب امتیاز

میزند که می خواهم بروم خرمتم را بر چنین گوش بصرف اونمی دهند .  
 بنده مخالف با غرض صاحب امتیاز ندارم .  
 برای اینکه این اول قدمی است که این شخص می خواهد برای سادات مملکت بردارد .  
 چه در خوب بود که تمام ایرانی ها حاضر بودند يك هم چو خدمتی بکنند . ولی برای خاطر يك نفر صاحب امتیاز نمی شود يك عدد را بزحمت انداخت و گمان نمیکنم خودش هم حاضر باشد .  
 علاوه همانطور که آقای دست غیب فرمودند این راه راه آنها است حریم خانه آنهاست سزاوار نیست که آقایان نمایندگان معترم برای آنها در موقع عبور باجی معین کنند .  
 از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم حالا بنده است بنظر آقایان معترم که رأی بدهند یا نه دهند .  
 مخبر - اولاً ساکنین طرفین راه اگر در موقع عبور از راه بخواهند از ایشان حق العبور بگیرند مجبور که نیستند ممکن است يك وجب فاصله از کنار راه بروند حق العبور هم ندهند .  
 بنده بطور کلی و علی الاصول عرض می کنم که يك راهی با يك مخارجی شوسه شده مردم که از آنجا عبور می کنند باید برای استهلاك سرمایه و مخارج عادی این راه يك حقوقی به پردازند و دلیلی هم برای استثناء نیست معذرتاً ما برای ساکنین طرفین راه تا دوفرسخ را قائل شدیم که معاف باشند .  
 میفرمایند که این دو فرسخ در راه دارخانه باشد در خارج هم به ایشان عرض کرد که اگر اینطور باشد مستلزم این است که شش فرسخ معاف باشد ملاحظه بفرمائید سه راه دارخانه در نظر بگیرند يك فرسخ دروازه دارخانه اول حرکت کرده آمد از راه دارخانه دوم هم گذشت و تا يك فرسخ راه دارخانه سوم مانده رفت اگر يك قدری دقت بفرمائید چنانچه در خارج هم خودتان تصدیق فرمودید باین ترتیب شش فرسخ راه از نادیه حق العبور معاف بوده است در صورتی که این راه هفت یا هشت فرسخ بیشتر نبوده  
 بلی بنده هم خیلی میل دارم در هم راه ها از نادیه حق العبور معاف باشند ولی این می شود این جمع بین الضمین است .  
 اگر طرف صاحب امتیاز اسباب زحمت ساکنین اطراف راه فراهم شود .  
 اغلب دهات اطراف بزرگاری دارند وقتی که می خواهند از این طرف برود آن طرف زراعت کند چوب کدائی که آقایان ملاحظه فرموده اند جلو آن میل را می گیرند آنجا حاضر است جلوس را می گیرد هر چه داد و فریاد میزند که می خواهم بروم فرسخ باشد گوش بصرف اونمی دهند .  
 بنده مخالف با صاحب امتیاز

وئیس - رأی گرفته می شود به قابل توجه بودن پیش نهاد آقای نظامی .  
 يك نفر از نمایندگان پیش نهاد مجدداً قرائت شود .  
 (بشرح سابق قرائت شد)  
 رئیس - آقایانی که این پیش نهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند .  
 (اغلب برخاستند)  
 رئیس - قابل توجه شد . آقای بیات  
 پیش نهاد جنابعالی خوانده شود  
 مرتضی قلیخان بیات - چون این پیش نهاد قابل توجه شد بنده پیش نهاد خود را مسترد می دارم .  
 رئیس - پیش نهاد آقای سهراب زاده چه طور ؟  
 سهراب زاده - بنده هم مسترد می دارم .  
 رئیس - پیش نهاد آقای دامغانی .  
 (بشرح ذیل قرائت شد)  
 در تبصره ماده « پیش نهادی که بنده از جمله معاف خواهم بود نوشته شود .  
 (مشروط باین که معمولات آنها مال التجاره صادر بخارج یا وارد از خارج نباشد .  
 مخبر - بنده قبول میکنم .  
 رئیس - ماده مراجعه می شود به کمیسیون .  
 کمیسیون - تبصره ماده شش می شود به شیروانی - بنده باین پیش نهاد مخالفم .  
 رئیس - مخبر قبول کردند . ماده مراجعه می شود بکمیسیون وقتی که از کمیسیون بر کشت بمجلس در موقع رأی قطعی آن وقت مخالفت کنید .  
 تبصره ماده پنج که فراموش شده بود قرائت شود ماده شش می شود .  
 وزیر موافقت نامه - اجازه میفرمائید؟  
 این پیش نهاد که آقای مخبر قبول کردند بر میگردد بکمیسیون  
 رئیس - بلی  
 وزیر قوائد عامه - زیرا خود این پیش نهاد قابل قبول نیست .  
 رئیس - تبصره ماده پنجم بعنوان ماده ششم قرائت می شود .  
 (بشرح ذیل خوانده شد)  
 ماده ششم هر گاه وزارت قوائد عامه در ظرف یکماه دموزد فرس مازرجوایی بصاحب امتیاز نهاد سکوت صاحب امتیاز بمنزله قبول تلقی خواهد نمود .  
 رئیس - مخالفی ندارد  
 بعضی از نمایندگان - خیر .  
 رئیس - رأی می گیریم . آقایانی که این ماده را تصویب می کنند قیام فرمایند .  
 (اغلب قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد . ماده بیست و ششم قرائت می شود .

(اینطور خوانده شد)  
 ماده بیست و ششم - صاحب امتیاز بدون تصویب مجلس شورای ملی حق شرکت با اتباع خارجه نخواهد داشت .  
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)  
 آقا سید یعقوب - این ماده را آقای تدین پیش نهاد کردند و مجلس هم قابل توجه دانست و آمد بکمیسیون . بنده دو سه ماده را عرض آقایان میرسانم و حکمیت را هم بخود آقای تدین واگذار می کنم که پاروچ آن مواد که گذشته است در نقطه نظر علم و فهم آن مواد ببینم این ماده قابل قبول هست یا نه  
 حالاً بنده عرض می کنم از بیانات آقای وزیر قوائد عامه همچو معلوم بود که این راه عبارت از بندرجز بدامغان و بندرجز باستر آباد باشد این راه فوق العاده محل توجه دولت و اعضاء کمیسیون فوائدها بوده است باین معنی که بقدرت و توانائی ملاحظه این راه را از هر جهت . از نظر سیاست و نظریات دیگر در تحت نظر داشته اند .  
 حالا برای خاطر اینکه آدم مار گزیده از رشته سیاه و سفید می ترسد بوده است با برای چیز دیگر در حال اعضاء کمیسیون کاملاً مسئله راه بندرجز باستر آباد در تحت نظر داشته اند بواسطه سوابقی که همه ما داریم و بنده حالا نمی خواهم تکرار کنم از این جهت بنده عرض میکنم برای اینکه در عبارت مواد يك چیزی نباشد که موهم برای یکروز سیاهی واقع نشود بقدر امکان در کمیسیون مواد را تحت نظر گرفته و بقدری که ممکن بوده است از این مسئله احتراز جسته ایم که خدای نخواسته بگفت در وادی هولناکی یافتیم .  
 حالا مسئله را که از راه علمی خواستیم خدمت آقای تدین عرض کنم این است که در ماده اول می گویم مجلس شورای ملی مالک این امتیاز است و این مالک امتیاز را اجازه می دهد سی ساله با آقای علی قلی خان مسعود مالک . پس حق استفاده و مالکیت این امتیاز در ظرف سی سال با اجازه مجلس شورای ملی داده شد به مسعود مالک .  
 موجر کی هست؟ مجلس شورای ملی مستأجر کسی هست ؟ مسعود مالک . اینجا دیگر واسطه در بین نیست مجلس این حق را باو می دهد .  
 بعد در ماده ۶ میگوید این امتیاز به هیچ نوعی از انحاء قابل انتقال نیست .  
 یعنی مجلس حق خودش را منتقل بیک نفر داخلی میکند و همان مجلس هم قانون می گذراند که این امتیاز قابل انتقال نیست .  
 حالا اگر با اجازه مجلس بخواهد این را منتقل کند چه میشود؟ معینش این می

شود که این حق که مجلس بمن داده بود این حق منزل است یعنی اینکه مسعود مالک که مالک این حق بود نصف این حق میخواست از بین برود دیگر مالک مسعود مالک نیست و بر میگردد بهمان مالک اولش مسعود مالک از طرف مجلس مالک این حق شد که غیر قابل انتقال باشد اگر بخواهد انتقال بدهد باید اول کند بمجلس شورای ملی در تحت نظر بگیرد يك امتیاز دیگر بشبه ایران بدهد .  
 مسعود مالک باشد یا غیر او باشد از نقطه نظر فهم ماده و فهم مسئله می خواهم عرض کنم این حق مال مجلس است بعد که داد باو او دیگر نمی تواند بدیگری منتقل کند و اصلان نمیتوان اشتراك بکنند تا اینکه با اجازه مجلس باشد اگر بخواهد این کار را بکنند حقش از بین میرود بر میگردد بمالك اولش مالک اول باید تاسیس شرکته بکنند این بود آن نقطه نظر اساسی که کمیسیون و وزیر در تحت نظر گرفته بودند .  
 بهر جهت از نقطه نظر علمی این مسئله تحت نظر ما آمد حالا بنده بنظر مجلس است و هر طور مجلس حکم کند همانست ولی آن چیزی که بنظر بنده آمد عرض کردم کمیسیون هم با اکثریت رأی داده فقط بنده و آقای مخبر مخالف بودیم و رأی نداریم از این نقطه نظر بود حالا رفع شبهه بنده بشود عرضی ندارم  
 رئیس - آقای رضوی (اجازه)  
 رضوی - بنده میخواستم اضافه کنم که پس از اتباع خارجه يك اتباع داخل هم اضافه کنند چون بنده اینطور بنظر می رسد که ممکنست یکی از اتباع داخل باشد که دولت صلاح نداند این طور از خارج شنیده اند لاف بدهم این است اتباع خارجه و داخل بدون تصویب مجلس حق شرکت در این امتیاز را نداشته باشند .  
 رئیس - آقای تدین (اجازه)  
 تدین - اولاً آقای آقا سید یعقوب تصور کردند که اگر يك پیشنهادی در مجلس می شود از نقطه نظر سوء تعبیر نسبت به واپرتی که از کمیسیون بمجلس می آید یا خدای نکرده توهینی است بطرفند از آن اینطور نیست .  
 مجلس شورای ملی وضع شده برای اینکه مسائل تحت بحث و شور گذاشته شود و هر يك از نمایندگان با کمال بی طرفی آنچه بنظرش میرسد بپیش مجلس رساند و حکومتش با مجلس است بنده این پیشنهاد را که کردم مقصود این نبود که خدای اعضاء کمیسیون نفهمیدند بلکه يك پیش بینی کردم و شاید از نظرشان انتاده است و این يك احتیاطیست زیرا همانطور که آن روز عرض کردم در ماده شش اجازه داده می

شود بصاحب امتیاز که بر طبق قوانین مملکتی ایران با اتباع خارجه شرکت کند و این ماده را هم صاحب امتیاز قبول میکند بنا بر این بعد از تصویب این قانون صاحب امتیاز مجاز است بر طبق قوانین ایران با اتباع داخله شرکته تاسیس بکند و ماده هفت انتقالات این امتیاز را بخارجه منع کرده ولی شرکت ظاهراً غیر از انتقال است اگر چه ممنای توان آن را داخل در انتقالات کرد ولی از نظر ظاهر داخل در انتقال نیست و علاوه يك نکته است .  
 همانطور که آقای ازریسمان سیاه سفید میترسند شاید دیگران هم بترسند خودتان میدانید در کلیه قوانین مهم از اینکه قوانین الهی باشد یا قوانین موضوعه بشری وقتی که نسبت بیک یا چند موضوع نهی صریح داشت و در يك جا سکوت کرده بوده ممکنست از عدم منع صریح استفاده شود و این مجلس این اجازه را (بطوری که آقای فرمودند) در تحت این مواد و شروط باین مستأجر میدهد و میگوید من این حق را که شرکت با اتباع خارجه باشد صراحتاً منع میکنم و بپوشی دوم مگر آنکه در موقعی که میخواهی شرکتی با اتباع خارجه بکنی از من که مجلس هستم اجازه بگیر می توانم تصویب کنم بنا بر این برای اینکه يك روز از عدم منع صریح سوء استفاده نشود چه عیب دارد ضرر ندارد بلکه کاملاً موافق با احتیاط است .  
 رئیس - آقای دستغیب .  
 دستغیب - موافقم .  
 بعضی از نمایندگان - مذاکرات کابینه  
 رئیس - رأی میگیریم ماده بیست و شش که حالا بیست و هفت می شود آقایانی که تصویب قیام فرمایند :  
 (جمعی برخاستند)  
 رئیس - تصویب شد ماده دیگر .  
 (ماده بیست و نه بشرح ذیل خوانده شد)  
 بیست و نه - تاریخ اجرای ماده بیست و شش از ابتدای شروع ساختن راه خواهد بود .  
 وزیر قوائد عامه - چه طور؟ ماده بیست و شش چه (ماده ۲۹ و ماده ۲۶ مجدداً قرائت شد)  
 وزیر قوائد عامه - صحیح است .  
 رئیس - رأی گرفته میشود . . .  
 آقا سید یعقوب - این مخالفت ندارد؟  
 رئیس - اظهاری که نشده است .  
 آقا سید یعقوب - بنده اسم را نوشته ام .  
 رئیس - شما در ماده بیست و پنج ویست و شش مخالف بودید و نوشته اید .  
 آقا سید یعقوب - هم ماده بیست و



پنج است که حالا بیست و شش شده است و بنده هم مغالتم اسم را هم نوشته ام اگر چه رای خواهند داد ولی مخالف حرفش را بزنند.

رئیس - بفرمائید.

آقای سید یعقوب - بنده عرض می‌کنم از نقطه نظر مطالب علمی می‌گویم بعد اگر اکثریت رد کند.

دست‌غیب - صحیح است.

آقای سید یعقوب - بلی صحیح است آقای دست‌غیب این جا مسئله کسود دیگریست.

(خنده نمایندگان)

در این جا این ماده را ما گفتیم بنده و آقای دامغانی و آقای دادگر تماماً گفتیم با صاحب امتیاز صحبت کنیم این پولیست که ما می‌خواهیم از جیب او بکشیم. حالا که ما می‌خواهیم رای بدهیم و قانون بنویسیم که آقا بولت را ببخش بپردازد باید ببینیم حاضر است یا نه؟ سؤال کردیم گفت بعد از آنکه راه تمام شد و حق البور را بخرد.

البته هر کس می‌خواهد در دنیا بهره بردارد باید متحمل خرج بشود و الا نمی‌شود بهره بردارد. حالا که می‌خواهد خرج کند از هر مجلسی که دوست هزار تومان را برای اصل راه تهیه می‌کند این دو هزار تومان را هم تهیه خواهد کرد و گمان می‌کنم برای صاحب امتیاز هم تفاوتی نکند و موافق هم باشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست.

رئیس - رای گرفته می‌شود به ماده بیست و نهم.

آقایانی که تصویب می‌کنند قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده الحاقیه پیش نهادی آقای شریعت زاده.

(بشرح ذیل خوانده شد)

هر گاه صاحب امتیاز در مدت مقرر در این امتیاز ساختمان راه را با تمام نرساند این امتیاز نسبت به قسمتی که ساخته شده معتبر و نسبت به قسمت ناتمام از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

شریعت زاده - عرض کنم علت ندارد که صاحب امتیاز مخارج زیاد و زحمات زیادی را متحمل شود و مقداری زیادی راه بسازد بعد فرضاً دو فرسخ سه فرسخ تا تمام بماند آن وقت از آن قسمت ساخته شده استفاده نکند انصاف نیست.

این مسئله را مخصوصاً اعضای کمیسیون فریاد عامه در مورد الفاء تأیید کردند و ثابت کردند که این عقیده خوبی است یعنی گفتند فراموشی که تا حالا قسمتی از آن اجرا شده معتبر و نسبت به قسمت هائی که اجرا نشده لغو است و البته این صحیح است.

کمیسیون فریاد عامه در مورد الفاء تأیید کردند و ثابت کردند که این عقیده خوبی است یعنی گفتند فراموشی که تا حالا قسمتی از آن اجرا شده معتبر و نسبت به قسمت هائی که اجرا نشده لغو است و البته این صحیح است.

فرض کنیم یک نفر ایرانی در نتیجه زحمات زیادی یک امتیاز گرفته است و زحمانی هم متحمل شده است ولی در موضوع ساختن در تعمیرات اولیه اشتباه کرده است و در تعمیراتی که زده اشتباهی کرده و از سوی دو فرسخ چهار فرسخ ساخته نشده مانده حالا این امتیاز ملغی است!

این که انصاف نیست. حالا چه ضرری دارد که ما بگوییم نسبت به آن بیست و هشت فرسخ که ساخته شده امتیاز معتبر و نسبت به آنچه که باقی مانده ملغی است که اواز آن قسمتی که ساخته است حق داشته باشد اینست که بنده از نمایندگان محترم قاضا می‌کنم که در این باب درست دقت نظر فرمایند و تصدیق فرمایند که در این قانون تحمیلات زیادی بر صاحب امتیاز شده است و تصدیق بکنند که هیچ جایز نیست یک نفر ایرانی با حسن عقیده و حسن

نظری بیاید امتیازی را قبول کند و مخارجی بکند بعد بواسطه یک سوء اتفاق یا سوء تفاهم بیست و هشت فرسخ سی فرسخ را ساخت و دوسه فرسخ را ساخت همه زحمتش از بین برود.

مغیر - آقای شریعت زاده خوب بود آن طرف مسئله راه می‌فرمودند که صاحب امتیاز دو فرسخ را تعمیر میکرد و از بقیه صرف نظر میکرد آن وقت مشغول می‌شد در این دو فرسخ باج می‌گرفت یک قسمت راهی که این آدم بایستی تعمیر و شوسه کند خرابیهایش چندان زیاد نیست و آن نقاطی که محتاج باصلاح است یک نقاطه و دو نقاطه است.

اگر مقصود ما این بود که این آدم را وادار بکنیم یک مقدار راهی را شوسه بکند و بول بگیرد این پیشنهاد البته خوب بود ولی منظور این نیست منظور این است یک راهی که اینطور خراب است ما فرسخ معایش را بکنیم. در هر صورت من گمان نمی‌کنم که آقای شریعت زاده آن وقت نظری که دارنده هم پیشنهادی بکنند.

شریعت زاده - بنده توضیحی دارم وزیر فرمودند که این پیشنهاد گمان می‌کنم منافی با دوسه است که گذشت تقاضا می‌کنم ماده سه قرائت شود.

ماده ۳ - صاحب امتیاز متعهد میشود که از تاریخ مبادله این قرارداد در ظرف سال اول شروع به بنیات راه سازی نموده و قرارداد راه هر روز را با تمام نرساند.

شریعت زاده - بنده پیشنهاد خود را اصلاح می‌کنم اینطور که نوشته شود اگر دولت از راه ساخته شده آن وقت او میتواند از این راه ساخته شده استفاده کند.

رئیس - پیشنهاد اعاده میشود اصلاح کنید. ماده الحاقیه دیگر (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه آقای شوشتری - اهالی استرآباد و بندر جزو دامغان در شرکت مقدم بر سایر اتباع داخله و تاجر مقدار که خواستند شرکت بجویند صاحب امتیاز باید قبول نموده و بر دیگران مقدم شمارد.

رئیس - بفرمائید آقای سید محمدعلی شوشتری تقریباً در شش ماه قبل که قضیه امتیاز راه بندر جزو مطرح شد بنده قبلاً عرض کردم از نظر عملی بودن امتیازی که رأی آن با مجلس شورای ملی است بایستی اهالی محل اهالی استرآباد و دامغان و بندر جزو شرکت بجویند

آن روزی آقای مغیر فرمودند ممکن است در ضمن شور در مواد قضیه را پیش نهاد بکنید.

بنده از نقطه نظر مخالفت با اصل لایحه است که الان عرض می‌کنم بلکه عملی نمی‌بینم که بدون شرکت دادن اهالی استرآباد و دامغان و بندر جزو آقای مسعود الملک موفق بشود بساختن راه و بطوریکه در دو روز قبل آقایان درج را بدینسانند از نقطه نظر هائی که شاید صلاح نیست عرض کنم اهالی استرآباد جمع شده اند قسمت راهی که این آدم بایستی تعمیر و شوسه کند تبادل نظر می‌کنند و سرمایه جمع کرده اند برای ساختن راه این پیشنهاد را کردم که تاجر مقدار آنها بخواهند مقدمند. برای عملی شدن این امتیاز است. استرآبادها همسایه دارند آن همسایه خارجی مراد نیست بلکه اتساع داخله مقصود است.

آن همسایه اگر خواستند تحریک کنند و امنی در محل ایجاد میشود و در اثر آن موانع مسعود الملک موفق بساختن راه نخواهد شد این است که بنده اهالی استرآباد و دامغان و بندر جزو را مقدم بر سایر اتباع داخله می‌دانم و عقیده دارم که هر قدر خواستند آقای مسعود الملک آنها را شرکت بدهند.

مغیر - بنده بطور اخطار عرض می‌کنم اگر این پیشنهاد آقا را داده بشود سلب اختیار از صاحب امتیاز شده و سبب می‌شود که این امتیاز لغو شود و آن موانع خارجی هم که آقا می‌فرمایند ایجاد میشود در صورتی است که ما رأی به این پیشنهاد بدهیم.

جمعی از نمایندگان - صحیح است مغیر - والا امروز بچون الله تعالی هیچ کس نمیتواند در مقابل مجلس دولت ایجاد مانع اشکالی بکند جمعی از نمایندگان - صحیح است رئیس - رأی می‌گیرم. آقایانی که ماده پیشنهادی ایشان را تصویب می‌کنند قیام فرمایند.

(هیچ کس قیام نکرد) رئیس - تصویب نشده پیشنهاد آقای شریعت زاده اصلاح شده رسید است مجدداً قرائت میشود رأی می‌گیریم.

(بشرح ذیل خوانده شد) ماده الحاقیه هر گاه صاحب امتیاز در مدت مقرر در این امتیاز ساختن راه را با تمام نرساند این امتیاز نسبت به قسمتی که ساخته شده معتبر و نسبت به قسمت ناتمام از درجه اعتبار ساقط خواهد بود مشروط بر اینکه قسمت ساخته شده کمتر از دو نولت تمام راه نباشد.

وزیر فواید عامه - بنده باز یک مرتبه اجازه می‌خواهم همان طور که عرض کردم باز هم تکرار می‌کنم که این پیشنهاد آقای شریعت زاده با ماده ۳ ماده ۲۲ منافات دارد ماده ۳ را می‌خوانم آقایان ملاحظه فرمائید.

وزیر فواید عامه - این پیشنهادی که آقا فرموده اند هم منافی ماده سه است که تصویب شده است و هم منافی ماده بیست و دو زیرا در ماده ۲۲ نوشته شده که تمام راه

ماده سه چهارم شش و فلان و فلان باشد الفاء این امتیاز خواهد بود بنابراین در دو ماده بر ضد این پیشنهاد رای داده شده و علامت صلاح نیست. چرا! زیرا برای چه می‌گویند و برای اجرای مقصود چه مضر است الاجل می‌کنیم.

برای این است که کسی که میخواهد این قانون را اجرا کند بداند که اگر در آن مدت کار را تمام نکنند ممکن است جزا داده شود ولی اگر شما جزا را منحصر و متوجه کردید نصف راه معیش این است که در هر سه سال فقط نصف راه را بسازد. بنابراین بعقیده بنده این پیشنهاد هم منافی رأی است که سابق مجلس داده و هم مخالف مصلحت است و ممکن است باصل مطلب ضرری بزند.

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده باین پیشنهاد آقای شریعت زاده مخالفم رئیس - موافقی نیست. بفرمائید شریعت زاده - چون بنده پیشنهاد را اصلاح کرده ام دوباره حق دارم توضیح بدهم اجازه می‌فرمائید.

رئیس - (خطاب بآقای دامغانی) پس قدری تأمل فرمائید ایشان توضیحاتشان را بدهند شریعت زاده - آقای وزیر پیشنهاد بنده را با ماده ۳ مدتی برای اتمام این کار معین کرده و هم چنین با ماده دیگری که تخلف از شرایط این امتیاز را باعث بطلان این امتیاز می‌داند مخالف دانستند در صورتی که اینطور نیست آن ماده که تجاوز از حدود مقرر در این امتیاز را موجب الفاء امتیاز قرارداد یک ماده عمومیست و این ماده پیشنهاد بنده یک ماده مختصم است.

بنابراین در این قسمت اشکالی نیست. قسمت دیگر که راجع است بدو نولت راه. توجه بفرمائید مسعود الملک مبالغ زیادی پول خرج می‌کند زحمت می‌کند از سوی دو فرسخ ۲۳ فرسخ و ۲۵ فرسخ راه ساخته.

جهت ندارد که از آن قسمت ساخته شده استفاده نکنند امتیازش مستألفی شود بنده که هیچ فلسفه در این نمی‌بینم. آقایان فرمودند که ممکن است ۲ فرسخ را بسازد و بقیه را نسازد بنده هم این را جبران کردم و گفتم مشروط بر اینکه دولت راه را تا آن وقت ساخته باشد.

وزیر فواید عامه - بنده باز یک مرتبه اجازه می‌خواهم همان طور که عرض کردم باز هم تکرار می‌کنم که این پیشنهاد آقای شریعت زاده با ماده ۳ ماده ۲۲ منافات دارد ماده ۳ را می‌خوانم آقایان ملاحظه فرمائید.

صاحب امتیاز متعهد می‌شود که از تاریخ مبادله این قرارداد در ظرف سال اول شروع به بنیات راه سازی نمود و منتهی تا مدت ۴ سال بعد از تاریخ مبادله قرارداد راه مقرر را با تمام این ماده ۳ است که مقدم می‌کنند تمام کردن راه را باینکه حتماً در ظرف ۴ سال از اول تا آخر این راه ساخته شود بعد ماده ۲۲ جزای عدم اجرائش را می‌گوید می‌نویسد در صورت عدم اجرائی هر یک از مواد ۳ و ۶ و ۱۱ و ۱۲ و فلان از طرف صاحب امتیاز وزارت فلان بصاحب امتیاز اخطار می‌نماید اجرائش هم این است که اگر در ظرف ۳ سال تمام این راه را ساختن می‌تواند امتیاز را لغو و جبران خسارت وارده بدولت را خواستار شود.

حالا آقا پیشنهاد می‌فرمایند که اگر دو نولت را ساخت و یک نولت ساخته ماند امتیاز نسبت به قسمت ساخته شده معتبر و نسبت به قسمتی که مانده باطل است آن وقت هم می‌فرمایند منافی با ماده ۳ و ۲۲ نیست! پس بفرمائید در آن مواد اشتباه شده باید مراعات صاحب امتیاز را کرد ولی بفرمائید که این پیشنهاد با ماده ۳ و ۲۲ منافی نیست و بنده جلب توجه آقایان را می‌کنم نسبت به آن دو ماده که نهایت مخالفت را با این پیشنهاد دارد.

اما راجع باصل مطلب راست است که شاید همچو روزی پیش بیاید که صاحب امتیاز یک قسمت از راه را ساخته باشد و بواسطه موانعی که از اول پیش بینی نشده و از اختیار او خارج است یک قسمت آن ساخته بماند ولی تصور نمی‌فرمائید که شاید این راه اصلاً دولت محتاج بساختن نباشد یعنی نسبتاً صاف و آراسته و رو باشد.

در این ملک هم که راه شوسه مقیاس ندارد و هیچقدر در یک راهی که در بهار و تابستان چهار چرخ عبور کنند (در پایتخت و زمستان هم همین ندارد) در ایران وسیع باستانی آن قسمتی که کوه و دره ورود است شوسه کردن سایر نقاط اشکالی ندارد و وقتی که ما این ماده را اینجا گذاشتیم صاحب امتیاز آن نقاط سهل الموند را می‌سازد و از آن جاها که رود و کوه مانع است بقدر یک نولت تمام مسافت باقی می‌ماند و اصلاً نمی‌سازد می‌گوید تا آن بین اجازه داده است و من نمی‌خواهم بقیه را فلاسازم دولت خودش میخواهد بسازد آن وقت شروع می‌کند بچون العبور گرفتن دولت هم که بخواهد یک امتیاز دیگر بکشد دیگر بدهد صاحب امتیاز می‌گوید دولت این راه مال من است و راجع بیک نولت دیگر اگر دولت میخواهد امتیاز بدهد.

آن وقت آن آدمی که حاضر بشود راهی را که دولت مال دیگری باشد امتیاز بگیرد آقا پیدا خواهند کرد!

بنابراین عرض می‌کنم صاحب امتیاز خودش را تمیز بدهد از آن راه که این را با تمام این ماده ۳ است که مقدم می‌کنند تمام کردن راه را باینکه حتماً در ظرف ۴ سال از اول تا آخر این راه ساخته شود بعد ماده ۲۲ جزای عدم اجرائش را می‌گوید می‌نویسد در صورت عدم اجرائی هر یک از مواد ۳ و ۶ و ۱۱ و ۱۲ و فلان از طرف صاحب امتیاز وزارت فلان بصاحب امتیاز اخطار می‌نماید اجرائش هم این است که اگر در ظرف ۳ سال تمام این راه را ساختن می‌تواند امتیاز را لغو و جبران خسارت وارده بدولت را خواستار شود.

جمعی از نمایندگان - رأی بگیریید رئیس - رأی گرفته می‌شود بقابل توجه بودن ماده الحاقیه آقایانی که قابل توجهش می‌دانند قیام فرمایند. (چند نفری برخاستند) رئیس - قابل توجه شد. ماده الحاقیه دیگر. (بشرح ذیل خوانده شد) پیشنهاد آقای شریعت زاده اگر صاحب امتیاز در مدت مقرر در ماده ۳ ساختمان راه را با تمام نرساند بر دولت معلوم شود که تأخیر اتمام مستند به مسامحه و تعمد صاحب امتیاز نیست میتواند ۶ ماه تا دو سال برای اتمام مدت ساختمان اضافه نماید. شریعت زاده - مطلبی است که بنده متذکر می‌شوم عرض کنم و آن این است که گفته میشود اگر کسی شرطی را قبول کند دولت ندارد مراجع به آن مطلب صحبت کنیم.

بنابراین عرض می‌کنم صاحب امتیاز متعهد شده که این راه در ظرف ۴ سال بسازد اگر ساخت که هیچ اگر هم نساخت که گناه دولت چیست؟ اگر هم مقصود مراعات صاحب امتیاز است مراعات صاحب امتیاز یک حدی دارد حدش تا این اندازه است که بمنافع عمومی و بخود این امتیاز سبب شود وارد نیاید و بعقیده بنده این پیش نهاد خوبی نیست حالا بسته برای مجلس است.

جمعی از نمایندگان - رأی بگیریید رئیس - رأی گرفته می‌شود بقابل توجه بودن ماده الحاقیه آقایانی که قابل توجهش می‌دانند قیام فرمایند.

(چند نفری برخاستند) رئیس - قابل توجه شد. ماده الحاقیه دیگر.

(بشرح ذیل خوانده شد) پیشنهاد آقای شریعت زاده اگر صاحب امتیاز در مدت مقرر در ماده ۳ ساختمان راه را با تمام نرساند بر دولت معلوم شود که تأخیر اتمام مستند به مسامحه و تعمد صاحب امتیاز نیست میتواند ۶ ماه تا دو سال برای اتمام مدت ساختمان اضافه نماید.

شریعت زاده - مطلبی است که بنده متذکر می‌شوم عرض کنم و آن این است که گفته میشود اگر کسی شرطی را قبول کند دولت ندارد مراجع به آن مطلب صحبت کنیم. بنده باین عقیده موافق نیستم برای اینکه مجلس باید در قضا با مطابق مصالح مملکتی رأی بدهد و در نظر هم داشته باشد از آن تصویبی که میکند نتیجه بگیرد و بوضع عمل بگذارد.

بنده تصور می‌کنم هر کس اطلاعات اساسی در این راه داشته باشد تصدیق می‌کند که ۴ فرسخ راه را آقای مسعود الملک نمی‌تواند در ظرف ۴ سال بسازد و باین جهت پیشنهاد کردم که اگر در مدت مقرر در ماده ۳ این راه تمام نشد دولت رسیدگی کند و ببیند اگر از راه تصامح بوده امتیاز را ملغی کند و اگر از راه تصامح نبوده اختیار داشته باشد که مهلت دیگری برای او معین کند تا او بتواند تمام کند.

مغیر - چنانچه آقای شریعت زاده کاملاً مطمئنند این آدم مدتی است در اینجا معطل و متوقف است و هر روز فکر و ذکرش متوجه باین قضیه است و تصدیق می‌فرمایند که این شخص در کار خودش بیش از بنده و چنانچه مطالعه کرده خودش تشخیص داده که در مدت ۴ سال میتواند این راه را بسازد و الزام داده است. یعنی می‌گوید ملتزم می‌شوم که بسازم حالا اگر اینطور تصور می‌کنید که دانش و عقل و

بنابراین عرض می‌کنم صاحب امتیاز خودش را تمیز بدهد از آن راه که این را با تمام این ماده ۳ است که مقدم می‌کنند تمام کردن راه را باینکه حتماً در ظرف ۴ سال از اول تا آخر این راه ساخته شود بعد ماده ۲۲ جزای عدم اجرائش را می‌گوید می‌نویسد در صورت عدم اجرائی هر یک از مواد ۳ و ۶ و ۱۱ و ۱۲ و فلان از طرف صاحب امتیاز وزارت فلان بصاحب امتیاز اخطار می‌نماید اجرائش هم این است که اگر در ظرف ۳ سال تمام این راه را ساختن می‌تواند امتیاز را لغو و جبران خسارت وارده بدولت را خواستار شود.

جمعی از نمایندگان - رأی بگیریید رئیس - رأی گرفته می‌شود بقابل توجه بودن ماده الحاقیه آقایانی که قابل توجهش می‌دانند قیام فرمایند. (چند نفری برخاستند) رئیس - قابل توجه شد. ماده الحاقیه دیگر. (بشرح ذیل خوانده شد) پیشنهاد آقای شریعت زاده اگر صاحب امتیاز در مدت مقرر در ماده ۳ ساختمان راه را با تمام نرساند بر دولت معلوم شود که تأخیر اتمام مستند به مسامحه و تعمد صاحب امتیاز نیست میتواند ۶ ماه تا دو سال برای اتمام مدت ساختمان اضافه نماید.

شریعت زاده - مطلبی است که بنده متذکر می‌شوم عرض کنم و آن این است که گفته میشود اگر کسی شرطی را قبول کند دولت ندارد مراجع به آن مطلب صحبت کنیم. بنده باین عقیده موافق نیستم برای اینکه مجلس باید در قضا با مطابق مصالح مملکتی رأی بدهد و در نظر هم داشته باشد از آن تصویبی که میکند نتیجه بگیرد و بوضع عمل بگذارد.

فهمش باین اندازه رسانست که ضرر و نفع خودش را تمیز بدهد البته صلاح نیست باو این امتیاز را بدهد ولی غیر اگر آدمی است عاقل و بالغ و اورا بصیر در عملیات خودش می‌داند که این شخص الزام داده است و متعهد شده است که این راه را بسازد و اگر یک فواید چهارم هم بالغ انجام این عمل بشود آن را هم که مایک مدتی مهلت برایش داده ایم و در هر صورت گمان می‌کنم محتاج باین پیشنهاد نباشد زیرا اسباب زحمت فراهم می‌شود.

رئیس - رأی می‌گیریم بقابل توجه بودن این ماده الحاقیه آقایانی که قابل توجه می‌دانند قیام فرمایند.

(چند نفری برخاستند) رئیس - قابل توجه نشد. اجازه می‌دهم فرمائید چند دقیقه تنفس داده شود.

جمعی از نمایندگان - صحیح است (در این موقع جلسه برای نفس تعطیل و پس از نسیاست جلسه مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه را راجع بالفاء قانون منع صدور پوست بره مطرح است.

(ماده اول بشرح ذیل قرائت شد) ماده اول مجلس شورای ملی قانون مورخ ۳ جوزای ۱۳۰۱ راجع بمنع صدور پوست بره را الفاء می‌نماید.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه) شیروانی - در این ماده مرضی ندارم رئیس - آقای داور (اجازه) داور - موافقم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقم. دست‌غیب - موافقم.

رئیس - رأی گرفته می‌شود بماده اول اول آقایان موافقت قیام فرمایند (اقلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد.

(ماده دوم بشرح ذیل قرائت شد) ماده ۲ - در موقع صدور پوست بره از قیمت برای حق جواز باید دریافت شود. تبصره - وزارت مالیه مکلف است فواید حاصله از حمل پوست بره را علاوه بر بودجه صحیه مملکتی نماینده که بمصارف صحیه ولایات و بلوکات که فائد رسانان حفظالصحه هستند بدهد.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه) شیروانی - بنده در شور اول هم مغالط بودم حالا هم مغالطه صدی را بنده برای هر پوست بره کافی نمی‌دانم و همان طور که عرض کردم همیشه در کسکات مقوم

بنابراین عرض می‌کنم صاحب امتیاز خودش را تمیز بدهد از آن راه که این را با تمام این ماده ۳ است که مقدم می‌کنند تمام کردن راه را باینکه حتماً در ظرف ۴ سال از اول تا آخر این راه ساخته شود بعد ماده ۲۲ جزای عدم اجرائش را می‌گوید می‌نویسد در صورت عدم اجرائی هر یک از مواد ۳ و ۶ و ۱۱ و ۱۲ و فلان از طرف صاحب امتیاز وزارت فلان بصاحب امتیاز اخطار می‌نماید اجرائش هم این است که اگر در ظرف ۳ سال تمام این راه را ساختن می‌تواند امتیاز را لغو و جبران خسارت وارده بدولت را خواستار شود.



بوده و هست و اجناس که وارد و خارج می شود در گمرک تقویم میکنند و از روی قیمت باید مالیات بدهند یک پوستی که دو قران قیمتش است نباید صدی چهار بدهد و یک پوستی هم که تومان قیمتش است صدی بدهد این یک اصلی است و بنده عقیده ام این است که در تمام مالیات ها باید اصل تقاعد را برقرار کرد بنده می گویم ۱۰ هزار تومان باید بیشتر از هزار تومان مالیات بدهد و در اینجا بنده معتقدم که پوست ۵ قرانی باید مالیات بیشتر از پوست ۵ قرانی را بفرق و پوست ۵ تومانی را از اینها استمال میکنند.

بنابر این بنده عقیده دارم که پوست بره را باید قیمت کنند و همانطوری که در پیشنهاد اول دولت هم بود و یک حدردی را قائل شده بودند حالا هم برای پوست بره از دو قران تا یک تومان یک مبلغی که بنده حالا حساب خواهم کرد و بنده پیشنهاد خواهم نمود درجه قرار بدهند و مالیات را هم سه درجه مین کنند و اما در قسمت تبصره هم پیشنهاد شده صرف صحیه بشود بنده عقیده ام اینست و معتقدم که تنها حفظ الصحه مردم را درست کردن کافی نیست جامعه کسوادند آرد آهم مرض است و لازم است که حفظ الصحه دفاعی آن را هم درست کردو حالا که موافقت نمی فرمایند بر برودجه معارف چیزی اضافه شود ما باید در نظر بگیریم که از این قبیل خورد ها که پیدا میشود به معارف تخصیص بدهیم و عقیده ام این است که این مورد را نصفش را تخصیص بدهیم به معارف و نصفش را هم بصحیه که هم حفظ الصحه اجساد مردم را درست کرده باشیم و هم حفظ الصحه دفاعی باشد را این است که بنده با این ماده تبصره مخالفم معبر اگر درست باده توجه فرموده بودیم معینید که همین مقصود ما حاصل شده است زیرا نوشته در موقع صدور از پوست های برماز قران صدی چهار از قیمت برای حق جواز باید دریافت شود.

پس معام می شود که ده تا پوست اعلا را وقتی که بیست تومان قیمت کردند بهمان نسبت از آن صد چهار می گیرند و همین طور ده تا پوست وسط را که ده تومان قیمت کردند این را هم به نسبت قیمتش صد چهارش را حساب می کنند و می گیرند و در واقع این جا همان نسبتی را که خودشان در نظر داشتند که نسبت تصاعد باشد کاملاً ملحوظ شده است. برای اینکه ما از قیمت می گیریم دانه که نمی گیریم بلی اگر نوشته بودیم که از هر دانه پوست یک قران یا دو قران باید گرفته شود بهیچ است که قیمت هم تفاوت می کنند بنابر این اصل تصاعد در این جارحایت شده است. اما راجع به قسمت دوم تصور میکنم همه آقایان همین نظر آقای شیروانی را راجع باز دیار بودجه معارف داشته

باشند ولی باید دید هوائندی که از این راه حاصل می شود چه مبلغ است؟ این يك مبلغ فوق العاده نیست که از صد هزار تومان تجاوز کند. خیر. اینطور نیست. شاید در سال فریبده هزار تومان بیشتر نشود و این هم بولی نیست که هم بمصرف معارف برسد و هم بمصرف صحیه عیالاً این را تخصیص میدهم بیجاها می که فاقه مسائل صحیه هستند بدمم برای معارف همین طور مشغول هستیم از جاهای دیگر برای معارف درست می کنیم والا اگر بخوایم هواند این مبلغ را هم تخصیص به معارف بدهیم و هم بصحیه کفافی نخواهد بود و در دروچ کدام نخواهد خورد

رئیس - آقای آفاسید یعقوب (اجازه) یک مسئله را برض آقایان برسانم. بنده خودم روحانی توأم تصدیق کنم. لیکن این بودجه را که بنده بدهم مرا ناچار کرده است که این عرض را عرض کنم بودجه که امسال تدوین شده است و آورده اند در کمیسیون معتزم بودجه بنده نگاه کردم می بینم راجع به معارف و صحیه با این همه فریادی که در مجلس زده شد ابتدا دولت توجهی نکرده است و باز هم توجه به همان جاهائی شده است که سابقاً توجه شده است و اما راجع به قسمت پوست بره ۵ قران دخل پوست بره بیشتر مال فارسان است و بنده میخواهم تقاضا کنم آن چیزی که از این جا حاصل می شود تخصیص داده شود بصحیه همان جا. در صورتی بنده کاملاً موافقم بامر کزیت و معتقدم که تمام هواند مملکت باید وارد خزانه شود و باالسویه نسبت به کزیت غیر مرکز تقسیم شود و ملاحظه کنند. اما بنده میدانم که این مخارجی که الان برای صحیه میگیرند اگر سه برابر چهار برابر برابری هم علاوه شود تمامش خرج هرگز میشود و ولایات بدبخت باز همین طور و به همین حال باقی میمانند و باز هزار التماس میچند تقری را که باز بر حفظ الصحیه می باشد به آنها میگویند شما بروید آنجا و یک مواجی هم بگیرد والا تأسیس یک اداره صحیه که برای آن ولایات نخواهد کرد و چون این نظر است و بنده هم میدانم.

همانطور که یک روز یکی از رفقا گفت که مرحوم مرئذ میگفت هر کس نزدیک بیخاری است گرم می شود از این جهت مخالفم و این يك بدبختی شده است که همه اهالی ولایات باید بیایند به طهران ناراحت شوند و از این مؤسسات استفاده کنند همانطور که عرض کردم چون بیشتر هوائندی که از این راه حاصل می شود مال پوستهای شیراز و خراسان است در این صورت چه عیبی دارد که این هواند را تخصیص بدهند بجز حفظ الصحه شیراز و خراسان و این هواند وارد شود در یک مرکز می کشند که آن مرکز تقسیم نماید بین این دو محل این بود عرض بنده.

مخبر - اولاً اینکه فرمودند از طرف دولت نسبت بصحیه و معارف توجه نشده است اینطور نیست. به بودجه مراجعه فرموده اند والا میدهند که تا يك حدی که منظور نظر آقایان بوده است توجه شده و يك مبلغی هم بر بودجه معارف هم بر بودجه صحیه مخصوصاً ولایات و ایالات اضافه شده است. منتهی همانطوری که روز قبل بنده عرض کردم این مبلغ کم است و الا نه اینکه هیچ تقاضائی نکرده باشد. خیر. تفاوت کرده است صد هزار تومان بر بودجه صحیه اضافه شده است و يك مقداری هم بر بودجه معارف و اما در قسمت دوم که می فرمایند ولایات و ایالات از طهران شکایت میکنند شوب. این را خودتان میخواهید والا بین طهران و شیراز و خراسان چه امتیازی است؟ ما بین کرمانشاه و اصفهان چه امتیازی است؟ همه جا صحیه و معارف لازم دارد چه دلیل دارد این مبلغ تخصیص به يك معمل داده شود؟ و این مبلغی که هست باید بطور تناسب و تساوی بمصرف جاهائی که صحیه ندارند برسد.

وزیر فوآند معارف اگر چه آقای معبر در ضمن بیاناتشان توضیح دادند ولی چون آقای آقا سید یعقوب عبارتی بیان کردند که لازم است بنده توضیح بدهم از این جهت میخواهم این عرض را بکنم و آن این است که فرمودند با همه داد و فریاد های مجلس از طرف دولت توجهی در تکثیر و ازدیاد بودجه معارف و صحیه نشده. اینجا يك قسمت را آقای معبر بیان فرمودند که اضافاتی منظور شده ولی اگر این مبلغ هم کافی نیست اعتراضی بر دولت وارد نیست زیرا دولت بودجه ۱۳۰۴ را در حدود بودجه ۱۳۰۳ تنظیم نمود است برای اینکه نسبت به ایامات ۱۳۰۳ تقریباً حاصل شده است و البته به باصرف ممکن است ولی اصلاً باید پول پیدا کرد و برای این کار لوابیچی که مستلزم تکثیر ایامات است پیشنهاد شده و ممکن است به مجلس شورای ملی بیاید اگر آن لوابیچی تصویب شود البته اضافه ایامات پیدا میشود و آنوقت هم صحیه و هم وزارت معارف هم سایر وزارتخانه های دیگر دارای يك بودجه منظم و خوب خواهند شد ولی اگر آن ها تصویب نشود و ایامات مملکتی در حدود ایامات سابق باشد در این صورت (جمعی از نمایندگان اظهار نمودند مذاکرات کافی است و بعضی گفتند کافی نیست) رئیس - آقایانی که مذاکرات کافی میدانند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند) رئیس - اکثریت است. پیشنهاد آقای شیروانی (بترتیب ذیل خوانده شد) ماده دوم را بطریق ذیل اصلاح میکنم.

بیشتر از شش ده درصد صدی هشت از قیمت برای حق جواز باید دریافت بشود. تبصره بصحیه کلمه معارف پیشنهاد میکنم.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه) شیروانی - اولاً تصور میکنم آقای وزیر درست نظرشان نباشد که چند میلیون عایدات تفاوت کرده است گویا فراموش فرموده اند که مالیات دخانیات از روی صدی سی گرفته می شد ولی این جا از روی صدی صد تا صدی هفتصد تصویب شد و مطابق همان فائده هم می گیرند و این يك مالیات خیلی سنگین است که بر مردم تحمیل کرده اند و هنوز در شان این خشکی را احساس نکرده است و چندی دیگر که بگذرد معلوم میشود که این عایدات چقدر ترقی کرده. کمرک مطابق صورتی که این جا فرستاده است ستون عایدات متجاوز از يك میلیون زیاد شده است و بلکه بفرمایش یکی از رفقا دو میلیون بودجه کمرک ترقی کرده و با این همه مخارج مطابق همان بودجه که سابق بود حالا هم بیش بیش شده و خیلی هم از اضافه عایداتی که پیش نهاد کرده اند افاضت کرده اند در صورتیکه چهار پنج میلیون عایدات تفاوت کرده است و معذراً بآزم در مقابل این اضافه عایدات بودجه را عین همان بودجه ۱۳۰۳ تنظیم کرده اند و به مجلس آورده اند و يك دینار هم اضافه نشده و فقط در این بودجه در حاشیه يك ستونی نوشته اند و در ذیل بودجه قید شده است که اگر این اضافاتی که به مجلس پیشنهاد کرده هم تصویب گردید آن اضافات را می دهیم و الا بودجه عین بودجه ۱۳۰۳ خواهد بود.

این بودجه ایست که به مجلس آمده و بنده هم قدری نزاع کردم و حتی از جریان وزارت مالیه و سایر وزارت خاها هم اطلاع داشتم و از روی کمال اطلاع عرض میکنم که هم دوسه میلیون بر عایدات اضافه شده است و هم اینکه دیناری بر ستون مخارج اضافه نشده است بالفصوص برای وزارت معارف.

حالا شاید سایر وزارتخانه ها بفرمایش يك نفر از نمایندگان يك اتومبیل برای وزیر درست کرده اند یا چند چیز اضافه شده است یا يك مبلغی برای صحیه خارج مرکز در نظر گرفته شده ولی برای معارف ولایات يك دینار اضافه مخارج منظور نشده در صورتی که در مقابلش يك سلسله عایدات اضافه شده است.

این قسمت جواب فرمایش آقای وزیر اما پیشنهاد بنده اینکه آقای معبر فرمودند از روی اصل تصاعد است. بنده عرض میکنم ماده اینطور نیست.

و ماده متناسب است یعنی متناسب قیمت پوست مالیات اضافه میشود.

ولی تصاعد این است که هر قدر قیمت اضافه میشود مالیات هم باید اضافه شود بنده پیشنهاد کرده ام که از پوستهای بره چهار بگیرند و کمیسیون در نظر گرفته که از پوستهای بره که بیشتر یا کمتر از این مبلغ ارزش دارند بطور عموم چهار درصد بگیرند در صورتیکه خود بنده در ابتدای امر که این طرح چاپ شد یکی از طرفداران این لایحه من بود ولی در همین حال نباید انتظار جلوی کار را ول کرد که از آن طرف هم نتیجه ممکوس شود و علاوه ملت وقتی که خودش حاضر شد يك مالیاتی را بدهد آن را باید تخصیص داد. يك معارجی که خودش در نظر گرفته و بنده اگر چه برابر هم این مالیات اضافه شود و صرف صحیه و معارف مملکت بشود زای میدهم تصور نمیکنم دلسوزی هم بشود که این مبلغ زیاد است و مورد ندارد.

زیرا خرج معارف و صحیه خودشان می شود و در هر صورت نظر بنده این بود که در ماده پیشنهاد کردم از پوستهای بره که تا يك تومان ارزش دارد صدی چهار و اگر بیشتر ارزش دارد صدی هشت گرفته شود آن وقت هم اختصاص داده شود به معارف و صحیه یعنی نصفش را به معارف بدهند و نصفش را بصحیه.

مخبر - راجع بودجه و اضافه عایدات که اظهار کردند معلوم میشود درست دقت فرموده اند والا ملاحظه می فرمودند که اگر بودجه معارف خیلی اضافه نشده برای این است که از این طرف يك مبلغی از عواند ما کسر شده و حقا هم باید کسر بشود مثلاً يك فقره تقریباً يك میلیون از عایدات جنسی خاصه جات انتقالی ما بواسطه بی آبی و آفت کسر شده است.

معامل چهار صد هزار تومان از عایدات مستقیم ما کسر شده و همچنین بواسطه آفات وارده بانصد هزار تومان از عایدات خاصه جات غیر انتقالی دولت کسر شده و همچنین مبلغی بابت عواند آتف کرده و اکسید و فقره که حالا بنده شرح را در مورد این پیشنهاد و اینجا زاید میدانم کسر شده است و آن وقت در مقابل يك مبلغی هم اضافه عایدات دخانیات و يك مبلغ هم اضافه عایدات گمرک دارند ولی وقتی که نگاه کنیم باز می بینیم عایدات مناسب بسال گذشته چیزی اضافه نشده.

اما اینکه راجع به مالیات دخانیات می فرمایند که يك مبلغ زیادی اضافه شده اینطور نیست و صدی صد و صدی هفتصد را هم که میفرمایند اینجا يك قدری اغراق است بنده که نمی فهمم صدی هفتصد یعنی چه؟ علاوه عایدات دخانیات را هم آن.

اندازه که تصور میکنند امسال علاوه نشده اما اینکه راجع باصل مطلب اظهار کردند خوب است صدی هشت گرفته شود بنده عرض میکنم اگر بقیه شخص بنده بود بنده معتقدم که اصلاً از پوست بره چیزی گرفته نشود برای اینکه این يك مال التجاره میشود که ترویج پیدا میکند و مردم بیشتر تهیه میکنند و ما باید سعی باشیم که این قبیل مالیاتها از صادرات ما برداشته شود و اینکه اضافه کنیم و این صدی چهار را هم که نوشته شده است.

در نتیجه مذاکرات و مطالبات زیاد است که با دولت و رئیس کل گمرکات بعمل آمده و بالاخره مبلغی که عادلانه باشد و بمال التجاره هم رابطه وارد نیاورد و هواندش هم صرف حفظ الصحه بشود همین مبلغی بوده است که در نظر گرفته شده.

اما اینکه میفرمایند این مبلغ را تخصیص بدهیم هم بمعارف هم بصحیه بنده عرض میکنم اگر اینطور بشود آن وقت هیچ کدام آنطوری که منظور نظر است اداره نخواهد شد و راجع بمعارف ولایات هم همانطوری که آقای وزیر فوآند معارف اظهار کردند محتاج بداشتن عواند است هر وقت ما عواند زیادی پیدا کردیم البته همانطور هم که از طرف یکی از نمایندگان پیشنهاد شده بود يك مبلغ زیادی که تا يك اندازه توسعه معارف را تأمین نماید بر بودجه معارف اضافه خواهد شد اما این مبلغ کافی نیست که بصرف هر دوی آنها برسد و آن وقت نقض غرض خواهد شد رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای شیروانی

مجلسانی - بنده تقاضای تجزیه میکنم رئیس - قسمت آخر را میفرمایند مجلسانی - بلی رئیس - آن قسمت را حالا رای نمیگیریم رای میگیریم به قسمت اول آقایانیکه قسمت اول را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قبل قیام نمودند) رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای شیروانی (شرح ذیل خوانده شد) نظامی - بنده تصور میکنم در تمام دنیا امروز جنگ با مرض مالاریا را مقدم بر همه مرض ها میدانند آقای امیر اعلم تشریف دارند.

از ایشان سؤال کنید ببینید از مالک خارج برای این موضوع اعانه برای ایران فرستاده اند و در صورتی که خارجی

ها حاضرند در این قسمت با ما مساعدت بکنند

گمان میکنم اگر آقایان موافقت بفرمایند و يك یادگاری از دوره پنجم بماند بگذارند و جنگ با مالاریا از دوره پنجم شروع بشود و در واقع نعمت بزرگ است. بعضی از آقایان نظر داشتند که این مبلغ صرف صحیه بشود و بعضی ها معتقد بودند که صرف معارف بشود و بنده بینا بین را گرفته چنانکه دو روز قبل هم در کمیسیون فوآند معارف گفته شد که برای رفع مرض مالاریا معالی نیست و پیشنهادی هم در این خصوص بکمیسیون بودجه خواهد آمد و گمان میکنم اگر آقایان عایدات این محل را برای جنگ با مرض مالاریا اختصاص بدهند حقیقتاً یادگار بزرگی از دوره پنجم باقی گذاشته اند

مخبر - بنده شخصاً با پیشنهاد آقای آقامیرزا بدالله خان موافقم ولی این اساساً از وظیفه ما خارج است ما نباید يك مبلغ برای مالاریا تخصیص بدهیم یا يك مبلغی را برای آبله یا يك مرض دیگر تخصیص بدهیم این وظیفه صحیه مملکتی است خود این اداره صحیه هر طوری که لازم میدانند اقدام میکنند

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد) نظامی - بنده با این توضیحات که آقای معبر دادند متقاعد شدم و مسترد میدارم

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای کازرونی (شرح ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که از پوست بره در حین صدور فقط صدی يك بجهت حق جواز گرفته شود

رئیس - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - باره مالیاتهاست که در شرح سیاست از معارفات و آن مالیاتی که از صدور مال التجاره از مملکت می گیرند برای اینست که آن مال التجاره را در مقابل التجاره خارجه طوری شعبه کنند که دیگر نتوانند و رقابت کنند و برای مملکت هم لازم است و این مالیات هم از همان قبیل مالیاتهاست و این مطلبی را که بنده عرض کردم

در تفرقه گمرکی تا يك اندازه مرعی شده که از مال التجاره صادره غالباً چیزی گرفته نمیشود و معاقبت مگر بطور استثناء يك چیزهایی که ممکنست در مملکت محل احتیاج واقع شود گمرک گرفته میشود از قبیل جو و گندم که کمتر صادر کنند ولی در موقعی که در مملکت وجودش از روی نداشته باشد

معاف می کنند و ما باید بطوری بکنیم که صادراتمان زیادتر از وارداتمان یا معادل بشود. بالعکس

بنده می بینم کم کم داریم وضع مالیات بر صادرات مملکت میکنیم خصوص آن صادراتی که در داخله مملکت محل احتیاج مردم نیست و قوام وجود و موجودیت مردم مبتنی بر آن نیست درین صورت مقتضی است که ما آنها را معاف کنیم و آنها را شویق کنیم که بتوانند در مقابل سال التجاره های دیگران مقاومت کنند

اینست که بنده پیشنهاد کرده ام فقط برای حق جواز صد يك گرفته شود

مخبر - با اینکه نظر آقای کازرونی اساسی و قابل توجه است ولی برای اطلاع خاطرشان عرض میکنم که در سر این کار مخصوصاً با رئیس کل گمرکات در یکی دو جلسه مذاکره شد و این مبلغی را که درین جا نوشته اند که صدی چهار باشد يك مبلغیست که با هم پوستهای ایران نسبت به پوست های خارجه ارز آنتر و بهتر وارد می شود در کمال خوبی میتوانند مبارزه کنند والا اگر لازم بود کمتر از این پیشنهاد بشود البته پیشنهاد میشد

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قبل قیام نمودند) رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای ضیاء (شرح ذیل خوانده شد) پیشنهاد می شود که در تبصره ماده دو «ولایات» بعد از ولایات و بلوکات علاوه شود

مخبر - این پیشنهاد قابل قبول است اضافه شود (پیشنهاد آقای طهرانی شرح ذیل خوانده شد) بجای بیش نهادم بود تبصره ماده دوم بطریق ذیل اصلاح شود:

تبصره - عواند حاصله از حمل پوست بره بالسویه اختصاص بصحیه و مدارس ابتدائی ایالات و ولایات خواهد داشت.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه) طهرانی - الحاق تبصره بنده و آقای شیروانی هر دو لازمست زیرا وقتی که امروز مراجعه می کنیم می بینیم ما باید هم صحیه دفاعی مردم را و هم صحیه بدنی آنها را تأمین کنیم و متأسفانه تا امروز دولت توجه مخصوصی بمعارف نکرده است آذربایجان و هم چنین غوزستان اینها احتیاجشان بمعارف بیشتر است تا بصحیه از روی سیاست مملکت هم که ملاحظه کنید اهمیت معارف از همه آنها بیشتر است علاوه بر اینکه اداره صحیه هنوز يك